



ون

Ketabton.com





بېرک کارمل منشی عمومي کمیته مرکزی حزب د موکراتیک خلق افغانستان ورئیس شورای انقلابی هنگام ملاقات و صحبت با اعضای هیأت اجرائیه انجمن نویسندگان آسیا و آفریقا در مقر شورای انقلابی

اقتصاد و قایم مقامه

د افغانستان د خلک دموکراتیک
گوند د مرکزی کمیته د عمومي
منشی اود افغانستان د دموکراتیک
جمهوریت د انقلابی شورا د رئیس خلق
بېرک کارمل لخوا فلسطین لای



د افغانستان د خلک دیمو کراتیک گوند د مرکزی کمیته د سیاسي پروغړی او منشی داکتر صالح
زیری د مرکزی کمیته د ډولنیزو علومو دانستیتوت د څارندوی د پوهنځی د فارغانو د بری لیکونو د ویشلو
حال کی

بېرک کارمل منشی عمومي
کمیته مرکزی حزب دموکراتیک
خلق افغانستان و رئیس شورا
انقلابی جمهوریت دموکراتیک افغان-
ستان ساعت (یازده) قبل از ظهر
۱۳ قوس هیأت اجرائیه انجمن
نویسندگان آسیا و آفریقا رابرای
ملاقات در قصر گلخانه مقر شورای
انقلابی پذیرفتند و در فضا نهایت
دوستانه با ایشان صحبت نمودند.

...

از طرف بېرک کارمل منشی
عمومي کمیته مرکزی حزب دمو-
کراتیک خلق افغانستان و رئیس
شورای انقلابی جمهوریت دموکراتیک
افغانستان تیلگرام تبریکه عنوانی
نیکو لای چایسکو منشی عمومي
حزب کمونسټ و رئیس جمهور
جمهوریت رومانيا به مناسبت
روز ملی آنکشور په بخارست
مخابره شده است.

...



دائنر کانتی ننتال په هوتل کي داسيا او افريقا د خلکو ديو ستون د سازمان د رئيسه هيات د اختتاميه غونډې يوه غونډه .

علي البدل پيروى سياستى كميته
مرکزي حزب دموکراتيک خلق
افغانستان رئيس هيات مدیره
ووزير معادن و صنايع درحالیکه
معين اول وزارت مالیه و هيات
هاى نظار و عامل حاضر بودند
تشكيل جلسه داد .

پوهنډوى دوكتور فقير محمد
يعقوبى وزير تعليم و تربيه و رئيس
هيات افغانى درسى و هشتمين
کنفرانس بين المللى تعليم و تربيه،
د انعقاد ژنيو روز ۸ قوس به کابل
بلا گشت .

د بهرنیو چارو وزير شاه محمد
دوست د ملگرو ملتو د عمومي اسامه
مېلى په غونډه کي له گډون څخه
وروسته د قوس په ۴ نيټه له نيويارک
څخه کابل ته راستون شو .

دافغانستان د خلکو دموکراتيک گوند د
مرکزي کميته د سياسي پيرو غړي نور احمد نند
د غړي په ۳۰ نيټه له غرمي مخکي دخپل کار په دفتر
کي د بهرین دنمایندي د هيات له رئيس
سره چي داسيا او افريقا د خلکو د پيوستون
سازمان رئيسه هيات په لسمه غونډه کړي
کېون په غرض کابل ته راغلي دي وکتل .

دافغانستان د دموکراتيک جمهوريت د
سولې پيوستون او دوستي د سازمان رئيسي
ډاکټري انا هيتار تېب زاد د قوس په ۳۰ نيټه دخپل
کار په دفتر کي د بلژيک او فرانسې د پيوستون
د کميټو دنمایندي د هياتو نو له مشرانو سره
چي دافريقا او آسيا د خلکو د پيوستون د سازمان
د رئيسه هيات په غونډه کي له گډون نه وروسته
په کابل کي دي وکتل .

هيات مديره شرکت سېا سي
کليمند افغان تحت رياست د پيلوم
انجنير محمد اسماعيل دانش عضو

د قوس ۷ نيټه له غرمي مخکي د مراسمو په
ترڅ کي د گوند د مرکزي کميټي د سياسي پيرو
د غړي او منشي ډاکټر صالح محمد زيري له
خوا وويشل شول .

ډاکټر زيري د پيري ليکونو له وېشلو څخه
مخکي د سياسي حال کي چي د کورنيو چارو وزير
سيد محمد گلاب زوي هم حاضر وو د انقلاب
د ارزښتونو او د ملي حاکميت د دفاع په کار
کي د څارندوي د وظيفو او رسالت په باب زياتي
خبري وکړي او هغوی يې زموږ د ټولنې په
انقلابي شرايطو کي دخپلو له مسووليت نه
ډکو او مهمو وظيفو ترسره کولو ته له پخوا
زيات توجه کړل .

داسيا او افريقا د ليکوالو د ټولنې د اجراييه

هيات څلورمه غونډه د قوس په ۱۳ نيټه له غرمي
وروسته په آريانا هوتل کي پيل شوه .

سره بين المللي پيوستون د
هيات نمانځني له امله يو پيغام
شویدی .

د هيات يې بيرک کار مل منشي
وکرانې کميته مرکزي حزب دموکراتيک
رئيس خلق افغانستان ورئيس
بين لای انقلابي به صد ها نفر از
شریف و زحمتکش مرکز و
ت ولايت سمنگان روز
طی یک گرد همایی و سيعی
بريد جنرال گل آقا رئيس
ی امور سياسي قواي مسلح
په شد که از طرف حضار با
سات گرم و پر شور استقبال

دافغانستان د خلکو دموکراتيک گوند د مرکزي
ټولنيزو علومو دانستيتوت د څارندوي د
دلوهری دوری د فارغانو پيري ليکونه



داسيا او افريقا د ليکوالو د ټولنې د اجراييه هيات د څلور می غونډې يوه غونډه چي د آريانا په هوتل کي پرانستل شوه

«افغانستان امروز تنها نیست بلکه در یک جنبه وسیع تمام کشور های مرفعی، جنبش های آزادیبخش و نیروهای مرفعی در سر تاسر جهان و منجمله نویسندگان پر قدرت مانند اعضای انجمن نویسندگان آسیا و آفریقا قرار دارد.»

ببرک کارمل

شنبه ۱۵ فوس ۱۳۶۰، ۲۸ نوامبر ۱۹۸۱

«افغانستان امروز تنها نیست»

انقلاب شکوهمند ثور که بنا بر اراده مردم زحمتکش و رنج دیده ما در تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان به پیروزی رسیده و به حاکمیت قدرت های استبدادی و مستمکر تاریخ در کشور ما پایان داد و مردم ما را حاکم به سر نوشت شان کرد نه تنها در عرصه سیاست داخلی خود در جهت پیاده نمودن اهداف والا و انسانی اش به نفع اکثریت توده های میلیونی کشور ما پیروزی های چشمگیری را نصیب گردیده و روز تا روز پایگاه مردمی آن استحکام می یابد بلکه همچنان در عرصه سیاست خارجی خودموفقیات های بیشتر و بیشتری را کسب نموده و روز تا روز به اعتبار و حیثیت بین المللی آن افزوده می گردد.

علی الرغم آنکه ضد انقلاب و همه نیرو های عقبگرا که منافع حیاتی شانرا از دست داده اند و به خاطر بدست آوردن قدرت از دست رفته و منافع آزمندانه شان تلاش های مذبحخانه مینمایند و با وجود یکه امپریالیزم جهانی و در راس امپریالیزم جنایتکار امریکا و دستیاران بین المللی اش، همو نیز و در ارتجاع منطقه جنگ اعلام ناشده بی راعلیه کشور ما را به انداخته اند و با تجهیز و ارسال باند های مز دور و فروخته شده در مقابل دالر و کلداری بکشور ما مرتکب اعمال ضد انسانی می شوند و از انجام هیچ نوع جنایات ضد بشری تخریب و ویرانگری، قتل و آدم کشی دریغ نمی ورزند و در زیر نقاب دروغین دفاع از اسلام ضد اسلام عمل می کنند تا

بتوانند انقلاب ثور را به شکست مواجه سازند و یا حداقل جلورشده و پیشرفت آنرا سد نمایند. مگر از آنجایی که مردم زحمتکش ما بادرک و شناخت از حقیقت انقلاب ثور و ایمان خدشه ناپذیر به آرمان های انقلاب از حزب و دولت انقلابی شان دفاع نموده و در جهت حفاظت آن در مقابل هر گونه مداخلات و تجاوزات بیشتر مانه از تجاوز، همو نیز و امپریالیزم به خاطر شرف و آزادگی حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور شان قاطعانه می رزمند و مواضع و سنگرها ی دشمنان یکی پی دیگری اشغال و کوبیده می شوند، انقلاب ثور به صورت چشمگیری مدارج عالی تکامل خود را می پیماید پیروزی هایی که درین روال نصیب حزب دولت و مردم انقلابی ما گردیده است تصادفی نیست زیرا از یک طرف مردم ما درین نبرد عادلانه شان بر حق بوده و به خاطر اعمار یک جامعه نوین و فارغ از هرگونه استثمار و مبنی بر عدالت اجتماعی می رزمند و از جانب دیگر از حمایت و پشتیبانی بشریت مرفعی و همه نیرو های صلحدوست جهانی بر خوردار بوده، روز تا روز اعتبار و حیثیت بین المللی دولت انقلابی ما افزونی می یابد چنانچه ببرک کارمل منشئی عمو می کمیته مرکزی ج.د.خ. و رئیس شورائی انقلابی ج.د.خ. طی بیانیه افتتاحیه شان در چارمین اجلاس هیئات رئیسه انجمن نویسندگان آسیا و آفریقا چنین گفتند: «افغانستان امروز تنها نیست بلکه

در یک جنبه وسیع تمام کشور های مرفعی، جنبش های آزادی بخش و نیرو های مرفعی در سر تاسر جهان و منجمله نویسندگان پر قدرت مانند اعضای انجمن نویسندگان آسیا و آفریقا قرار دارد.» آری افغانستان انقلابی در امر دفاع از استقلال و آزادی حاکمیت ملی و تمامیت ارضی خود از حمایت قاطعانه همه نیرو های صلحدوست و مرفعی جهان بر خور دار می باشد هیئات رئیسه انجمن نویسندگان آسیا و آفریقا که به تعقیب هیئات رئیسه سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا، چارمین اجلاس نوبتی خود را اخیرا در کابل دایر کرد نمونه دیگری است از حمایت و همبستگی بشریت مرفعی با مردم و انقلاب افغانستان.

انجمن نویسندگان آسیا و آفریقا که بیانگر حقوق و خواست های خلقهای آسیا و آفریقا است و اعضای مرفعی این انجمن در جهت انعکاس واقعیت های اجتماعی قلم می زنند و طی اشعار نبشته ها و آثار انقلابی شان اهداف و آرزو های خلقهای جهانرا ترجمانی می کنند اینک در جنبه قلم در پهلوی مردم و انقلاب ما همچون دژ استوار ایستاده اند و از حقیقت انقلاب ثور و مردم افغانستان انقلابی با سلاح قلم دفاع مینمایند که این قدم دیگری است از همبستگی با انقلاب ثور و نماد دیگری است از اعتبار و حیثیت روز افزونی بین المللی آن که حزب و دولت انقلابی ما به آن می بالند و به آن اهمیت زیادی قایل اند.

این موضوع در پیاپی وزیران ج.د.خ. عنوانی اجرائیه انجمن نویسندگان آفریقا چنین انعکاس می یابد در تدویر جلسه شما در کابل زیادی دایل هستیم. زیرا شما بر جسته ترین نمایندگان فرهنگی ملل آسیا و آفریقا انقلابی ما پس از تدویر موافقت جلسه هیئات رئیسه سازمان و همبستگی خلقهای آسیا در کابل نشانه دیگری است پشتیبانی خلقهای آسیا و آفریقا از انقلاب ما و از نبرد بر حق کشان سر زمین انقلابی ما. حقایق انقلاب ما حلقه های تر اذهان عامه جهان را فرا و ج.د.خ. از اعتبار و حیثیت افزونی بین المللی بر خوردار گردیده است.

در این شماره

انقلاب کبیر اکتوبر و جنگ داخلی

دولتین دیکو سره پیوستون

درخشش ادب دری در عصر ظهور

آیا معیوبیت های دوره طفولیت

تداوی است.

موج دیگری از همبستگی با انقلاب

افغانستان.

معرفی و بررسی کتاب

سازمان ملل متحد و قضیه فلسطین

وده ها مطلب خواندنی دیگر

شرح روی جلد

یک زن افغان در لباس ملی

شرح پشتی چهارم

ستاره زیباروی از کشور شوراه

هیئات مختصر

وفا

تپهر

جهانیان صلح خواه با ما است

هیل

ماده ششم اصول اساسی
جمهوری دموکراتیک افغانستان
حکم می کند که :

((در جمهوری دموکراتیک افغانستان فعالیت های اتحادیه های کارگری، سازمان های زنان، جوانان، انجمن های علمی، کلتوری، هنری و سایر سازمان های اجتماعی و دموکراتیک زحمتکشان در صفوف خویش کارگران، معلمان، کسبه کاران، روشنفکران، سایر اهالی رابه مقصد بالا بردن شکل و ارتقای فعالیت های اجتماعی و تولیدی، تعمیم اهداف و طایف انقلاب نور و تأمین منافع خاصه ایشان متحد می سازند. سوز و پشیمانی می شود...))
رهبری انقلابی حزب و دولت را تا سی از همین حکم قانون اساسی موقت کشور ما در قدم اول به تأسیس سازمان ها و اتحادیه ها اقدام نمود و سپس در راه رشد و تکامل این سازمان ها در عمل جدو جهد نموده و می نماید. در وسط کرد هم ایی های متعدد و تماس های وسیع با جهان صلح خواه و سازمان های دموکراتیک و مترقی، ارتباط سازمان های مذکور با جهان تا مین نمود.

گرد هم ایی هیئت اجرا نیه سازمان همبستگی آسیا - آفریقا که دهمین دوره اجلاسیه آن می باشد نه تنها از نظر ارتباط و مقام همه با سازمان های همگون در کشور ما میباشد بلکه مویده اهمیت و پرستیژ مردم و کشور ما در جهان میباشد.

قبل از آنکه به ارتباط سفر این هیئت مهم بحث شود لازم است تا مختصرا پیرامون تاریخچه تشکیل فعالیت های سازمان همبستگی

خلق های آسیا و آفریقا سخن چند ارائه شود.

سازمان همبستگی خلق های آسیا - آفریقا اولین بار در سال ۱۹۵۷ طی کنفرانسی که در شهر قاهره تشکیل گردید به میان آمد و دومین کنفرانس سازمان مذکور در ۱۱ ابریل سال ۱۹۶۰ در شهر ((کونا کوی)) دایر گردید.

سازمان همبستگی خلق های آسیا آفریقا که از بدو تا سپس خویش قسم های فراخی در راه همبستگی زحمتکشان آسیا و آفریقا برداشته قبل از جلسه جاری کابل آخرین جلسات شورای خویش را از تاریخ ۲۰ الی ۲۶ مارچ ۱۹۸۱ در عدن مرکز جمهوری دموکراتیک خلق یمن دایر گردید که هیئت نما - یندگی جمهوری دموکراتیک افغانستان تحت ریاست دکتر س - اناهیته «راتب زاد» عضو بیرونی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس سازمان صلح و همبستگی جمهوری دموکراتیک افغانستان، در آن فعالانه شرکت جست و نه تنها توجه مشمولین کنفرانس را به وطن ما و انقلاب ما و اوضاع اطراف افغا - نستان جلب نمود بلکه تا پید و پشیمانی همه بجا نه و بی شایبه هیئت های نمایندگان کشور ها و سازمان های مختلف مشمول کنفرانس را نیز جلب نمود.

اینک ما، مردم ما میزبان دهمین کنفرانس هیئت اجرا نیه سازمان همبستگی خلق های آسیا و آفریقا میباشند مردم ما در حالی از مهمانان قهرمان و ستاره های درخشان آسمان نو پسندگی خلق های آسیا و آفریقا پذیرای می کنند که جنگ اعلام نا شده دشمنان

صلح و ترقی یعنی امپریالیزم و راس امپریالیزم امریکا، همونیزم عظمت طلب چین و ارتجاع لجام گسیخته منطقه علیه کشور و مردم ما جریان دارد و مردم ما قهرمانان در دستگیر دفاع از میهن و دست آورد های انقلاب نور به خصوص مرحله نوین و تکاملی آن میباشند.

اهمیت اجلاس دهم هیئت اجرایه سازمان همبستگی خلق های آسیا و آفریقا درین مرحله احساس تاریخی در کابل در پهلوی آنکه حیثیت فزاینده و موقف برابر زنده کشور ما را در صف کشور های صلح دوست و دموکراتیک فزونی می بخشد، نمایندگان مشمول کنفرانس به چشم سر حقا نیست انقلاب ملی و دموکراتیک مردم افغانستان را مشا هده می کنند بلکه علاوه بر آن این ستاره گان آسمان ادبیات خلق های آسیا و آفریقا با دیدن حقیقت انقلاب نور نه تنها به قلب بودن و دروغ بودن تبلیغات سوء و غلط دستگاه های تبلیغاتی امپریالیزم و ارتجاع اضافی تر پی می برند بلکه پس از بازگشت به کشور های شان منحیت وظیفه وجدانی حقایق سر سخت و روشن را در باره انقلاب نور و نبرد عادلانه مردم ما به مردم خویش و مردم سراسر جهان ابزاز خواهند کرد و یکبار دیگر جهانیان از لابلای گفتار واقعی این نمایندگان واقعی در صفوف فشرده تر مویده و حامی انقلاب ملی و دموکراتیک مردم ما خواهند شد.

به گفته ببرک کارمل منشوی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو - کراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک

افغانستان هنگام ملاقات با هیئت اجرایه سازمان همبستگی خلق های آسیا و آفریقا فرمودند که در عصر مانویسنده بیطرف وجود ندارد. شما نمایندگان خلق های آسیا و آفریقا و ستارگان ادب این دوقاره از موضع طبقاتی مدافع زحمتکشان هستید و هستند نو پسندگان اجیر که از منافع کثیف و آزمندانسه امپریالیزم و ارتجاع دفاع می نمایند لذا مردم ما در حالیکه از میزبان بودن این هیئت صلح و همبستگی با افتخار پذیرای می کنند. یقین کامل دارند که مسافرت این هیئت عالیقدر در پهلوی آنکه مویده دفاع کلیه بشریت صلح خواه و مترقی از داعیه برحق شان یعنی انقلاب نور و دست آورد های آنست، علایق مستحکم شان را با خلق های رزمجو و حق طلب و صلح جوی جهان مستحکم تر می سازد.

اینک حالا مردم ما از برکت پیروزی انقلاب نور و بخشش و صر مرحله نوین و تکاملی آن بیش از پیش توانسته اند همویت انقلابی و حماسه آفرین خویش را بسوی سراسر جهان تثبیت تر سازند. امروز در هیچ محفل سیاسی در هیچ نقطه جهان نخواهد بود که در آن راجع به انقلاب ملی و دمو - کراتیک مردم ما، میهن ما و قهرمانی های خلق سخن زده نشود.

مردم میهن ما با پیروزی در نبرد خونین علیه امپریالیزم و ارتجاع دست نشانده اش نشان خواهند داد که علی الرغم تلاش آنها هویت و شخصیت خویش را از دست نداده بلکه بیش از پیش آنرا تثبیت نموده اند.

ما ایمان کامل داریم که امپریالیزم و ارتجاع با وجود قدرت جبروتی خویش شکست پذیر است و این حقیقت در آینده نه چندان دور به جهان نیان یکبار دیگر ثابت خواهد شد. زنده باد همبستگی یکبار جو یا نه خلق های مبارز جهان.

گردهم آیی های اختصاصی ژوندون

مسایل: سیاسی، اجتماعی و خانوادگی و فرهنگ و هنر در بونه نقد و انتقاد

دشواریهای همگانی مردم در زمینه

مسایل ترافیکی و ترانسپورتی

طرح و تنظیم: رووف راصع
حکم: راحله راصع خرمی

دربین جدل:

- ۱- مسوول احمد علی احمدیار رئیس ترافیک.
 - ۲- مسوول عبدالصیر شیر معاون ریاست ترافیک.
 - ۳- مسوول عبدالرزاق مدیر ترافیک شهر کابل.
 - ۴- محرم علی معاون باروالی کابل.
 - ۵- مسوول عبدالباقی آمر پلان ریاست ترافیک.
 - ۶- غلام حضرت زیارکش مدیر پروگرام های ملی بس.
 - ۷- احمد غوث زلمی ژورنالیست.
- شرکت داشتند.

را حله راصع خرمی:

پرداخت هفتگی نامه خانوادگی و اجتماعی ژوندون به مسایل ترافیکی و دشواریهای ترانسپورت شهری و وقف باری دیگر از جدل ها و گردهم آیی های اختصاصی به بررسی و کاوشگری ریشه های این مشعل اجتماعی از آنجا ناشی می گردد که با همه تلاش پیگیری که از ارگانه های مسوول خدمات شهری و عامه در راه تنظیم شبکه ترانسپورت شهری بچشم می خورد، توزیع خدمات آن نه به نحوی است که مشکلات از میان بر داشته شود و نه به گونه ای که مردم از آن راضی باشند. شهر کابل به گفته دست اندر کاران امور آمار و احصائیه گنجایش نیم میلیون نفر جمعیت را دارد و در چند سال اخیر شرایط

خاص انقلابی موجب گردیده است که بیش از یک میلیون و دو صد هزار نفر در آن ساکن گردد که همین موضوع انگیزه بی شده است برای بوجود آمدن نابسامانی در توزیع خدمات عامه شهری و افزایش دشواری ها در زمینه های مسکن، ترانسپورت، آب و برق و دیگر از این مانند ...

مسایل و امور ترانسپورت شهری و آنچه مجموع به ترافیک شهر مربوط می گردد از آن جهت مورد توجه ماست که کمتر همشهری و هموطنی است که در زندگی روزانه خود آنرا به عنوان یک دشواری تلقی نکند و از کمبود بس های شهری و عدم پارکینگ ها و بی توجهی رانندگان در برابر مقرره های ترافیک گله مند نباشد و چون

به خواست گروهی فراوان از خوانندگان علاقه مند به مسایل اجتماعی خود یکبار دیگر پرابلم ها و دشواری های خانواده ها در زمینه امور ترافیکی و ترانسپورتی را به جدل می گذارد و آرزو دارد این گفت و شنودهای صمیمانه و انگیزه جویی های پیگیرانه گامی باشد که در جهت از میان برداشتن آوارانه دغدغه طرح های بهتر، عملی تر و موثرتر در توضیح بهتر خدمات شهری و تنظیم آن به گونه ای که حد اکثر استفاده از حد اقل امکانات در جهت خدمت گذاری به مردم بعمل آید.

با چنین خواست و آرزویی جدل امروز را به گشایش می گیریم.

رووف راصع:

با مقدمه کوتاه می پیرامون اهداف هفتگی نامه ژوندون از تدویر گردهم آیی های اختصاصی و راه اندازی جدل عایش در بررسی دشواری های همگانی سخن را به مسایل ترافیکی و ترانسپورتی مردم گشایده میگوید: - در شرایط کنونی و با توجه به ازدیاد روز افزون جمعیت شهری می توان گفت که تا مین خدمات شهری و در این شمار خدمات ترافیکی و ترانسپورتی در شمار ضرورت های اولی زندگی مردم در آمده است.

هفتگی نامه ژوندون به آن جهت مسایل ترافیکی و دشواریهای ترانسپورتی را برای دو مین دفعه به جدل می آورد که از سویی هیچ یک معضلاتی که در دور نخست سخن این

مجله با مسوولان امور به طرح آمد و رفت نگردیده و مشکل همچنان به شکل یک ناکشودنی و جود دارد و از سوی دیگر خانواده بی است که از کمبود بس های شهر از عدم پارکینگ های مناسب در نقاط مختلف شهر، از عدم رعایت مقرره های ترافیک به وسیله رانندگان و پیاده رو ها، از آلوده پیاده رو ها به وسیله فرو شدگان دور و واز ده ها مورد دیگر از این مانند شکایت نداشته باشد.

ما میگوئیم بدون رویه بینی و قشری گرایی و بدون آنکه شرایط و امکانات را حل دشواریها از نظر دور بداریم با عین بینی بر رسی و انگیزه یابی سبب های نابسامانی ها در زمینه مورد بحث برداریم و بگوئیم با شناخت علت ها و راستین شرایط اجتماعی کاوشگر شیوه باشیم که با تطبیق آن اگر مشکلات را یکجا حل نمی توانیم، حد اقل از پهنای آن بکاه و ساحت آنرا هر روز تنگتر گردانیم.

مسایلی را که در این دور سخن به عنوان دشواری های اساسی به طرح می آوریم می توان در این موارد فشرده ساخت: یک اینک:

قانون جدید ترافیک با مقرره های وابسته به آن به چه پیمانه ای با خصوصیت مسوول تیک جا معما سازی دارد و می تواند خود را جهت تطبیقی بیابد و با اجرای آن رفو و فراره ها دشواریها و نابسامانی های فعلی را چه حد

این تنها هفتگی نامه ی همه خانواده های کشور به پاسخ بخش نخست پرسش های شما اشاره های چند را ابراز میدارم :

ریاست ترافیک به عنوان ترافیک مرکزی کشور، به منظور تأمین امن و نظم جاده، جلوگیری از احتمالاتی که منجر به حوادث ترافیکی می گردد و برای از میان برداشتن دشواری ها و معضله هایی که شما اشاره کردید آن شدید مسوده قانون ترافیک را با مقرره های ضمیمه آن یعنی : جواز سیر و سایط نقلیه و جواز را ندگی، سیر و حرکت، را طرح و برای طی مراحل اداری آن به مقامات باصلاحیت سپرد که بعد از غور و مطالعه به تصویب آمد و مورد انفاذ قرار گرفت. در این قانون تلاش این بوده تا با در نظر-

گیری مصوبات کتوا نسیم منعقد زینوا هم حقوق ترافیک بین المللی رعایت گردد و هم بادرک درست و راستین شرایط و خصوصیت های تیک جا مع ما طرح مواد قانون به گونه یی باشد که جهت اجرایی و تطبیقی قوی داشته باشد. مادرموقع تدوین این طرح قانونی صرف به نظر مشاوران امور ترافیکی بسنده نکردیم، بلکه به منظور اینکه تمام دشواری های تأمین خدمات عامه در آن در نظر گرفته شود تماس هایی با ادارات وار گان هایی که با ترافیک

جاده ارتباط مستقیم دارند دعوت به عمل آوردیم و نظر خوا می کردیم که در این شمار می توان از شادروالی کابل، آبوبرق، پوهنتون کابل، مخابرات، وزارت تعلیم و تربیه ترانسپورت زمینی، گمرکات، مستوفیت، وزارت تجارت، شفاخانه نور و بر خسی موسسات دیگر نام گرفت.

نا تمام



نمایی از میزگرد ژوندون که پیرامون مسایل ترافیکی و ترانسپورتنی کشور دایر گردید.

می تواند تعیین گردد و مراقبت شود که موتور ها بیشتر از ظرفیت بار نداشته باشند، باید در فاصله های معین در شاهراه ها پست های مراقبت بسیار و مجهز به تلفون وجود داشته باشد و ترافیک شاهراه مجهز به آمبولانس های مورد نیاز گردد و خیلی باید های دیگر که تاکنون به عمل نیا مده است.

وبالآخره پنج اینکه :

امور ترانسپورتنی شهری چه وقت و باچه تدابیری به اصلاح می آید، ملی بس این یگانه موسسه ترانسپورتنی شهری کابل چه وقت و با چه شرایط و امکاناتی توانایی این را می باید که خطوط مواصلات شهری خود را به نظم آورد و اگر یگانه علت کمبود بس های شهری به گفت آید تارفع مشکل اساسی و خریداری تعدادی بس تازه که در مجموع با تعداد بس های کنونی بتواند جوابگوی نیاز های ترانسپورت شهری باشد چه راه حل های موقتی برای بهبود و اصلاح وضع کنونی وجود دارد ؟

اینها مسایلی است که یک یک و به صورت جداگانه به جدل می آید و اکنون از ریس ترافیک تقاضا داریم تو ضیح دهند که قانون جدید ترافیک چقدر می تواند در از میان برداشتن و یا کاهش بخشین به دشواری هایی که بر شهردیم موتور باشد ؟

ریس ترافیک :

با ابراز تشکر و سپاس از وزین نامه ژوندون

گرفته شده تا احساس مسوولیت بی التفاتی های آنان در برابر امور ترافیکی کاهش یابد یا نه ؟

به عنوان مثال اگر مسوولان امور شهر سازی و راه سازی بدون مشوره فنی مسوولان ترافیک، به گونه یی اقدام به احداث راه های تازه شهری کنند که در آن فقط حجم گنجایش ترافیکی زمان تطبیق پروژه در نظر گرفته شده باشد و نه از سال های بعد، در این صورت قانون جدید در این مورد خاص چه تجاوز واصل های جزایی را در نظر گرفته است ؟

چهار اینکه :

موجودیت ترافیک شاهراه یک نیاز مبرم و حیاتی در امور ترافیکی کشور است، شاهراه های ما باید مجهز به پارکینگ های مناسب در فاصله های معین باشند تا رانندگان در حاشیه سربك توقف نکنند و منجر به حوادث ترافیکی در شاهراه نگردند. در حالیکه تاکنون این ضرورت شاهراه ها بر آورده شده است.

همچنین باید سرعت موتور ها در شاهراه قابل کنترل و مراقبت باشد، باید در فاصله های بیشتر از پنجاه کیلو متر در هر موتور دو راننده ایفای وظیفه کنند تا با بروز احساس خستگی یک نفر راننده دو می بجای وی به هدایت موتور بر دازد، باید برای هر وسیله نقلیه مقدار وزن مجازی که برده

رایکی و ترانسپورتنی در چه حدی انتظار ده میشود و این انتظار چقدر با واقع بینی، های کار است ؟

دو دیگر اینکه :

در قانون جدید تاجه حدی خلا ها و کم است هایی که در قوانین و مقرره های شین وجود داشته است رفع گردیده ؟ به عنوان نشاندگی در همین بخش یادآوری کرد که قوانین پیشین ترافیک یک بعدی بوده و در مسایل جزایی تقریباً همیشه شامل رانندگان میشده است چنانکه ماکثر به یاد داریم برای پیاده رو که به سبب کم التفاتی های توجیبی عایش در سربك موتور و سبب حادثه های ترافیکی می گردید مورد مجازات قرار گیرد و یا در صورت مرگ و ی راننده به گناه ره به زندان نبرده باشد.

سه آنکه :

باتوجه به این نکته که مسایل ترافیکی در بخش تطبیقی و اجرا بی اش تنها به ارگان بهمن ترافیک تعلق نگرفته بلکه ادارات دیگر ازمانند آب و شادروالی، مخابرات، آب رسانی، اداره برق، نفت، نیز در آن سهم دارند و در صورتی که بعضی حلقه زنجیری ارتباطی میان این ادارات و با وجود نداشته باشد و هر یک از ارگان های بیت مسوول بخش های تأمین خدمات شهری سهم ی تواند خود را به انجام نیا و رند، اجرای کامل لغو و هر طره ها نا ممکن می گردد، آیا در قانون مسوولیت مکلفیت هایی برای این ارگان ها در نظر



انقلاب کبیرا کتو پرو جنگ داخلی

بلشویک ها انقلاب سو سیال

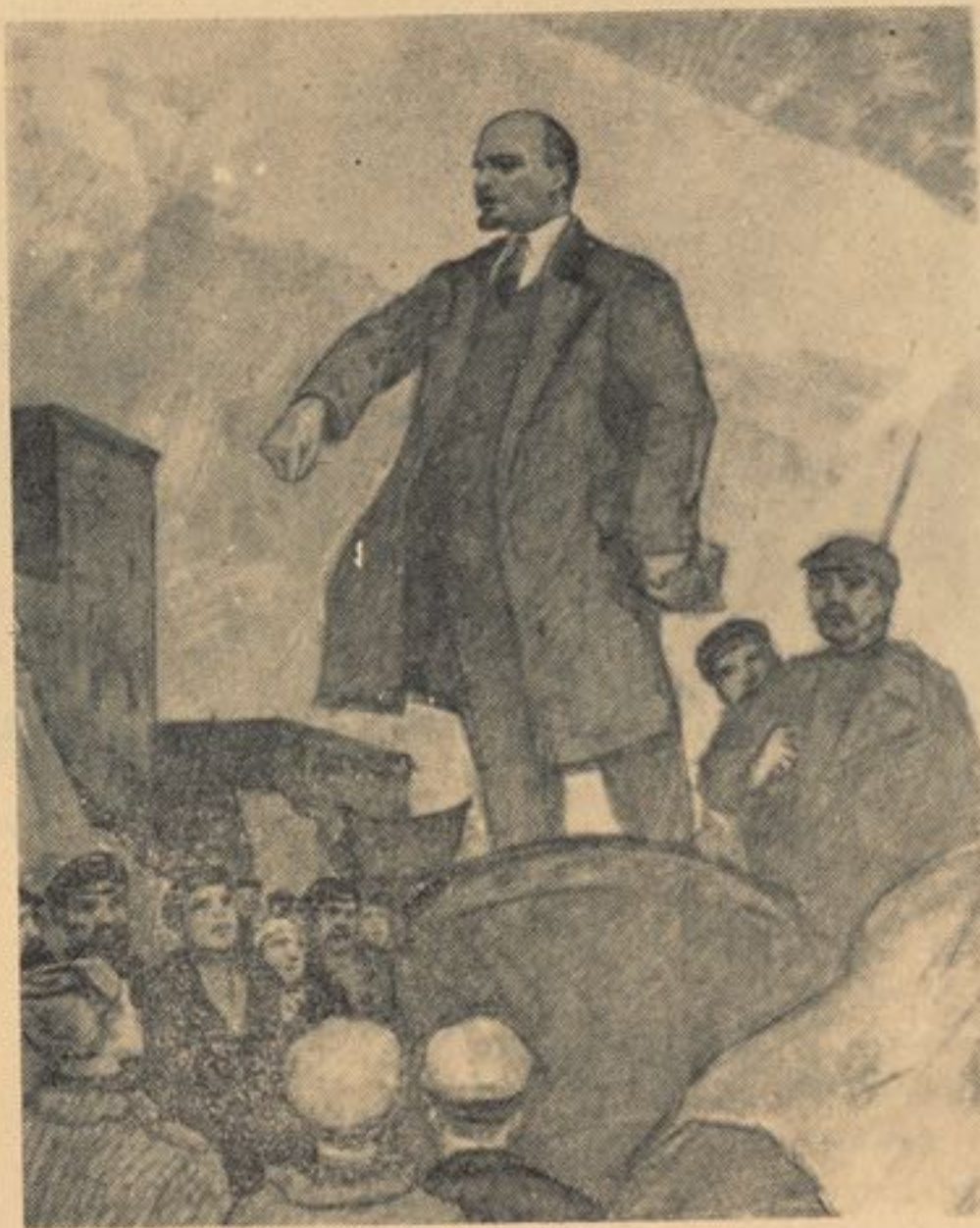
لستی را تدارک می بینند :

در شام سوم ابریل ۱۹۱۷ کارگران پترو گراد لنین را در خانه اش ملاقات کردند . او بعد از تبعید ده ساله در خارج به وطن برگشته بود . ستون های کارگران سیاهیان و دریانوردان در حالیکه سرود انقلاب را می خواندند مارش کتان در امتداد خیابان های پایتخت شهر به طرف استیشن راه آهن فنلند حرکت می کردند بیرق های سرخ سر بلند و با افتخار به سه اهتزاز در آورده می شدند با آنکه میدان پیش روی استیشن قبلا مسدود گردیده بود با وجود آنهم افواج مردم پشت سر هم می آمدند سپس دو موتر مسلح بداخل خیابان شدند و صدای بوق دوامدار ماشین ریل که به آهستگی به ایستگاه نزدیک می شد شنیده شد .

چند دقیقه بعد تر لنین داخل خیابان شد که با کشیدن هورا بدرقه گردید کارگران لنین را بر سر یکی از موتر های زرعی بالا کردند . لنین طی يك بیا نیمه مختصر خود شعار داد :

((زنده باد انقلاب سو سیالیستی!))

فقط یکماه از انقلاب فبروری گذشته بود . هنوز بسیاری مردم به حکومت موقت اعتماد داشتند و از او می بردند که این حکومت کاری را به نفع مردم انجام خواهد داد به مردم زمین توزیع خواهد کرد به فحطی و جنگ پایان خواهد داد در صورتیکه حکومت موقت از مذاق ملاکان و سرمایه داران حمایت می کرد ، هیچ کاری انجام نداد و اصلا نمی خواست برای مردم کار کند . جنگ تباه کن ادامه داشت و مردم از گر سنگی می مردند ملاکان هنوز زمین ها را و سرمایه داران فابریکات را در اختیار داشتند . هیچ تغییری به نفع هیچ يك از گروه های ملی و ملیت های ساکن روسیه وجود نیامد ، او کراینی ها ، روسیه سفید



لنین هنگام سخنرانی در شهر پترو گراد (۱۹۱۷)

حزب بلشویک کارگران ، سربازان و دهقانان را برای انجام و به پیروزی رساندن انقلاب سو سیالیستی دعوت می کرد . او همیشه در اجتماع بزرگ کارگران و سربازان صحبت می کرد . حزب بلشویک روز تا روز قوی تر می شد چنانچه شش ماه بعد اعضای آن ده چند گردید .

حکومت موقت متوجه گردید که لنین خطرناکترین دشمن او است بنا بر این مان صادر کرد که او را دستگیر نمایند و حتی دستور قتل وی را طور مخفی داده بود . اگر چه حزب بلشویک به خاطر نجات جان رهبریشان ترتیبات لازم را گرفت بانهم لنین مجبور شد بار دیگر مانند دوران تزار ها خود را

اوزبک ها و دیگر مردم هنوز مثل گذشته در تحت ظلم و ستم روس ها و اربابان روسی بودند فقط حکومت کارگران و دهقانان می توانست تمام نیازهای مردم را برآورده سازد مگر تاسیس چنین يك حکومت مستلزم يك انقلاب سو سیالیستی بود .

بلشویک ها به تبلیغات خود در بین طبقه کارگر و در میان سربازان ادامه می دادند . در روزنامه های شان از طریق اوراق تبلیغاتی به کارگران و سربازان توصیه می نمودند تا اتحادیه های خود را بسازند ، قدرت را بدست گیرند و زمین ها را از ملاکان بگیرند و جنگ را یکباره توقف دهند . لنین از طریق روزنامه های

و صلح می خواستند. دهقانان
شکشان ستمدیده ملیت های
روسیه یکجا با کارگران و
بان روسی، به خاطر بدست
آوردن آزادی شان قیام نمودند.
های انقلاب سو سیاستی
و نزدیکتر می شد.

پس از مرگ کزی حزب بلشویک
کرد تا لنین در اوایل ماه
مخفیانه به پترو گراد بر
چنین توسط ریل به وطن بر
چند روز بعد تر کمیته مرکزی
بلشویک لنین را ملاقات نموده
منظور شروع قیام مسلحانه
داد تا به پترو گراد برود.
وقت کارگران - دهقانان و
بازان آماده بودند تا در مبارزه
بر انداختن حکومت موقت و

انقلاب کبیر سو سیاستی اکتوبر
(که قبلا آغاز گردیده بود) می باشد.
درین هنگام دسته های گارد
سرخ، سر بازان و دریا نوردان
به طرف سمولنی مارش نمودند.

در میدان پیش روی موترها - موتر
سایکل ها و موترهای زرهمی و
اسب های زین زده ایستاده شدند.

قبلا هیچگاه سی چنین از -
دحام مردم بداخل اطالق ها و
گری دور های سمولنی بوجود نیامده
بوده است. در اینجا و آنجا صداهای
ها و شرنگس اسلحه بگوش می
رسد زنک قو مانده صریح نظا می
به صدا در آمد. در میان بلشویک
های سمولنی، در ژینسکی،
سورد لوف، استالین و بود و -

تیلگراف - مرکز تیلفون استیشن
های راه آهن و فابریکات برهبرای
آنها اهمیت حیاتی داشت تا آنها
بتوانند به آتو سیله اعمال قدرت
نمایند.

چونکه این نقاط اساسی در اختیار
کارگران و سر بازان انقلابی بود
حکومت موقت در قصر زمستانی
اش در انزوای کامل مانده و ارتباط
اش با سایر نقاط کشور قطع گردید
و قادر نبود که قطعات نظامی را به
کمک خود بخواند. حتی در پترو -
گراد هم این مجال را نداشت که
فرمانی صادر نماید زیرا دستگاه
تیلفون و تیلگراف در اختیار انقلاب -
بیون قرار داشت.

دسته های سر بازان - کارگران
و دریانوردان انقلابی در حالیکه

حکومت موقت را مصئون نگه دارد
مگر آنها به حیث آخرین امکانات
از آن استفاده می کردند. گروه
های سر بازان و دریانوردان قصر
زمستانی را از چهار طرف محاصره
کردند. و حوالی ساعت ده شب
بیست و پنج اکتوبر با شروع فیر
ماشیندار دسته های گارد سرخ
استحکامات پیش روی قصر را
شکستند و به محوطه قصر هجوم
بردند اگر چه بلافاصله دروازه
غولپیکر آهنی قصر بسته شد مگر
دوباره بزودی آنرا باز کرد و به
داخل قصر سرا زیر گریه دیدند.
افسران داخل قصر مقاومت می
کردند و از فراز پشته زینه ها و از عقب
پایه ها و ستون های سنگی قصر
فیر می نمودند دسته های قشون



درین تابلو یورش انقلابیون بر قصر زمستانی نشان داده است

قرار کار کمیته شورا هایدنیال
بویک ها حرکت نمایند.

انقلاب کبیر سو سیاستی

لنی، مرکز رهبری انقلاب:

سمولنی (دفاتر کمیته مرکزی
بلشویک) به حیث اداره
گری قیام تعیین گردید، و این
ست همان جایی بود که لنین
راه با یک بلشویک و فادارش در
۲۴ اکتوبر از مخفی گاه خود به
رفت آنها تا یک قسمت راه
را تروای آمدند و بقیه راه را
کوچه های تاریک عبور نمودند
درین «در کوچه ها» هرگز نمی
توانستند تصور کنند کسی را که با
واگن کوچک و کلاه ساده کارگری
به طرف شان می آید، رهبر

یسی حضور داشتند.

درین وقت لنین به سمولنی رسید و
لیدر شیب قیام را عهده دار گردیده
و آنرا تا سر حد پیروزی رهبری
کرد.

طبق پلان مرتبه نخستین کاری
را که لنین با رفقای همکارش انجام
داد عبارت از اشغال پل های بالای
دریای نیوا بود این پلها که به
آسانی از روی دریا برداشته شده
می توانست یگان و سیله ارتباطی
بود که بدانو سیله حکومت موقت
می توانست قسمت پایین شهر
پترو گراد را از قسمت محلات کار
گری خارج شهر قطع نماید مگر
انقلابیون کنترول عام و تام این
پل ها را تا شام ۲۴ اکتوبر بر بدست
گرفتند. همچنان اشغال اداره

سرود های انقلابی را زمزمه
می کردند بداخل شهر مارش
کردند و تا شام ۲۵ اکتوبر تمام
شهر در اختیار آنها قرار
گرفت فقط قصر زمستانی هنوز زرد
تصرف حکومت موقت باقی مانده
بود.

تصرف قصر زمستانی:

حکومت موقت استحقاقات
شانرا در قصر زمستانی بوجود
آورد. دهلیز های فراخ، اطاق
های گشاد و راهرو های آن توسط
دسته های افسران و گروه های
وفادار به بورژوازی حفاظت و مرا -
قت می شد همچنان آنها میدان
پیش روی قصر را توسط سندها
بسته بودند باوجودیکه این استحکامات
بسیار پیچیده بوده و نمی توانست

سرخ به پیش روی ادامه دادند تا
اینکه سرانجام داخل تعمیر شدند
جایی که در آن چند تن از ترس خود
را در گوشه ای گرفته بودند آنها
عبارت بودند از وزرای حکومت
موقت.

در حوالی ساعت دو بجه شب و
اوایل ساعات صبح حکومت موقت
بورژواها سقوط کرد و کارگران
و دهقانان قدرت را بدست خود
گرفتند. انقلاب سو سیاستی
به پیروزی رسید روز بیست و پنج
اکتوبر ۱۹۱۷ (مطابق تقویم جدید)
مصادف به هفت نوامبر (به منابه
روزی که در آن انقلاب کبیر اکتوبر
به پیروزی رسید ثبت تاریخ گردید.
بقیه در صفحه ۳۵

د څرگند وی لیکنه

د فلسطین له خلکو پیوستون نړیواله ورځ

دنړۍ ټول خلک د فلسطین داتلو خلکو له نه ستړی کیدو و نکو هلو ځلو او مېا رزو څخه پوره خبر دی او په دغه هکله تل له دوی سره خپل پيو ستون او ملا تر څرگندوی، دنړۍ متر قی ډلې او حکومتو نه د نوامبر ۲۹ نیټه چې د قوس له ۸ نیټې سره سمون خوری د ۱۹۷۷ کال څخه راپه دیخوا ددغو اتلسو خلکو د پيو ستون په ویاړ لمانځي له دغې ورځې څخه د نمانځلو ستر هدف د نړیوا لو متر قی ځواکو نو لایو مو ټی کیدل او دامیر- یالیزم په ضد دگوسنکر نیول دی تر څو چې د نړۍ مظلوم خلک دداره- مارانو له نا ولو منگو لو او شومو غرضونو څخه وژغورل شي .

د فلسطین قهرمان ملت چې د صهیو نیزم او نړۍ وال امپریا لیزم دناوړه او شو مو غرضو نو له مخې له خپلو رواحقو قو او پلر نی وطن څخه په زور ، ظلم سره بی- برخی اړایستل شوی دوی په پوره میرانه او بریا لیتوب سره خپلې د بریا- لیتوب په لور مبارزې ته په ویاړ لی تو که دوام ورکوی ، د دغو جنگیالیو اویاتورانو څخه نا څه یو نسل له خپل پلر نی کور (فلسطین) څخه بهر د دښمن سره د تودو جگړو په سنگرو نو کی زیږید لی او را لوی شوی دی .

امپریا لیستی صهیو نیستا نو د خپلو شومو غرضو نو د سر ته رسو لو له پاره د یو تیری کوونکی دولت د را منځ ته کو لو پلانونه جوړ او عملی کړل ، له همدغی خیانت نه په ډکی ورځی دغوداړ مارو ځواکو نو په ۱۹۱۷ کال کی د بالفور دمعا هدی له مخې د فلسطینیا نو په پلر نی مینه کی یو تیری کوو نکي دولت په دی تو که چې له اروپا یی هیواد و نو څخه یی د یهو دی صهیو نیستا نو ډلې را ټو لی کړی او د اسرا ئیلی گوډا گیا نو تش په نوم دولت یی جوړ کړ .

د فلسطینیا نو پلر نی وطن څه نا څه پنځه څلو یښت پیړی لر غو نی تاریخ لری چې په او سنی تاریخ کی د ستړی تر اژیدی ستونزی په څیر د سیمې له پاره ډیره کړکیچنه مسا له ده څکه چې امپریا لیستا نو په دغه لر غو نی سیمه کی دخپلو

گوډا گیا نو په وسیله د فلسطیني عربو څخه ناڅه دوه ملیو نه اوسیدونکی په کده کو لو اخته کړیدی .

فلسطیني مېا رزین د خپلو روا - حقو قو د تر لاسه کو لو له پاره دغه خاوره په خپلو وینو خړوبوی او نه پریردی چې خپله دغه لر غو نی مینه دامپریا لیستی صهیو نیستا نو غوړه گو له شی دوی په پوره ویاړ سره د خپل انسا نی کړا مت ، شېا مت ، پت او نا موس د سا تنو له پاره بی شمیره سر ښند نی کړیدی چی دنړۍ امپریالستانو او صهیونیستانو ته کلک غاښ ما توونکی گوزا ر گڼل کیږی .

اسرا ئیلی گو ډا کی دولت د رامنځ ته کیدو له امله په ۱۹۴۸ کال کی ددغو اجیرا نو او فلسطیني مبارزینو تر منځ خو نړۍ جگړه پېښه شوه ، ور پسی په دغه لړ کی د ۱۹۶۷ کال خو نړۍ یو پېښو له امله د اشغال شویو سیمو څخه دنیمای فلسطیني او سیدو نکو دکډه کولو تراژیدی را منځ ته شوه خو په ځواکی د فلسطیني مبارزینو وینی د خپلو حقو قو په تر لاسه کو لو کی لاپه جوش را غلی او خپلې نه ستړی کیدو نکي هلی ځلی یی د پوره بریا- لیتوب په لور لاپسی زیا تی کړی او ددوی د مبارزو طوفان ورځ په ورځ په بیاوړی تو گه پر مخ روان شو چې اوس د نړۍ ټول سو له خو ښه- ونکی او سو کا لی غو ښتو نکي ځواکو نه د دوی ملاتړ او مر ستی ته ور دا نکي .

د ۱۹۶۷ کال جگړه دامپریا لیستی ځواکونو د پلانونو د عملی کو لو پل گام ډبه دی جگړه کی اسرا ئیلی گوډا گیا نو د یو رشلم په غصبولو سر بیره د عربی هیوادونو یوه برخه هم ونیوله دغه پرا ختیاغو ښتو نکي جگړی د ۱۹۰۵ کال د صهیو نیستانو اوومی کنکری پلانو نه او پر یکړی پر مخ بیا یی .

د فلسطین خلک د دغو لو ټمارو په ټو لو سړی وژو نکو او خا وری نیوونکو عملو نو ښه پو هید لی او دهغو ی مبارزه په هر ډول چې وی دجگړه غو ښتو نکو داره مارو په مقا بل کی دکډوالو او نورو فلسطیني مبارزینو درواحقو قو او د خپلې خپلواکی

او پلر نی وطن او مینې د تر څو کو لو له پاره تل روا نه ده .

دا څرگنده ده چې د فلسطین خلکو روا دا عیه په نړۍ کی دخپلو غوښتو نکو غورځنگونو لپاره د حیثیت لری او د نړۍ دخلکو دخل دتامینو لو له پاره د مبارزې د ستون او یووا لی کړی ده نو له همدغه امله د ټولې نړۍ سوله غوښتونکو غورځنگو نه ، ځواکو نه او خبرتو نه د دغې ستړی ستونزی حل کولو له پاره خپل پيو ستون څرگند وی .

که چیری وویل شي چې په سیمه کی پر ته له فلسطین څخه سو له منځ ته نه را ځی سیمه به څکه چې دسو لی بنسټو نه ایجا چې د فلسطین د خلکو حقو ق خپلواک دولت دی تضمین او ج شي . فلسطیني مبارزین په دغه وایی :

پریردی امپریا لیزم هر څه کوی هغه وکړی خو موږ په خپله اراده دیوالی له سنگر څخه د انقلاب له پاره را پورته شوی یو ای د فلسطین خلکو ! تا سی فلسطین د انقلاب بنسټ یا ستی ای د فلسطین خلکو ! تا فلسطین د انقلاب سرلیک او غږ یاست .

ستا سی ملگری تر اوسه له سنگره دامپریا لیزم او صهیو نی په ضد جنگیږی ، موږ به د پاکي خاوری خپلوا کی حتما تر لاسی کوو او په مبارزه کی د بریا لیتوب په لور مخ په وړاندی روان یو .

د افغانستان دمو کراتیک جمهوریت دولت د افغانستان د خلکو د کراتیک گو ډند تر بسمی او سالار لارښوونی لاندی د افغانستان آزادو او خپلوا کو خلکو په نماینده تل د نړۍ په هر گوټ کی له متر ځواکو نو او دهغو ی له مبارزو هراړخیز ملاتړ کړی او کوی څرگنده ده چې افغانستان زړه خلک د خپلو فلسطیني ورونو او رښتیني غورځنگ سره پوره لری او تل له دوی سره خپل ماتیدو نکي ملاتړ او پيو ستون څرگند وی .

درخشش ادب در عصر ظهور

دور دست بر اثر کشور کشایی ها و لشکر کشی های غزنویان و سلجوقیان دامنه و توسعه پذیرفت که در اثر آن شعر و ادب از دربار بیرون آمد و در بین عامه مردم راه باز نمود و مراکز ادبی جدید جهت تربیت شعرا در بین توده ها و مراکز بود و با شمس مردم در شهر های چون آذر بایجان و عراق اساس گذاشته شد این تغییر و دگر گونی ها در پذیرش وجوه شاعران و ادیبان رنگ خاصی به ادب در بخشیده گشتا پیش راه شعر و شاعری در بین جهت ها باعث شد که عده زیادی از لغات، اصطلاحات، جملات و کلمات غیر دری و ترکیبها و تغییرات تازه در زبان شعر و ادب وارد زبان دری بسا دستیابی شاعران به زبان و اندوخته تازی و ورود لغات و کلمات ترکی این ها همه مضامین تازه و افکار نو و کلمات بیشتری را برای بیان مطلب و شرح وقایع و حالات به شاعران عصر بار آورد که در نتیجه زبان و شعر دری در یکن دوره وارد مرحله نوینی گردید عوامل جدید آهسته آهسته اثر خود را در شعر و ادب وارد ساخت و سبک سخن وری در آستانه تحول قرار گرفت سبک معمول و شیوه سخن سرایی عصر غزنویان عوض شد اگر چه به خاطر حفظ و نگهداری سبک قدیم کوشش هایی شده اما درین جا شعر و ادب در آستانه یک مرحله تغییر پذیر و تحول قرار داشت و با گذشت نیمه اول قرن ششم این تحول کاملاً محسوس گردید. رسالت مندی این تحول و دیگر گونی با گویندگی انوری نقش بزرگ را برعهده وی میگذرد که بعد

قرن ششم عصر یست که در آن شعر بلند آوازه و سخن سرایی ظهور ظهیر فارابی با توانایی یچه تابناکش در دنیا پی شعر ب، زندگی داشت . روزگار بوقلمون این عصر در ای سروده های ظهیر منعکس دیده واور گان نیز اجتماع ، یاسی و اخلاقی جامعه آنروز در نماید ، تغزلات و رباعیات شاعران ششم چهره میکشاید و فروده های شعر و ادبی این عصر به روزگار یست که ما آنرا م عصر سلجوقیان مینمایم و عصر بادگر گونی هایی که دارد قرن اول ادبی نیز نامیده میشود . و برای شناخت افکار و اندیشه های شاعر خود را به شناخت اوضاع اجتماعی و چگونگی وضع شعر و ادب درین قرن ناگزیر می یابیم ، یست گفت عصر ظهور یکی از بار متبارز ادب دری است این دوره در تاریخ ادبیات شامل زمانی دگر که از اواسط قرن پنجم تا اواخر اوایل قرن ششم میشود . قرن ششم از حیث می و توجه به شعر و ادب از قرون ششم برتری حاصل میکند و ورود سلاطین سلاجقه بار دیگر بزم شعر ارا گرم و با زینت ساخت تحول در شعر و ادب و درخشش و وضع شعر و شاعری حصول عوامل چون کوشش شعرا و نویسندگان در خراسان ورا نهر و سیستان برای فراهم آوردن زمینه های وسیع مقدمات علمی و معنوی و هم تشویق شعرا به امیران و دودمان مستعد بود همگام با عواملی چون ترویج بان دری در سرزمین ها و مناطق

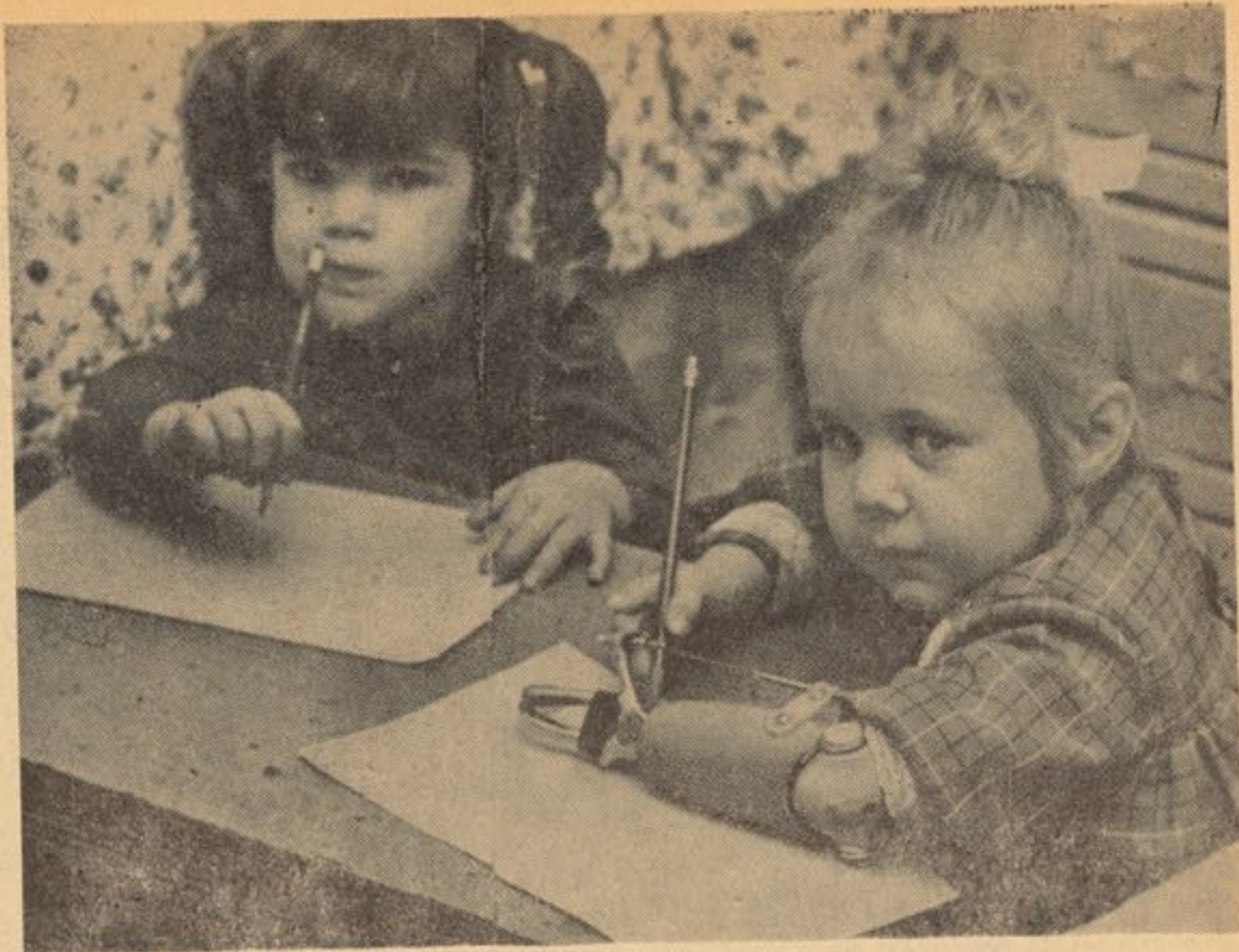
ادبی عراق تربیت و پرورش یافتند در تجدید سبک و تغییر شیوه جدید شعر نقش های موثری را بازی کردند و ایشان بیشتر کسانی بودند که در اثر ناآرامی و ناامنی خراسان دیار خویش را ترک گفته بودند . اما درین میان آخرین شخص که توانست شعر را تحت تأثیر اندیشه های ادبی و معنوی خود قرار دهد ظهیر فارابی است .

درین دوره شاعران از حمایت و معاشرت سلاطین برخوردار بوده در شمار طبقات محترم جامعه به حساب می آمدند و به اصطلاح از زندگی خوب و نان وافر برخوردار بودند شعرا که سرمایه معنوی شاهان روز به حساب می آمدند کار اصلی شان مدح و تبلیغ بود هر چند مدح غرا و مبالغه آمیز مینمود مورد لطف و مرغوب خاطر مدوح قرار میگرفت .

استفاده جوی های فرمان روایان از کار شعر و شاعری زمینه را آماده پیکار های شاعرانه ساخته بود چنانچه کشاکش های قزمل ارسلان جهان پهلوان و تابک ابو بکر نمونه ایست ازین پیکار های شاعرانه در قرن ششم چنانچه مدح و تبلیغ رسا و پر مبالغه شاعری را قرن بخشش و الطاف مدوح قرار میداد کار شاعری خود درین عصر التزام سرمایه سنگینی را مینمود و شاعر یکه در کسب دانش و تحصیل فنون زبان مشقات عظیم را بر خود هموار نمیساخت نا ممکن بود به جایی برسد . اندیشه موقف یابی و رسالت مندی اگر شاعران این دوره را مر دان فاضل و زبان دان و آگاه و اندیشمند از

بقیه در صفحه ۵۴

ها تعداد زیادی از شاعران زمان را به تقلید از شیوه خود وا داشته است . سادگی کلام و استخدا م معانی و مضامین دقیق انوری با آغاز وادامه پیرا وانش و افراط بیش از حد وضع را به جایی کشید که شعر بدون شرح و تفسیر نامفهوم گردید بر عکس عده دیگری افکار باریک ، اصطلاحات و مطالب علمی را وارد دنیا ی شعر و ادب ساختند که سرانجام دشواری و ناهمواری شعر دری را موجب گشت تغییرات و تحولاتی که دامنگیر انواع شعر گردید تشبیهات تازه مصراع و ادبیات عربی را وارد اشعار دری ساخت چه درین عصر شاعران ونویسندگان دسترسی به زبان تازی را مایه کمال و معیار دانش خود میدانستند و از آن در اندیشه بودند که اگر زبان دری را در ادب دوباره زنده سازند شاید آثارشان در خور ارزش نباشد و بتأسی ازین گونه طرز تلقی و اندیشه ها از مایه های ادبی زبان خود کمتر استفاده و در عوض به تتبعات و تحقیقات در زبان عربی پرداختند خصوصیات و برانندگی های دیگر این عصر همانا اوج گیری غزل و غزل سرایی است البته با راه یابی مضامین دقیق و لطیف ، غزل از حالت سادگی اولی برآمد تا آنجا که در قرن هفتم باو چزیبایی و بلوغ رسید . اما رباعی بازار دیگری داشت چه در اواسط قرن پنجم مضامین فلسفی و عرفانی در قالب رباعی سروده شد . شاعران گاهی موضوعات سیاسی ، عشقی و انتقادی و گاهی هم مدح رادرین قالب بیان میکردند . شاعرانی که درین دوره در حوزه



امروز بكمك و سايل تخنيكي مي توان اطفال معيوب را در رديف اعضاي فعال جامعه بشري قرار دارد

آيا معيوبيت هاي دوره طفوليت

قابل تداوي است؟

...

احياي مجدد بين المللي مختلط از يك عده موسسات ارباب طسي وقايع واحياي مجدد معيوب بين در سرتا سر جهان ميباشند و يك پروگرام كمك تخنيكي را بي ريزي نموده اند تا يونيسف را در تطبيق ستراتيژي جديد استعانت به اطفال معيوب كمك نمايند.

اهداف عمده اين ستراتيژي براي وقايع وارجاع معيوب بيت هاي دوره طفوليت ذيلاً توضيح مي گردد:

- توسعه و تقويه پروگرامهاي صحي - تغذي - تربوي و رفاه اجتماعي اطفال و فاميلهاي شان تا آنها بتوانند از اخلاص ناتواني مولده جلوگیری نموده معيوب بيتها

احياي مجدد بين المللي مختلط از يك عده موسسات ارباب طسي وقايع واحياي مجدد معيوب بين در سرتا سر جهان ميباشند و يك پروگرام كمك تخنيكي را بي ريزي نموده اند تا يونيسف را در تطبيق ستراتيژي جديد استعانت به اطفال معيوب كمك نمايند.

اهداف عمده اين ستراتيژي براي وقايع وارجاع معيوب بيت هاي دوره طفوليت ذيلاً توضيح مي گردد:

- توسعه و تقويه پروگرامهاي صحي - تغذي - تربوي و رفاه اجتماعي اطفال و فاميلهاي شان تا آنها بتوانند از اخلاص ناتواني مولده جلوگیری نموده معيوب بيتها

که در ساحه پروگرامهاي مل وقايع معيوب بيتها ي دوره طفول واحياي مجدد اطفال معيوب همکار بتوانند.

تهيه خطوط رهنما يسي کس پروگرامهاي اعضاي توجيهي يونيسف از آن استفاده بتوانند و همچنان آمريين مسئول ملي در فعال ساختن ستراتيژي هاي جاري دهد.

احياي مجدد بين المللي در ان سيمينار هاي گروه پهاي محدود اکناف مختلف جهان به شمول نمايندگان حکومت - مشاور و پرسونل يونيسف همکاري نمايد.

- تهيه مواد معلوما تي در سا اساسي ستراتيژي از قبيل اشکال اسباب ووقايع ناتواني هاي تشخيص معيوب بيت ها و وسايل جلوگيري از اين حوادث در بي اجتماع وفا ميلها و تهيه مواد تربوي براي کارگران ملي.

مطالعه واقعات و بررس پروگرامهاي معمول در ممالتي دو مختلف که بتواند در اجراي ستراتيژي مجوزه مفيد ثابت گردد. طرز پروگرام مختلط معاونت تخنيکي

يونسف واحياي مجدد بين المللي از طريق موسسات غير دولتي در اورگانهاي ملل متحد توسط متخصصين متبحر در فعاليتهاي متذکره همکاري ميکنند. ايسا



اشخاص معيوب هم استعداد دارند بايد استعداد شانرا رشد داد و جهت مطلوب از آن استفاده کرد

اطفال یا معیوب به دنیا می آیند و یا معیوبیت را کسب میکند. این اطفال کور، کر و دیوانه اند و یا اینکه فعالیت فیزیکی محدود دارند. اکثر این اطفال مانند اکثر کاهلان معیوب به احیای مجدد، تداوی و تعلیم و تربیه ای که توانایی شان را به حد اعظمی ترمیم نماید دسترس ندارند. این حقیقت در مورد یکصد و بیست میلیون اطفال معیوب که امروز در ممالک روبه انکشاف زندگی میکنند صدق میکند.

تا سال دو هزار عیسوی یا اخیر قرن بیست تعداد اشخاص معیوب اقل به ششصد میلیون در جهان ارتقاء خواهد نمود یک ثلث نفوس جهان کمتر از پانزده سال دارند که باین حساب یکصد و پنجاه میلیون طفل معیوب در ممالک روبه انکشاف عرض اندام خواهد نمود. اگر حکومت با همکاری مردم موقف موجود را تعدیل نکنند بیم آن میرود که این ها از کمک و دسترسی بدور مانند.

احیای مجدد بین المللی متشکل از یکصد و پانزده موسسه و در شصت و چهار مملکت نمایندگی دارد.

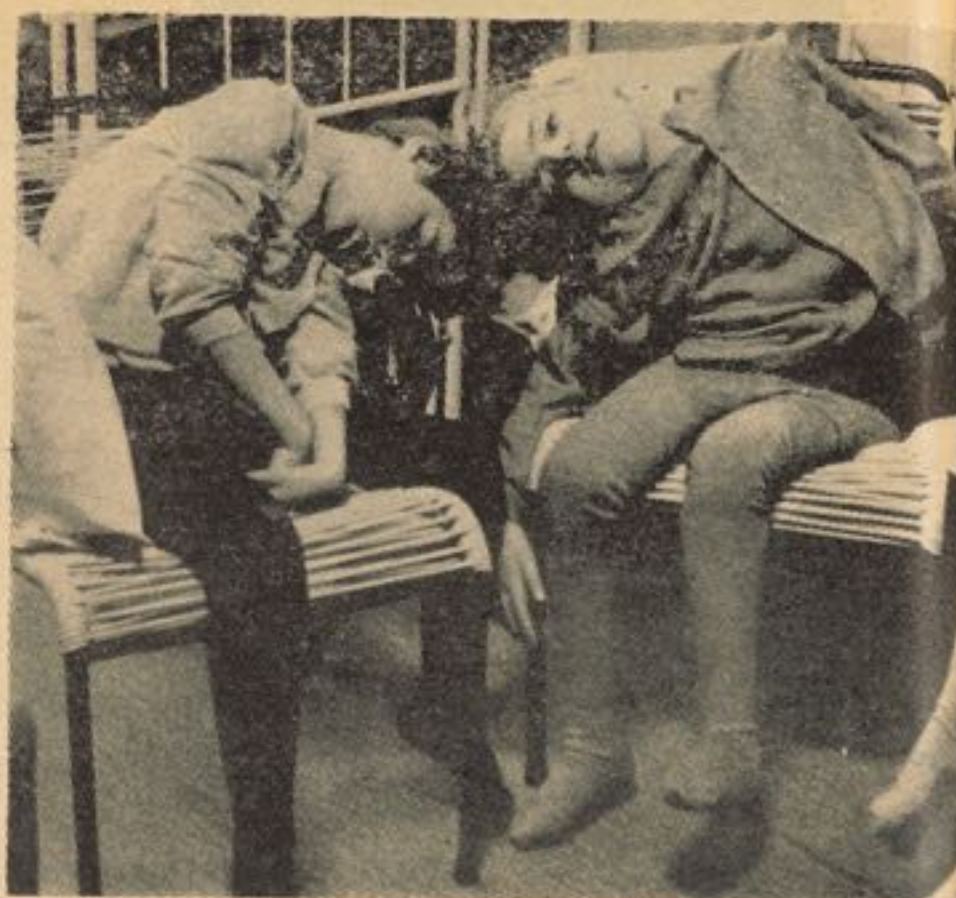
اهداف احیای مجدد بین المللی همکاری به تاسیس موسسات و طرح پروگرامهای در جهت وقایه و احیای مجدد معیوب بین میا شد تا بقیه در صفحه ۵۵

تغذی، تعلیمات اساسی، رهنمای خانواده و امور خیریه اجتماعی تضمین نموده و یک رول حیاتی را در امر وقایه و ارجاع معیوبیتها بازی میکنند.

۷ - عموما اسباب اصلی معیوبیتها، طرز جلوگیری و امکان احیای مجدد و پاییین بودن سطح دانش و جهالت تشکیل میدهد و همین فامیلها و جوامع اند که اطفال معیوب بار می آرند.

واقعیتهای معیوبیت دوران طفولیت

امروز بیشتر از ۵۰۰ میلیون نفوس جهان در فعالیتهای عادی روزانه سهم کافی گرفته نمیتوانند. که اقل یک ربع شانرا اطفال تشکیل میدهد. این اشخاص مصاب تشوشت فیزیکی، دماغی و حسی اند که یا ناقص الاغضا بوده و یا اینکه یک قسمت بدن خود را از دست داده اند. اینها یا فلج اند و یا اینکه قدرت محدود شنوایی، بینایی و دماغی دارند. یک عده شان هم تشوشت احساسی دارند. این گروه میتوانند که به طرف معیوبیت سوق یابند یعنی ممکن است به اختلال حرکتی، خوراکی، بینایی تکلم، شنوایی و آموزش مبتلا شوند. این محدودیتها ست که مانع کارشان در فامیل و اجتماع میشوند. به این دسته اشخاص کلمه معیوب اطلاق میشود. یک دهم



معیوب بین مانند اشخاص عادی دارای عین ضروریات و احتیاجات باید به آنها احترام گذاشت و آنها را کمک کرد

به میان آمدن طرز العمل جدید گردیده است:

۱ - معیوبیتها و خیم میلیون ها طفل قابل جلوگیری است.

۲ - کمکهای اساسی به اطفال مصاب تشوشت فیزیکی، دماغی و حسی و انگیزه های که برای انکشاف و نمو ی طفل ضروری نداشته میشود اکثر اغماض گردیده است.

۳ - عدم توجه به پروسه های معمولی که برای انکشاف و نمو طفل اهمیت به خصوص دارد سبب معیوبیتها ی قابل ذکر با مقایسه توجه به تداوی تشوشت و طیفوی طفل شده است.

۴ - اسباب عمده تولید تشوشت و معیوبیتها ی طفل را تغذی ناکافی، اشکال ولادت، امراض قابل وقایه انتانات و تصادفات تشکیل میدهد که این عوامل بیشتر مردم کم بضاعت و آنها یی را که به عرضه خدمات بشر خواهانه کمتر دسترس دارند معلول میسازد.

۵ - ولادت یک طفل معلول و یا تولید معیوبیتها، یک بار اضافی رابدوش فامیل ها میگذارد که این حوادث توان مالی فامیلها را بیشتر و ازگون نموده سبب تضعیف مزید بی بضاعتی در یک حلقه بسته میگردد.

۶ - تنها تعمیل پروگرامهای مجوز است که بهبود حیات طفل و فامیل را در جهت تامین صحت،

یکی مرکزی مهم برای کلیه مراجع در امر وقایه - ارجاع معیوبیت دوران طفولی سرو کار دارند و ستر شده میشود.

طرز العمل یونسف معیوبیتها ی دوران طفولیت

یونسف یک پروگرام وسیع در جهت وقایه و احیای مجدد معیوبیتها ی دوران طفولیت پیاده نموده است. این پروگرام از نتیجه ایست مطالعه که توسط احیای مجدد بین المللی که یک موسسه غیردولتی است و در مورد حل مشکل اشخاص معیوب تخصص و تجربه دارد و ازین طریق به یونسف معاونت میکنند میان آمده است.

فعالیتها ی یونسف در مورد احتیاجات اطفال معیوب و فامیل های شان توجه بخصوصی مبذول دارد، و از طریق طرح ستراتیژی های فعال وقایوی - معیوبیتها ی دوران طفولیت و تنقیص اثرات مآثرات که به تصویب مجمع اجرائیوی یونسف رسیده میتوان به آن عده مالکی که در طرح پروگرامها و تداوی معیوبیتها ی دوران طفولیت سازمند کمک باشند رهنمایی های قابل ملاحظه نماید. به اینصورت امکان دارد تازه همکاری یونسف و سایر موسسات مربوط را بداخل پروگرامت کمک های صحی وسایر خدمات اجتماعی ممالک رو به انکشاف میسر میسازد.

بی برد به واقعیات ذیل سبب



اشخاص معیوب هم می توانند به نوبه خود در امور اجتماعی سهم گیرند

موج دیگری از همبستگی با انقلاب و مردم افغانستان



معین توفیق بوسیو شاعر و نویسنده انقلابی فلسطین

در سال ۱۹۶۹ اساس گذاشته شد که به آثار بر جسته ادبیات آ سیا و افریقا و فعالیت های بزرگ اجتماعی داده می شود . قرار است انجمن نویسندگان آ سیا و افریقا بیستمین سالگرد تاسیس خود را در سال ۱۹۸۳ تجلیل نماید .

با تقدیم مقدمه مختصر اکنون شما را در جریان گفت و شنودی که با چند تن از اعضای اشتراک کنندگان چهارمین جلسه نو بیتی عیات اجرائیه انجمن نو یسندگان آ سیا و افریقا صورت پذیرفته است قرار می دهیم : معین توفیق بوسیو شاعر، نویسنده و چهره مردمی فلسطین مستشار فرهنگی یا سرعزات عضو عیات رئیسه اتحادیه ژورنالیست ها و نویسندگان فلسطین و معاون سر محرر مجله لوتس یکی از اشتراک کنندگان چهارمین جلسه نو بیتی عیات اجرائیه انجمن نویسندگان آ سیا و افریقا می باشد که با اهتمام فر صت بیای صحبت او می نشینیم و در آغازین گفت و شنود مو صوف ضمن معرفی خود در مورد فعالیت های ادبی خویش چنین روشنی می اندازد :

من در سال ۱۹۲۸ چشم بجهان گشودم و از دیرزمانی بدین سو فعالیت های ادبی و فرهنگی را به پیش می برم ، اشعار من به چهل لسان از لسان های مروج اتحاد جما هیر شو روی ترجمه شده است و سه میلیون نسخه آن در اتحاد شوروی بفروش رسیده است، همچنان اشعار من بزبان های آلمانی ، انگلیسی ، ترکی ، ایتالوی ، ایرانی و غیره ترجمه شده است . بهمین قسم من در دوران فعالیت ادبی خویش چهار بیتی های را نیز به رشته تحریر در آورده ام و این چهار بیتی عارا به مناسبت انقلاب « زنج » که در قرن چهارم هجری اسلامی در بصره بو قوع پیوسته است به رشته تحریر در آورده ام و فعلا مصروف نوشتن کتابی در باره کشور دوست اتحاد شوروی هستم که قرار است در سال ۱۹۸۳ به انجام برسد .

من در سال ۱۹۸۱ همراه سلیمان لایق در شهر دوشنبه به دریافت جایزه میرزا تورسون

خوانندگان محترم ما اطلاع دارند که چهارمین جلسه نو بیتی عیات انجمن اجرائیه انجمن نویسندگان آ سیا و افریقا اخیرا باشکوهی خاصی در شهر زیبای کابل این گهواره پر افتخار انقلاب نجات بخش نور دایر گردید . در ارتباط بدین رو یداد با عظمت که برای او لین بار در کشور محبوب ما بو قوع می پیوندد راپور تر مجله باچندن از اشتراک کنندگان این جلسه باشکوه گفت و شنودهایی بعمل آورده است که بعد از شرح مختصری پیرامون انجمن نو یسندگان آ سیا و افریقا شما را بخواندن آن دعوت می نمایم .

انجمن نویسندگان آ سیا و افریقا سازمان جهانی نویسندگان است و بر پایه عضویت جمعی و انفرادی نویسندگانی که با آثار و فعالیت های ادبی خود تلاش می و رزند فرهنگ و ادبیات ملی خلقها را تحکیم بخشند، همبستگی نو یسندگان و همه نیرو های مترقی را مستحکمتر سازند، با آثار خود پیروزی تمام دست آورد های جنبش آزادی بخش خلقها را گسترش دهند و یساری رسانند بمیان آمده است .

این انجمن از همان آ وان تاسیس خویش تاکنون از بزرگترین سازمان های حامی صلح و تشنج زدائی بوده بر نامه متحرکی ضد استعماری و ضد امپریالیستی را در کار خود تعقیب نموده است .

این انجمن در جریان کار و فعالیت خود از مبارزات عادلانه مردم فلسطین ، از مبارزات قهر مانانه مردم و یتام و از مبارزات برحق مرد افغانستان در برابر ارتجاع، همونیزم و امپریالیزم عملا دفاع بعمل آورده است .

انجمن نویسندگان آ سیا و افریقا تاکنون شش کنفرانس دایر نموده است و نخستین کنفرانس مو سس آن در ماه اکتور سال ۱۹۵۸ در تاشکند بر گزار گردیده است .

از سال ۱۹۶۸ به بعد انجمن هفته نامه «لوتس» را منتشر می سازد ، جایزه ادبی انجمن نویسنده گان آ سیا و افریقا «لوتس»

زاده موفق گردیدم .

وی در برابر سوال دیگری در مورد نقش سیاسی و اجتماعی انجمن نو یسندگان آ سیا و افریقا در تحکیم امنیت و صلح و سعادت مردمان گیتی چنین گفت :

انجمن نو یسندگان آ سیا و افریقا یکی از اتحادیه هایی است که همواره جهت ایجاد وحدت و همبستگی میان نو یسندگان و خلق آ سیا و افریقا کار ارزنده و پر ثمر خویش را به جلو می برد و بر ضد امپریالیزم جهانی، ارتجاع ، صهیونیزم و دیگر قدرت های عقب گرا که می خواهند ثقافت و فرهنگ ملل جهان را از بین ببرند مبارزه می نماید . وی در مورد سفر خویش به کشور ما افغانستان انقلابی چنین گفت : این آ و لین باری است که من به افغانستان می آیم و ما بدین جهت به افغانستان سفر نمودیم که شعرا و نویسندگان همزم خود را در این جا ملاقات نمایم و باهم معرفت حاصل نمایم . ما اکنون بالای ادب افغانستان مصروف کار می باشیم و در راه کسب شهرت آن از هیچگونه سعی و کوشش دریغ نمی ورزیم . مجله «لوتس» ارگان نشراتی انجمن نویسندگان آ سیا و افریقا می خواهد به انتشاره خود را در باره شعر و ادب افغانستان انقلابی اختصاص بد هد و به نشر برساند .

مادرین مورد نیز با دوکتور اسدالله حبیب رئیس اتحادیه نویسندگان افغانستان صحبت نمودیم و به توافق رسیدیم .

معین توفیق بوسیو در مورد نقش نویسندگان و شعرا در امر بیداری توده ها چنین ابراز نظر نمود : زمانیکه در میان مبارزین و انقلابیون فلسطین که در جریان مقابله با صهیونیست حامی باشند برویم مشاهده خواهیم نمود که همه مبارزین فلسطین شعرا و نویسندگان

فلسطین را دوست می دارند بدین جهت ایشان بغاظر ایجاد و تحکیم صلح با می نمایند اکنون شعرا و نویسندگان فلسطین باخون خود برای مردم فلسطین می نویسد و تعداد زیادی از آن ها در این راه جد شهادت به لب کشیدند . بادر نظر داتکات فوق واضح می گردد که شعرا و نویسندگان در امر بیداری توده ها نقش بزرگ و بوش دارند .

موصوف در مورد این سوال که در در اقامت خود در کابل بدر یافت چه حقا راجع به انقلاب و مردم افغانستان موفق آ یا حقیقت اوضاع کنونی جامعه با پرو گند هایی که رادیو های دروغ بر امپریالیستی در این مورد براه انداخته چه تفاوتی دارد ؟ چنین گفت :

در ارتباط به سوال شما باید تذکر بدو که این اولین باری است که من به شهر آمد و در دوران اقامت خود در این شهر او ضاع آن رابطور نار ملی در یافت ، بکار و بار روزمره خود بطور عادی ادامه دهنده و مصو نیت کامل در شهر وجود می توایم و هیچگونه عدم مصو نیتی احساس نمی است وی گفت : ما مردم افغانستان را در حاکمیت داریم و با احساس امنیت در کابل به خرسند گردیدیم و دانستیم که رادیو دروغ پراکنی غربی حقایق مربوط به مردم و انقلاب افغانستان را به شکل وارونه آ مرجه انعکاس می دهند و بر ضد مردم افغانستان پروپاگند براه می اندازند .

او گفت : ما مردم فلسطین با شما هم پیروزی های هر چه مزید را برای مردم انقلاب شما خوا هانیم و پیروزی انقلاب افغانستان در حقیقت امر پیروزی فلسطین است و انقلاب کشور ما با انقلاب کشور شما از اول یکی بود .



اتوهوای نویسنده انقلابی جمهوری سوسیالیستی ویتنام



مامادوتراوری دیوپ نویسنده مشهور کشور سنگال

وی افزود: من وقتی که بکابل می آمدم
از طرف یاسر عرفات رئیس سازمان آزادی
بخش فلسطین بیا می را عنوانی ببرک کارمل
نشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک
خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی
جمهوری دموکراتیک افغانستان باخود آوردم
که در آن چنین آمده است:

هردانه زیتون تان مرمی و هر دانه مالت
تان به بومی تبدیل شود و در راه محو و نابود
ساختن دشمنان مردم و انقلاب تان بکار رود.
او راجع به آینده اتحادیه نویسندگان
جمهوری دموکراتیک افغانستان چنین ابراز
نظر نمود:

اتحادیه نویسندگان و شعرا جمهوری
دموکراتیک افغانستان جزء انقلاب افغانستان
است. از آن جایگاه پیروزی کامل انقلاب
نور مردم افغانستان امری است حتمی بنابر
آن مابه آینده خوب اتحادیه شعرا و نویسندگان
جمهوری دموکراتیک افغانستان اعتقاد
کامل داریم.

اتحادیه نویسندگان و شعرا جمهوری
دموکراتیک افغانستان جزء انقلاب افغانستان
است. از آن جایگاه پیروزی کامل انقلاب
نور مردم افغانستان امری است حتمی بنابر
آن مابه آینده خوب اتحادیه شعرا و نویسندگان
جمهوری دموکراتیک افغانستان اعتقاد
کامل داریم.

مامادوتراوری دیوپ شاعر و نمایشنامه
نویس کشور سنگال رئیس اتحادیه شاعران
و نویسندگان سنگال و معاون سردبیر مجله
«خاطره نفوس»، «ترانه دلکین»، نمایش-
نامه «پورتگالی ها خارج شوید»، «فلم
نامه بیک» و «دکین» و یاد داشت های زیر
عنوان «در سر زمین لنین» بچاپ رسیده
اند یکی دیگری از اعضای اشتراک کنندگان
چهارمین جلسه نوپتی انجمن نویسندگان
آسیا و آفریقا است که در مورد نقش شعرا
و نویسندگان در امر بهبود بخشایی به زندگی
اقتصادی و اجتماعی مردمان جهان چنین ابراز
نظری نماید:

به نظر من يك نویسنده در مقابل مردم خود
وظایف بس بزرگی را بدوش دارد کشور ما
بهشهری که برای چندی در تحت تسلط استعمار قرار
داشت در این مدت ضربات بزرگی به فرهنگ
ما و تمدن جا مده ما وارد آمد بدین اساس ما
نقش يك نفر نویسنده را بدستی درك نموده
وجود می توانیم و وظیفه اساسی واولی نویسنده این
نمی است که از آزادی و شرافت مردم واز
واحد حاکمیت ملی مردمان جهان دفاع بعمل آورد
و بسبب همین خوبی از تاریخ جوامع بشری بشمار آید.
وادیو نویسنده باید در معرفی عوین فر هنگی
مردم سهم بگیرد و برای اتحاد و همبستگی
هرچه مزید میان توده ها کوشش بفرج دهد
و بدین جهت است که مردم، نویسندگان را
دوست دارند و نویسنده فرزند مردم، مدافع
وطن و سمبول ارزش های اجتماعی بشمار می-
رود.

وی گفت: من مجموعه اشعاری هم دارم
و یک نمایشنامه تئاتر بنام «وطن یا مرگ»
برشته تحریر در آورده ام و کتابی هم تحت
عنوان «یاد داشت های سفر در سر زمین
لنین» تالیف نموده ام.

وی در اخیر پیام خویش را به شعرا و
نویسندگان جمهوری دموکراتیک افغانستان
چنین ابراز داشت:

من از همه شعرا و نویسندگان افغانستان
تتمنا دارم تا با متانت و استواری در پهلوی
انقلاب ملی و دموکراتیک خود به ایستند و
بطور قطع از انقلاب ثور و دست آورد های
دو ران ساز آن دفاع نمایند تا بزودی هرچه
تتماتر شاهد مقصود را به آغوش گشند.

اتوهوای اثر نویس و چهره مردمی
ویتنامی منشی عمومی انجمن ادبیات و هنر
ویتنام، معاون سر منشی اتحادیه نویسندگان
ویتنام و عضو دارالانشاء انجمن نویسندگان
آسیا و آفریقا پیرامون فعالیت های ادبی خویش
چنین روشنی انداخت:

من در سال ۱۹۴۰ به نویسندگی آغاز
نمودم و بعدا بجرم و ظنیر سستی
به زندان افتدم. تا کنون صد اثر برشته
تحریر درآورده ام و در داستان نویسی و
سناریو نویسی دسترس کامل دارم. آثار من
جایزه لوئیس انجمن نویسندگان آسیا و آفریقا
را حایز گردیده است و بهین ترتیب به
دریافت جایزه دو لتی موفق گردیده ام.

آثار من بچند زبان خارجی چون زبان
های اتحاد شوروی و دیگر کشور های
سوسیالیستی، جاپانی، فرانسوی، هندی،
کیوبایی و دیگر زبان ها ترجمه شده است.
مشهور ترین کتاب من که خوانندگان و آفری
دارد و در باره انقلاب برشته تحریر در آمده
است «ما چرا های مردمان و ملت نام دارد
و بهین ترتیب داستان «منطقه غرب» که
جایزه لوئیس را هم بدست آورده است اثر
این جانب می باشد و موضوع آن را اعمار
سوسیالیزم در جنوب غرب ویتنام در بر
می گیرد.

موصوف پیامش را به مردم و نویسندگان
افغانستان اینطور ابراز نمود:

من از صمیم قلب به انقلاب ثور و مردم
افغانستان احترام دارم. برای اینکه مردم
ویتنام و مردم جمهوری دموکراتیک افغانستان
در کشور های انقلابی خویش برای اعمار
جامعه نوینی مبارزه می نمایند.

وی در مورد نقش شعرا و نویسندگان در
امر بیداری توده ها نظر خویش را چنین بیان
داشت:

به نظر من بیدار نمودن توده ها و وظیفه
مشترک نویسندگان و تمام مردم آگاه است.
بطور مثال در مرحله کنونی تمام مردم ویتنام
در جهت اعمار سوسیالیزم و دفاع از وطن
در مقابل هژمونیزم مبارزه می نمایند این وظیفه
هرویتنامی است که این امر را همراه با
نویسندگان ویتنامی انجام بد هد و با آن ها
مبارزه مشترکی را به جلو ببرد.

وی افزود: من وقتی که بکابل می آمدم
از طرف یاسر عرفات رئیس سازمان آزادی
بخش فلسطین بیا می را عنوانی ببرک کارمل
نشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک
خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی
جمهوری دموکراتیک افغانستان باخود آوردم
که در آن چنین آمده است:

هردانه زیتون تان مرمی و هر دانه مالت
تان به بومی تبدیل شود و در راه محو و نابود
ساختن دشمنان مردم و انقلاب تان بکار رود.
او راجع به آینده اتحادیه نویسندگان
جمهوری دموکراتیک افغانستان چنین ابراز
نظر نمود:

اتحادیه نویسندگان و شعرا جمهوری
دموکراتیک افغانستان جزء انقلاب افغانستان
است. از آن جایگاه پیروزی کامل انقلاب
نور مردم افغانستان امری است حتمی بنابر
آن مابه آینده خوب اتحادیه شعرا و نویسندگان
جمهوری دموکراتیک افغانستان اعتقاد
کامل داریم.

اتحادیه نویسندگان و شعرا جمهوری
دموکراتیک افغانستان جزء انقلاب افغانستان
است. از آن جایگاه پیروزی کامل انقلاب
نور مردم افغانستان امری است حتمی بنابر
آن مابه آینده خوب اتحادیه شعرا و نویسندگان
جمهوری دموکراتیک افغانستان اعتقاد
کامل داریم.

مامادوتراوری دیوپ شاعر و نمایشنامه
نویس کشور سنگال رئیس اتحادیه شاعران
و نویسندگان سنگال و معاون سردبیر مجله
«خاطره نفوس»، «ترانه دلکین»، نمایش-
نامه «پورتگالی ها خارج شوید»، «فلم
نامه بیک» و «دکین» و یاد داشت های زیر
عنوان «در سر زمین لنین» بچاپ رسیده
اند یکی دیگری از اعضای اشتراک کنندگان
چهارمین جلسه نوپتی انجمن نویسندگان
آسیا و آفریقا است که در مورد نقش شعرا
و نویسندگان در امر بهبود بخشایی به زندگی
اقتصادی و اجتماعی مردمان جهان چنین ابراز
نظری نماید:

به نظر من يك نویسنده در مقابل مردم خود
وظایف بس بزرگی را بدوش دارد کشور ما
بهشهری که برای چندی در تحت تسلط استعمار قرار
داشت در این مدت ضربات بزرگی به فرهنگ
ما و تمدن جا مده ما وارد آمد بدین اساس ما
نقش يك نفر نویسنده را بدستی درك نموده
وجود می توانیم و وظیفه اساسی واولی نویسنده این
نمی است که از آزادی و شرافت مردم واز
واحد حاکمیت ملی مردمان جهان دفاع بعمل آورد
و بسبب همین خوبی از تاریخ جوامع بشری بشمار آید.
وادیو نویسنده باید در معرفی عوین فر هنگی
مردم سهم بگیرد و برای اتحاد و همبستگی
هرچه مزید میان توده ها کوشش بفرج دهد
و بدین جهت است که مردم، نویسندگان را
دوست دارند و نویسنده فرزند مردم، مدافع
وطن و سمبول ارزش های اجتماعی بشمار می-
رود.

وی گفت: من مجموعه اشعاری هم دارم
و یک نمایشنامه تئاتر بنام «وطن یا مرگ»
برشته تحریر در آورده ام و کتابی هم تحت
عنوان «یاد داشت های سفر در سر زمین
لنین» تالیف نموده ام.

وی در اخیر پیام خویش را به شعرا و
نویسندگان جمهوری دموکراتیک افغانستان
چنین ابراز داشت:

من از همه شعرا و نویسندگان افغانستان
تتمنا دارم تا با متانت و استواری در پهلوی
انقلاب ملی و دموکراتیک خود به ایستند و
بطور قطع از انقلاب ثور و دست آورد های
دو ران ساز آن دفاع نمایند تا بزودی هرچه
تتماتر شاهد مقصود را به آغوش گشند.

اتوهوای اثر نویس و چهره مردمی
ویتنامی منشی عمومی انجمن ادبیات و هنر
ویتنام، معاون سر منشی اتحادیه نویسندگان
ویتنام و عضو دارالانشاء انجمن نویسندگان
آسیا و آفریقا پیرامون فعالیت های ادبی خویش
چنین روشنی انداخت:

من در سال ۱۹۴۰ به نویسندگی آغاز
نمودم و بعدا بجرم و ظنیر سستی
به زندان افتدم. تا کنون صد اثر برشته
تحریر درآورده ام و در داستان نویسی و
سناریو نویسی دسترس کامل دارم. آثار من
جایزه لوئیس انجمن نویسندگان آسیا و آفریقا
را حایز گردیده است و بهین ترتیب به
دریافت جایزه دو لتی موفق گردیده ام.

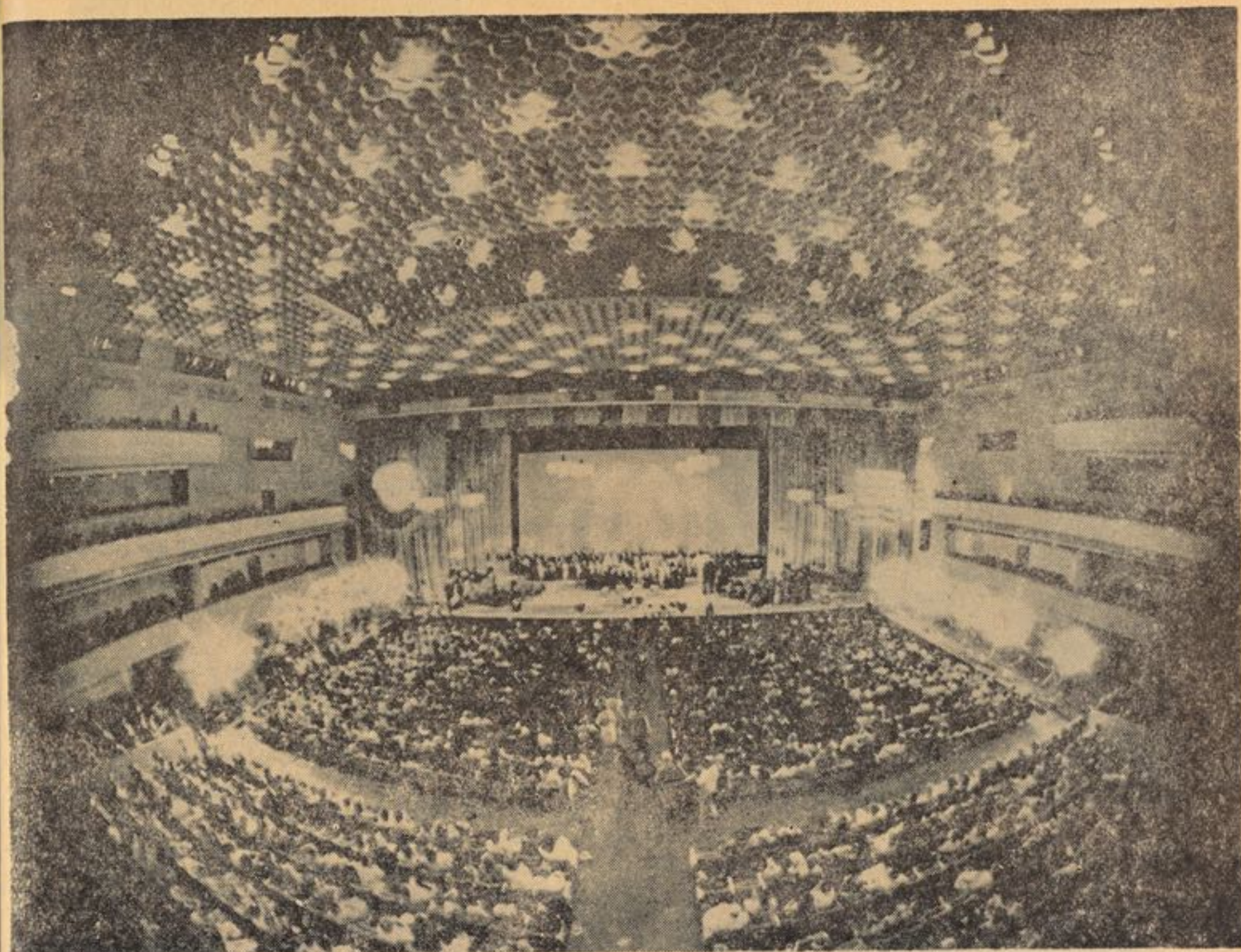
آثار من بچند زبان خارجی چون زبان
های اتحاد شوروی و دیگر کشور های
سوسیالیستی، جاپانی، فرانسوی، هندی،
کیوبایی و دیگر زبان ها ترجمه شده است.
مشهور ترین کتاب من که خوانندگان و آفری
دارد و در باره انقلاب برشته تحریر در آمده
است «ما چرا های مردمان و ملت نام دارد
و بهین ترتیب داستان «منطقه غرب» که
جایزه لوئیس را هم بدست آورده است اثر
این جانب می باشد و موضوع آن را اعمار
سوسیالیزم در جنوب غرب ویتنام در بر
می گیرد.

موصوف پیامش را به مردم و نویسندگان
افغانستان اینطور ابراز نمود:

من از صمیم قلب به انقلاب ثور و مردم
افغانستان احترام دارم. برای اینکه مردم
ویتنام و مردم جمهوری دموکراتیک افغانستان
در کشور های انقلابی خویش برای اعمار
جامعه نوینی مبارزه می نمایند.

وی در مورد نقش شعرا و نویسندگان در
امر بیداری توده ها نظر خویش را چنین بیان
داشت:

به نظر من بیدار نمودن توده ها و وظیفه
مشترک نویسندگان و تمام مردم آگاه است.
بطور مثال در مرحله کنونی تمام مردم ویتنام
در جهت اعمار سوسیالیزم و دفاع از وطن
در مقابل هژمونیزم مبارزه می نمایند این وظیفه
هرویتنامی است که این امر را همراه با
نویسندگان ویتنامی انجام بد هد و با آن ها
مبارزه مشترکی را به جلو ببرد.



سالون کنسرت روسیا در مسکوه در آن فستیوال اخیر بین‌المللی فلم دایر شد و فلم‌هایی به نمایش گذاشته شد .

ترجمه : یوسفزی

دوازدهمین فستیوال بین‌المللی فلم در مسکو

تحت شعار صلح و دوستی میان ملل

برگزار شد

سینما مقام خاصی را در جهان امروز از خود کرده است ، زیرا فلم‌ها به چنان زبان بین‌المللی صحبت می‌کنند که همه می‌توانند با اندازه توان فکری شان از آن استفاده میکنند .

بنابر همین دلیل است که سینما به پیمانه بزرگی در تشکل فکر و دید اخلاقی شخص تأثیر افکنده و باید هم نفوذ مثبتی در زمینه بنماید فستیوال‌های بین‌المللی فلم مسکو خیلی مردمی و آموزنده بوده زیرا هدف آن مبارزه علیه بیعدالتی و تبعیض در جهان است . فستیوال اخیر فلم در مسکو تحت شعار ((انسانیت در هنر سینما و سینما برای صلح و دوستی میان ملل)) دایر شد .

فستیوال بین‌المللی فلم مسکو که سابقه تاریخی آن به بیست سال قبل می‌رسد به حیث یک فستیوال مهم فلم خودش را تبارز داد . یکصد کشور مختلف و چهار موسسه بین‌المللی نمایندگان

ضدیت بانیهو فاشیزم و جنگ طلبی

موضوعات خاص فلم‌های

فستیوال را تشکیل میداد

پرسند سریع مردمی و انسانی خود
ادامه میدهند پیوسته در صدد ابراز
پیام والتها برای انسان ها در
مبارزه آنها بر ضد جنگ ، عقب
ماندگی ، خرافات و سلطه های
استعماری و امپریالیستی است ،
فلم ساخت اتحاد شوروی که در
فستیوال اخیر مسکو به نمایش
گذاشته شد همچو الهامات و پیام
های عالی را برای انسان های سراسر
جهان دربر داشت .



صحنه از فلم های برنده جوایز



الهامات و آرزو های آنها برای
تأمین عدالت و ریشه کن کردن
مشکلات چون فقر، جهل، مریضی ،
جنگ و سلطه جویی بر دیگران صحبت
می کرد .

تعداد زیادی فلم های آن فستیوال
صحنه های ترازدیک را از جنگ
های تجاوز گران فاشیستی ارا نه
کردند و در عین حال علیه نیوفال-
شیزم و اشتغال جنگ در جهان که
در فبال تسریع روز افزون مسا-
بقات تسلیحاتی به شمول مسا-
بقات تسلیحاتی ذروی و تو لید
بم نیوترون این سلاح کشنده جمعی
از طرف امیر یالیز م امریکا و متحدین
نا توی آن به شکل خطر جدی علیه
صلح و امنیت جهان ظهور نموده،
اخطار دادند .

که فستیوال بین المللی فلم مسکو
دو هفته رادر برگرفت با انجام
کنفرانس های مطبوعاتی و صحبت
های سودمند ملی مراسمی با اهدای
جوایز به برندگان پایان یافت .

درین فستیوال مدال های طلا
نصیب فلم ویتنامی موسوم به
ساحه و حشی و فلم روسی موسوم
به تهران ۴۳ گردید .

مدال های نقره نصیب فلم های یاز
ناروی و جاپان شد. همچنان سایر
شرکت کنندگان نیز باخذ جوایز
مناسب نایل آمدند .

هنر سینما در اتحاد شوروی که
با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی
اکتوبر مانند سایر پدیده های هنری

پیش را جهت شرکت در فستیوال
مسکو به مسکو فرستادند .
میدان جوان و کارگران دانا ن
پس از قاره های آسیا ، آفریقا و
آمریکای لاتین درین فستیوال
شرکت کردند .

درین فستیوال فلم های تهیه
شده توسط تهیه کنندگان جوان و نو
پرداز کشورهای کامرون ، کمپوچیا
سایر ملل در حال رشد یکجا با فلم
های تهیه شده توسط افراد مجرب
معروف به نمایش گذاشته شد .
درین فستیوال (۵۰۰) فلم مختلف
شامل موضوعات فیزیکی ، هنری
فلم های کوتاه ، فلم های اطفال
فلم های مستند و تارخی به
نمایش گذاشته نکته مهم و مشترک
در مورد این فلم ها آن بود که همه
فلم ها ارتباط زیاد در مورد سر-
وشت کره خاکی ما داشته و علیه
اشتغال جنگ و تهدیدات جنگی
بودند که از طرف امپریالیسم
تحت بهانه و عناوین مختلف به
منظور اعمار روز افزون نظامی و
داخلی سایر ملل،
صورت می گیرد .

منتقدین این فستیوال را فرصتی
مساعد برای تبادل تجارب و نظر-
ات در مورد انکشاف هر چه
بیشتر هنر سینما و قرار داد آن
در خدمت انسان و مبارزه علیه ظلم
و تبعیض خواندند .

اکثر فلم های شامل فستیوال
بر حوادث تاریخی متمرکز بود و از
انسان ، ساختمان فیزیکی و روانی او

صحنه هایی از فلهایی شرکت کننده فستیوال بین المللی اخیر فلم در
مسکو

داکتور پاك جهان

این هفتاد و یک داستان مشهوری

کادر نبوت از

این قصه از نیکو نیکو در دست چرخ
بلاشبه برگزیده شده است

قسمت دوم

وقتی آفتاب در آسمان بالا آمد
یعقوب يك گاری از همسایه اش
به امانت گرفت و مار فارا به شفاخانه
برد ، مریض ها آنروز زیاد نبودند
و خوشبختانه او سه ساعت بیشتر
معطل نگردید ، تا اینکه نوبت به
او رسید و زنش را به ((ماکسیم
نیکلا ویچ)) معاون داکتر که مردی
بود پیر و عصبی و اما به قول مردم
فهمیده از داکتر ، نشان داد و
گفت :

انشاء الله که حال شما خوب
باشد ، ماکسیم نیکلا ویچ مرا ببخشید
که برای مریضی های کم اهمیت
شمارا زحمت میدهم ، اما خودتان
ملاحظه میفرمایید متعلقه مریض
است و آنطور که همه میگویند شریک
عمر ، این تعبیر را ببخشید .

معاون داکتر ابرو ها را بهم
نزدیک کرد و بروت هايش را دستی
کشید و بعد به معاینه پیر زن پر-
داخت ، مریض روی يك چهار پایه
نشسته بود ، خمیده بود و پوستی

واستخوانی ، بینی اش نوک تیز و
دهانش باز بود ، شباهت به مرغی
داشت که آب بنوشد .
معاون داکتر آهسته گفت : ((که
اینطور)) و آهسته کشید و ادا مه
داد :

افلاوا نزا ست و شاید کمی هم
تب داشته باشد ، تیغوس اینروز
مادر شهر زیاد است از دست من
چه ساخته است ؟ پیر است خدارا
شکر

چند سال عمر دارد ؟
ماکسیم نیکلا ویچ شخصیت و
نه سال .
پیر زن است دیگر ، بوی
حلوايش میاید .
یعقوب بانها بیت ادب تبسمی کرد
و گفت :

البته حق باشما ست و من
از لطف تان متشکرم ، اما اجازه
بدهید عرض کنم که هر حشره یی
به زندگی خود علاقمند است .
معاون داکتر با چنان آهنگی

جواب داد که انگار مرگ وزندگی
آن زن فقط در دست اوست .
دوست عزیزم به تو میگویم
چکار باید بکنی ، بکدامستمال آب
سرد روی سرش بگزار و از این-
گردد هاروی دوبار به او بده و خدا
حافظ شما .

از خطوط قیافه معاون داکتر
یعقوب فهمید که حال زنش خطر-
ناک است و هیچ گردی نخواهد
توانست آنرا بهتر کند ، برای او
کاملا واضح بود که شفای ما رفا
امکان ندارد و حتما خواهد مرد ،
بازوی معاون داکتر را گرفت و
چشمایش را بهم زد و آهسته گفت :

بلی ماکسیم نیکلا ویچ ، اما
خوش را بگیرد .
من وقت ندارم ، هیچ وقت
ندارم ، زن پیرت را بردار و ببر و
دست حق هم به همراهت .
یعقوب به التماس افتاد :
این محبت را در حق من بکنید
شما خودتان میدانید که اگر قبض
میبود و یا يك عضو داخلی اش از کار
میا افتاد باد و او گردد خوب میشد ،

اما او سر ما خورده است و درمورد
سر ما خوردگی او لین علاج این است
که از بیمار خون بگیرند .

معاون داکتر فریاد زد : ((برو
بیرون)) یعقوب هم با آزردهای زیر
بازوی مارفا را گرفت و او را از اتاق
بیرون برد و همینکه در گاری
نشستند با عصبیت و نفرت نگاه
به شفاخانه انداخت و گفت :
عجب مرد باکمال ! اگر آدم
بولداری میبود خونش را میگرختی
اما برای بیچاره ها حتی از يك رگ
زدن هم دریغ میکنی ، پهلوان پنجه
بد جنس .

وقتی به خانه رسیدند و داخل
کلبه شدند ما رفا لحظه یی خود را
به بخاری گرفت و سرپا ایستاد
از ترس اینکه مبادا اگر بخوابد
یعقوب دوباره از ضرر هایش
شکایت کند و به او دشنام دهد که
همیشه میخواهد بد و دست به سیاه
و سفید نمیزند .

یعقوب باخستگی و کسالت نگاه
هی به مارفا انداخت و به یاد آورد
که فردا روز تولد یو حنا ی تعمید
شما

اکون شمارا ببیند .
طرز حرف زد ن رو چیلد و خال
های متعدد سر خرنگی که در
صورتش جای سوزن انداز نگذا-

شته بود در یعقوب حس نفرت
عمیقی برانگیخت ، فریاد زد :
- یعنی چه ؟ چرا دنیا ل من
میایی ، برو گمشو احق .

رو چیلد هم بر آشفت و داد زد :
- اگر متوجه نباشی که کمی
مود بتر رفتار کنی به آسمان پر
وازت میدهم و به جهنم میفر-
ستمت .

بقیه در صفحه ۴۱

اوداشت احساس گناه میکرد .
در راه گورستان تا کلیه روچیلد
تعظیم کنان و خندان به سوی
یعقوب آمد و گفت :

- من دنیا ل شما میگشتم ، موسی
سلام میرساند و عرض میکند که
همین اکنون تشریف بیاورید ،
پیش او .

یعقوب احساس کرد که دلش می
خواهد گریه کند ، برای خودادا مه
داد و فریاد زد :

((برو)) رو چیلد پشت سرش
دوید و باو حشت فریاد زد :

- عجب فرمایشی میفرمایید ،
موسی میرنجد ، او میخواهد همین

روز بخاری را روشن میکرده ، می
بخته ، می جوشانیده ، آب میآورده
خمیر میکرده همزم میشکسته و روی
یک تخت پهلوی می خوابیده
است و شب های که یعقوب مست
و خراب از جشن های عروسی باز
میگشته ، مارفا با احترام سازش
را از او میگرفته و به دقت به دیوار
میاریخته و خودش را هم به رختخواب
میبرده و میخوابانیده است و تمام
این کارها را با آرامی انجام میداده
و همیشه اثری از شرم و حیا و
حجب بر صورتش دیده میشده است
و اکنون یعقوب در برابر این همه
مهربانی و رویه خشنی که خودبا

رفته است و پس فردا عید نیکلای
بجز کننده و روز بعدش هم یکشنبه
است ، دوشنبه هم که کار کردن
نکون خوب ندارد ، چند روز تمام
هیچ کاری نمیتواند انجام دهد و
سما اطمینان داشت که در یکی از
همین روزها مارفا خواهد مرد ، پس
بوی تش را همین امروز باید تمام
کند ، نیم گز آهنی را بر داشت و
اندازه پیرزن را گرفت بعد مارفا
را از کشید و او هم به سا خستن
بوی تش مشغول شد ، وقتی کارش
به اتمام آمد عینکش را بر چشم
گذاشت و در دفتر چه ثبت ضرر
نوشت و آه کشید .

(قیمت تابوت مارفا ایوانفنا دو
پول و چهل کو پیک)

چند لحظه بعد کشیش آمد که
راسم تقدیس و تدفین مذهبی
را به جای آورد و مارفا چیز نامفهومی
بزمه کرد و دم صبح نیز با آرا مش
کامل مرد .

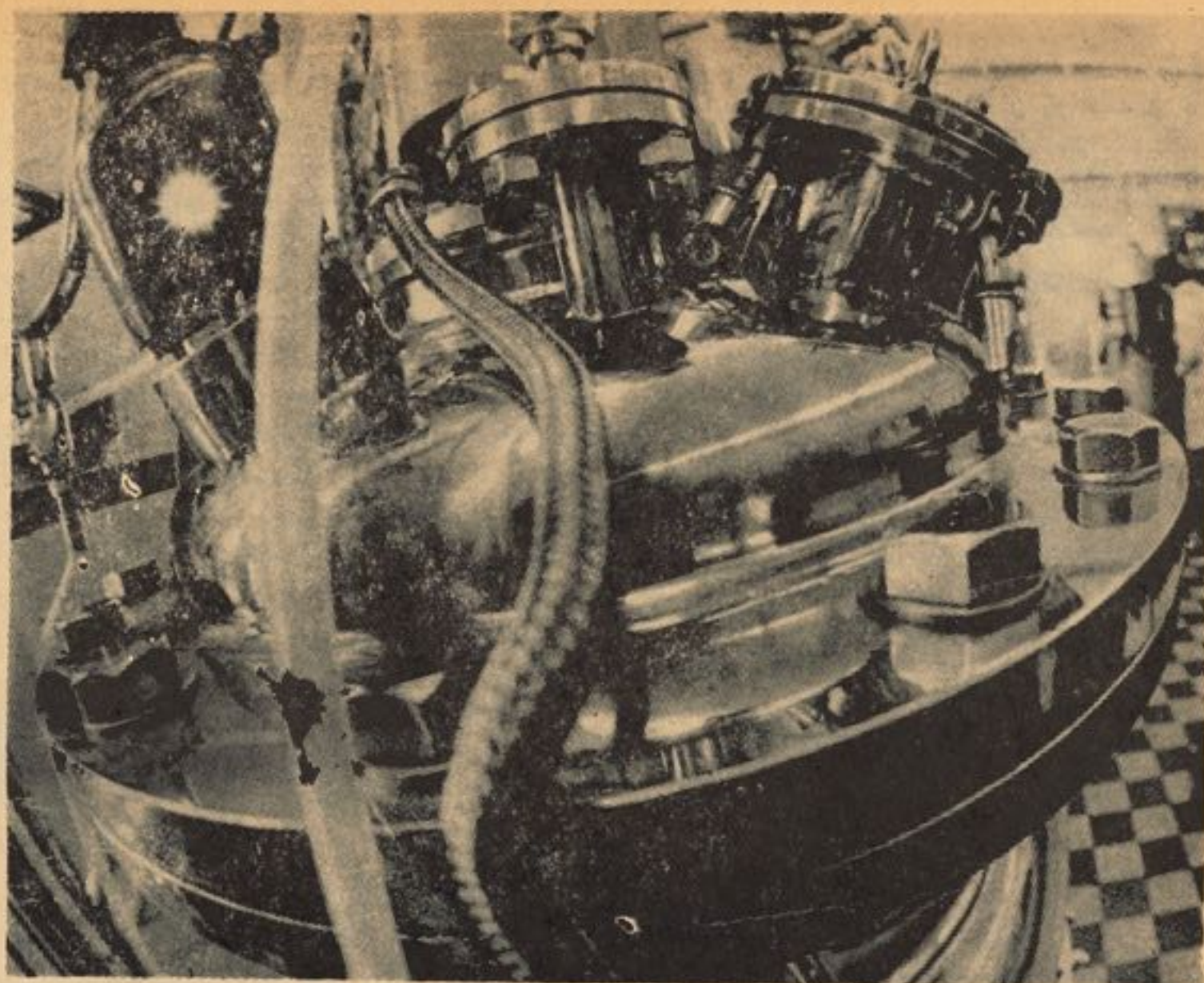
پیرزن های همسایه او را شستند
و در ملافه یی پراز چروکی پیچیدند
و پیرزن گذاشتند ، یعقوب برای
اینکه پول برای کشیش نداده
بودش انجیل خواند و یک صرغه
جویی دیگر هم در گورستان کرد و
آن اینکه نگهبان آنجا پدرتعمیدش
بود ، چهار نفر دهاتی تابوت را بر
ش گرفتند و یک عده پیرزن ،
چند تا گداو ده نفر چلاق آنرا را

سایعت کردند .
دهاتی های سز راه از سر دل-
سوزی صلیب میکشیدند و یعقوب
خیلی راضی بود که تشریفات در
ایستاد احترام ، به ارزانی و بدون
لجش کسی خاتمه مییابد .

وقتی برای آخرین دفعه از مار
خدا حافظی میکرد با انگشتهایش
به تابوت زدو فکر کرد : ((عجب
تابوت خوبی)) اما وقتی از گورستان
برگشت خستگی شدیدی و به
او چهره شده بود احساس ناراحتی
میکرد تنفس تبا دار و سنگین بود و به
سختی روی پای خود ایستاده
میتوانست ، مغزش از افکار غیر
عادی انباشته بود ، دوباره به یاد
آورد که هرگز از مارفا دلجویی
نکرده و هیچ گاه تو جیبی به او
نداده است ، پنجاه و دوسال که
آنها در این کلیه با هم زندگی کرده
بودند به ابدیت می پیوست اما در
خلال این ابدیت او هرگز به فکر
مارفا نبوده و با او مثل سنگ یسا
شک رفتار کرده است ، اما او هر

شماره ۳۵





درین عکس يك دستگاه تخم‌دهنده لایرا توارى را مشاهده می کنید.

مترجم: بریالی علی زاد

از مجله سوویت یونین

این يك اشتباه است که:

مکروبها را خطرناکترین دشمنان

صحت و سلامت خود بدانیم!

این موجودات جسمی که فقط زمان بروز امراض به خاطر داشته اند در حالیکه

آیا میکرو بیو لوژی خواهد توانست کلیه نیازمندی های بشر را از نظر غذای جوایب گوید؟

درین اواخر انکشاف سریع معضله عدم دسترسی به منابع کافی مواد غذایی بیش از هر وقت دیگر حادث گردیده و این معضله بیش از همه متوجه فقدان سبز - یجات و پروتین های حیوانی (که جز عمده و اساسی غذای عادی و روزمره ما را تشکیل میدهند) می باشد.

هم اکنون صد ها میلیون انسان در سراسر جهان با فقدان مواد

غذایی دست بگریبان اند، کمبود پروتین و فقدان ویتامینهای مختلف باعث رشد و انکشاف ناقص جسمی، روحی و دماغی اطفال گردیده و امراض گوناگون ووفیات میلیونها طفل را باعث میشود. همچنان سالانه ده ها هزار نفر از اثر قحطی حیات شیرین شان را از دست میدهند که این ارقام یاس آور با انکشاف روز افزون استعداد های علمی و تکنیکی عالم

بشر تضاد کامل دارد. در ساحت افزایش تولیدات مواد غذایی - فعا - لیت های گسترده بی متوجه تکنالوژی بیوشیمی بوده است. يك شعبه جدید که اثرات بس ارزنده از خود در جهت حل این همه معضلات به جا خواهد گذاشت طی پانزده تا بیست سال گذشته راه رشد سریع را در پیش گرفته و در عده از کشورها به شمول اتحاد شوروی شعبات آن تاسیس و به فعالیت گسترده پی آغاز کرده اند. اینک فشرده ای آنچه را که اوستیلاو ایچکوف آمر دیپارتمنت میکرو بیو لوژی ضمن مصاحبه بی در زمینه بیان داشته پیشکش شما خوانندگان گرامی مینمایم.

از عصر انتونی لیفنگک (درین قرن قبل) تاکنون تنها دانشمندان علوم بیولوژی یا کیمیا ی حیات ساکنان دوکتوران طب روابط مداوم شان را با جهان میکرو - اورگانیزمی برقرار نگه داشته اند و بقیه ی مردمی این موجودات جسمی که چاک را برای زمان بروز امراض به خاطر داشته اند و بس. که شاید این که شان هم بخاطر آن بوده که بسیار نماید مردم میکروبها را بسان خطرناکترین دشمنان صحت و سلامت شان برای حتی حیات شان قبول کرده اند یا با که این عقیده عامه يك اشتباه است به بیش نیست. ما نه تنها تو سروتینی میکروبهای مختلفه محاط گردیده ایم بلکه آنها در داخل عضو یس آیم مانیز زیست نموده و دریکعده پروبوس های فزیولوژیک نقش اساسی را بر عهده دارند که میتوان نقش آنها را در عملیه هضم مثال آورد. همچنان در میلیرنها موارد دیگر هم ایستادگی موجودات میکرو سکو پیک نقش های سبمی را عهده دارند. (شما در حین تهیه بیر، صفیوانی کاری چرم و تخم شرا ب چه فکرتان میکنند؟) گفته های فوق را لوئیس پاستور و دانشمند شهیر فرانسوی و با میکرو بیو لوژی صد سال قبل به آبیاری سازان، چرمگران و شراب سازان اظهار داشته بود. قریب يك قرن بعد ساینس موفق به کشف طریقه کنترل فعالیت میکروبها به صورت خاص ((ماهرانه)) نه بطور ((کورکورانه)) گردید. میکرو بیولوژی هما نظور یکپارچه مسئول نجات بخشیدن نوع بشر طوایف از بسا بیماریهای عفونی میباشد و باید بشر را از وفيات ناشی از گرسنگی نیز رهایی بخشد. میکروبیولوژی جستان ارائه کننده این نظریه در نظر شان هیچ افراد ننموده اند بلکه حقایق را طور شاید و باید بازگو کرده اند. مردم با کمبود پروتین های حیوانی و نباتی دست بگریبان اند. طوریکه کشور اگر تمام محصولات پروتینهای جهان به طور مساوی به هر فی نفر سکنه روی زمین تقسیم گردد در این روز هر نفر پنجاه و هشت گرام در روز (دو مرتبه کمتر از اندازه مورد نیازش) خواهد رسید که این به طبیعت فقط در صورت تقسیمات عادلانه و مساویانه مواد پروتینی حاصل میرد جهان امکان پذیر بوده میتواند. چرا که

الکول و آب عادی نیز میروید : چنانچه هم اکنون زرع يك نوع الجی غنی از ویتا مینهای مختلفه در اطراف مسکو در منطقه گراسنو دار در جمهوری تسمای بالتیک ها و مناطق آسیای میانه شوروی معمول است . تما می آنچه گفته آمد بیانگر این حقیقت غیر قابل انکار اند که ترو یج نیست مغذی نقش بس مهمی را در جهت حل معضلات گوناگون ناشی از فقدان غذایی در جهان و اولتراز همه در کشور های در حال رشد بازی خواهد نمود .

ممکن خوانندگان مخترم در مورد بیضرر بودن محصولات که از نظر یق بدست می آید متردد باشند . مگر دانشمندان شوروی مدت ها قبل از اخذ تصمیم در جهت بلند بردن سطح تولیدات این محصولات ((سو یه بازار گانی)) در جهت حل این معضله اقدامات مقتضی نمودند . و یک سلسله پژوهشهای دقیق و جامع را به منظور تطبیق ارزش بیولوژیکی و بیضرر بودن نیست از محصولات میکرو بیولوژیکی روید دست گرفتند . که در این مطالعات آنها بیش از چهل سازمان به شمول وزارت های صحت عامه و وزارت اتحاد شوروی نیز اشتراك داشتند . که بالاخره آنها فیصله نمودند که از نگاه کمیت و کیفیت گوشت حیوانات تجربوی از گوشت حیوانات تحت مشاهد هیچ تفاوتی ندارد .

همچنان انتی بیو تیکهای که به مقاصد غیر طبی از آنها استفاده میشود انکشاف یافته اند (طوری که انتی بیو تیکهای که در تداوی امراض انسانی از آنها استفاده می شود همه اساس میکروبی دارند)) بر علاوه عددی از ادویه جات ضد ویروسی و حشره کش های با کتریایی نیز کشف گردیده که کوچکترین ضرری به صحت و سلامت انسان و حیوانات ندارند و از همین است که در پارکها منازل مسکونی و تفرجگاه ها به مقدار کافی قابل تطبیق اند .

استفاده از کود های معدنی و کیمیاوی جهت بلند بردن سطح تولیدات زراعتی نیز جاودانی نخواهد بود . در اتحاد جماهیر شوروی افزایش تولید کود های

بقیه در صفحه ۴۵

غنی از کالوری بسرعت سر سام آور شد مینمایند که بعد از خشک شدن يك هر کب غنی و سرشار از پروتین و ویتا مینهای مختلفه بوده که میتوان از آن بخوبی در تغذی حیوانات استفاده نمود .

سال گذشته صنعت میکرو بیو - لوژیکی اتحاد جماهیر شوروی در حدود يك میلیون تن نیست خشک مغذی تولید نموده که شامل تولید



نمایی از کلچر «نیست» را که در زیر میکرو سکوپ الکترونیک عکس برداری شده مشاهده می کنید .

صنعت هیدر و لیتیک نیست به دست آمده از تغذی میکرو بیو با پارافین خاص حاصله از نفت می باشد . که مبادی این روش نیم قرن قبل از امروز انکشاف داده شده و بعد برای اولین مرتبه در اتحاد شوروی به آن جا مه عمل پوشانیده شد ، اینرا هم با یدخاطر نشان نمود که توده های پروتین همچنان در گاز طبیعی ، میتایل

صنعت هیدرو لیتیک کشور های خارجی در دست محصولات خود نیست غذایی نداشته و ندارد . این نیست از نظر ترکیب و ارزش غذایی خود نه تنها به مقایسه سبزیجات غنی تر اند بلکه شباهت قریب باشیر دارد .

که این ((شیر)) مزیت دیگری هم دارد و آن عبارت از بو تنسیل رشد است بر علاوه نیست پروتین

ساکنان کشور های در حال رشد روزانه فقط بیست و پنج نیر سی گرام پروتین که آنها اساس حیوانی داشته صرف میکنند . برای اینکه در سال دو هزار بیست و ستند در غذایی جهان به این کال کتونی اش باقی بماند لازم است تا محصولات کتونی غذایی با کربان چهار تا هفت مرتبه و غذاهای با ن برای منابع حیوانی نه مرتبه افزایش یابد . که یگانه راه حل این مسئله همانا افزایش محصولات پروتینی از اثر انکشاف هر چه در بیشتر میکرو بیو لوژی می باشد . پس آیا این بدان معنی است که باید پروتین نان ، برنج ، مسکه ، گوشت و غیره خوردن قرص ها ، پودرها ، آبمیوه و غیره خوراکی باب صنعتی همچنان داده شود ؟

اینها تا کنون از امکانات کامل محصول نقش بسیار کترو یو لوژیکی در جهت بلند بردن سطح محصولات ، صفی و نباتی استفاده نشده ، چنانچه چنان تا کنون فقط بخشی از منابع حیوانی در زمینه مورد استفاده قرار با سترفته و اقدامات ناچیزی در جهت وبا به کامل حشرات مضره حیوانی به آب نباتی و بیماری های حیوانی و سازمانی بعمل آمده است .

قریب میکرو بیو لوژی موردنظر در جهت حل این همه معضلات مورد خاص کمکهای لازم مینماید با ید و روانه است که این علم ا ثبار های خود که های صنعتی را نی بلکه در های یک منبع طبیعی آنها را بر رخ مامیگشاید ع بش طواهر بس ارزشمند میکرو بیو - میباشی است که اساس اندازه معیار سی لار را تقلیل بخشیده و تولید میکرو گوشت ، شیر ، تخم ، و سایرین نظر محصولات دیگر را افزایش میدهد . موده سایر کشور های جهان تحقیقات ید بازگویی در جهت دریافت منابع کاملاً ید پروتینی روی دست گرفته حیوانی است فا بر یکات مختلفه در طوریکه کشور های خارجی از متخصصین ، تینسان آلات ، مساعده تها ی بی - فی نمانیبه تخنیک و رهنمایی های علمی در برآوروی در جهت ایجاد تولیدات مدرن بیمانه های وسیع استفاده نموده در مورد مینمایند .

نیست طبیعتیست که يك تصادف نیست عادلانه که صنعت هیدر و لیز و نیست حاصله شیر مایه غذایی قبل از جنگ میتوانیم جهانی در اتحاد شوروی پا به رصه وجود گذاشت .

هارا به مقایسه نباتات پنجصد مرتبه و نسبت به حیوانات هزار مرتبه زیاد تر ذخیره میکند . اینهم قابل یاد آوری مینماید که از مواد فاضله بسا ن مواد خام در تولید آن استفاده میشود . کتان و پوست گل آفتاب پرست ، گاه گندم ، بوره ازه و غیره . سلولوز به شکر مبدل گردیده و میکرو اورگا نیز م ها در این زمینه



معرفی و بررسی

پک کتاب

«انتقام جویان جگه لک» اثر
از زنده و تحقیقی مورخ دانشمند
نفتولا خالفین که بوسیله مترجم
آگاه و محقق گرانمایه برید جنرال
گل آقا به دری برگردان گشته و
پیش از این فصل های از آن به
صورت پاورقی در جریده «حقیقت
سرباز» به دست نشر سپرده شده
بود، اخیراً به سلسله انتشارات
ریاست نشرات وزارت دفاع ملی
به شکل کتاب چاپ و بدسترس
علاقه مندان گذاشته شده است.
کتاب دارای ۳۴۰ صفحه است که
بایشگفتاری از برید جنرال محمد

می دهد که در درازنای تاریخ
استعمار ، انگلستان غارتگر و متجاوز
چشم طمع واز مندی در سر زمین
ما دوخته است ، همیشه رویاهای
نامقدس را در سر پروراند نه است
تا مگر بتواند از خاک آزادگان و
کشور عقابان مستعمره ای بسازد
و پایکامی ، تابدینسان علیه کشور
صلح ، آزادی ، ترقی اجتماعی و
سرزمین انقلاب کبیر اکتوبر ،
توطئه بچینند و دسیسه سازی نماید.
نقشه های تخریبی و غارتگرانه ی
خود را در عمل پیاده کند . در حالیکه
به گواهی تاریخ ، اتحاد شوروی
همیشه دوست قابل اعتماد مردم
افغانستان بوده و ماریشه های این
دوستی را در تاریخ می توانیم
جستجو کنیم .

مردم شوروی در طول تاریخ
دوستان صدیقی ما بوده اند، پاس برادری
رانگامداشته اند، به یاری و کمک
ما شتافته اند. مرزهای میان افغان-
نستان و شوروی همیشه مرز صلح
و آشتی و دوستی و برادری بوده
(است.)

فصل ها و بخش های کتاب
چنین رده بندی می شود - ((کلکته
از گور نر جنرال جدید پذیرایی می
نند)) ، ((زمان تغییر می کند و
مابا آن در تغییریم)) ، ((ما موریت
برنس در بخارا)) ، ((جگرن رولین
سان و نفر خفیه روسی)) ، ((مذا-
کرات دلچسپ)) ، ((اسپ دوانی
باموانع)) مذاکرات ادامه دارد)) ،
((شیرینجا ب)) ، ((رنجیت سنگ و
مکناتن)) ، «معاهده ی سه جانبه» ،
((بالا تر از سطح بحر)) ، ((قشون
در فیروز پور تجمع می کنند)) ،
((به سوی قند هار)) ، ((تاجگذاری
عروسک)) ، «سقوط غزنسی» ،
دخول به پاینخت «تیزین» مبارزه
«ادامه میا بد» انجام سکندر کمی به
طرف غرب ((دوازده روز سرو -
بلیام)) ، ((از طریق جگدلک))

درین بخش ها و عنوان های
۳۳ گانه ، نفتو لا خالفین به آگاهی
یک مورخ مسوول ، وقایع ، رویداد
ها و حوادثی را باز گویی می کند که
در آنها سیمای سیاه کاران ،
استعمار گران انگلیس ، رنگها ،
نیرنگها و تر فند ها ی خائنه ی
شان نشان داده می شود . خالفین
مورخی است که وقایع را با تخیل
تند خود در می آمیزد و بدینسان
است که کتاب های او حالب توجه

است . وقتی خواننده کتاب را
خالقین را ورق می زند در می یابد
که بایک مورخ رسمی روبرو نیست
در نوشته ها و یادداشت های
هایه ها و رگه هایی از تخیلات
عرا نه را می توان یافت . تاجا
بسیاری از کتاب های خالقین
رویداد های تاریخی را بازتاب
دهند ، رنگ و بوی ادبی ،
را بخود می گیرد و کتاب های
(انگلس تان بر ضد افغانستان
(شیپور های پیروزی میوند
این گونه اند . خالقین بیشتر
مطالعات و فعالیت های قلمی
را در باره ی افغانستان شنا
خته و کز ساخته است .

او با علاقمندی خاصی که مردم و کشور افغانستان دارند بسیاری از زاویه های ، مبهم تاریخ معاصر ما را روشن کرده است افغانستان همیشه با موقعیت ویژه استراتژیک و جغرافیایی که دارد مورد توجه دانشمندان شرق و غرب بوده است . اما تاریخ نگاران غرب خاور شناسانی که به محافل و گروه های ارتجاعی تعلق دارند و دارند حقایق مربوط به افغانستان را تحریف کرده اند . آنچه واقعیت بوده آنرا به یکسو نموده ، دروغ را جایگزین راست کرده و به این وسیله به حلقه های امپریالیستی و استعماری خدیده کرده اند . اما خاور شناسان و افغانستان شناس شوروی نفت و خالفین ، تاریخ افغانستان مبارز مردم این مرز و بوم را با وجود بیدار و با آگاهی یک پژوهنده مورخ بررسی می کند . خالفین کتاب هایی مانند ((انگلستان ضد افغانستان)) و ((شیپور ها پیروزی میوند)) و بسیاری از رسالات و مقالات دیگر مربوط به افغانستان حقایق مربوط به سرزمین ما را بازگوئی کرده است . آنکه در بیان واقعیت ها تصریح کرده باشد . خالفین در کتاب جاوارزنده ((انگلستان بر ضد افغانستان)) با اتکاء به حقایق ، از اسنادشان می دهد که استعمار انگلیس آن گونه که در بسیاری قلمرو ها و سرزمین ها دست تار و تاز کرده است ، همیشه او ضام و احوال افغانستان را در نظر داشته است و بیشترین توجه خود را معطوف کشور ماساخته است

آثار ادبی بیگانگان نیز بازتاب یافته است .

• • •

آنها بی که شمشیر بر زمین می اندازند .

و مانند برده ها در مدفن می خزند بهتر است زنده نباشند .

بگذار آنها بی در صف ما قرار داشته باشند . که به خاطر میهن خود میخواهند برز مند وزندگی کنند و مردانه قهره مانی کنند و حماسه آفرینند

جنگ در پای دیوارهای ما جریان دارد

غرور و افتخار ما را به انتقام فرا می خواند

تاستمگران را از سر راه خود برداریم .

و در پیکار بی امان خود را راحت سازیم .

یامرگ یا آزادی !

ترجمه کتاب ، روان ، ساده و عام فهم است . در بسیاری از

بخش ها از لهجه ها و گویش های عامیانه سود جسته شده که به

گیرایی و لطافت اثر می افزاید . طرح ، دیزاین و صفحه بست کتاب

نیز در خور تقدیر است . تصویر صفحه اول پشتی متناسب با روحیه

متن کتاب است و می تواند بیا نگر واقعیت هایی باشد که در سطرهای

کتاب میگردد . صفحات سوم و چهارم پشتی کتاب با زندگینامه

کوتاه و عکس مترجم و مولف آراسته شده که برای خواننده در شناخت

مترجم و مولف آراسته شده که برای خواننده در شناخت مترجم و مولف

یاری می رساند . این سنت در گذشته در کشور ما کمتر سابقه

داشته است . بسیاری از کتاب ها تالیف و ترجمه شده اند اما خواننده

ندیده نمی تواند در باره ی پردازنده ی کتاب اطلاعی بدست آورد . به امید

پیروزی های درخشان مترجم آگاه و پژوهنده ی ار زنده بر ید جنرال

گل آقا و موفقیت های روز افزون ریاست نشرات در بخش و چاپ

آثار مترقی و روشن کننده .

می دهد . این اثر می تواند ، دنباله کتاب های بی مانند ((انگلستان بر ضد افغانستان)) ، ((شیپور های پیروزی میوند)) به حساب آید . به این مفهوم که خالفین در این اثر نیز سیمای سیاه ، دو دژده و غارتگر انگلیس ها را نشان می دهد و پرده از روی یک سلسله حقایق برمی دارد . خالفین در کتاب «انتقام جویان جگدلک» که پاسبکی

دلپذیر و شاعرانه نوشته شده است تا بلو بی ترسیم می کند ، خواننده می بیند استعمار سیمای جوی انگلیس چنان قیافه های مزدور را به افغانستان گسیل می دارد و به این وسیله زمینه ی فریب توده ها را فراهم می آورد . در این کتاب سیمای پادشاهانی که دست نشانده ی انگلیس ها بوده اند نیز نمایانده می شود . کسانیکه با استعمار انگلیس در زدو بند های سیاسی بودند و باطنی سیاه داشتند اما در ظاهر سخن از خدمت به مردم و میهن پرستی می زدند توده ها را می فریفتند و هدف های غارتگرانه ی خود را دنبال می کردند .

همچنان در این کتاب سیمای سیاهکاران انگلیس نیز نشان داده می شود که به نام های گوناگون به فعالیت های ارتجاعی در خاک افغانستان پرداخته اند ، از اعتقادات ، دریافت ها و صداقت صمیمانه ی توده ها سوء استفاده کرده اند . برای آنکه بتوانند گردونه سیاست خرابکارانه ی خویش را بچرخانند در میان مردم تفرقه انداخته اند . اختلاف های زبانی و قومیتی و مذهبی را پدید آورده اند و این یکی از سیاست های شناخته شده و کهنه کارانه ی استعمار انگلیس بوده که از نیات پاک و اعتقادات مقدسات توده ها استفاده کرده اند .

فرهنگ بومی ملی را تحقیر کرده اند . ارزش های آنان را تخطئه نموده اند و بی فروغ جلوه

افغانستان با پنداشت اینک گاه بتواند در افغانستان دست و پایگاه شیطانی خویش را محکم سازد . آن گاه به آسانی تواند علیه کشور انقلاب اکتوبر به طعنه چینی نماید و به این وسیله از ورزش نسیم انقلاب در سرزمین های دیگر جلو گیری نماید . اما سلف فقط یک پندار تاریک و واهی نداشته است . یک آرزوی باطل که در گز به تحقق نتواند رسید . مردم افغانستان روحیه ی سرشار از غرور و پرستی دارند . خون آزادی در رگ رگ مردم آزاد و شورانگیز افغانستان موج می زند و باین حاصل اند که ترین تردیدی نمی توان داشت .

خالفین در کتاب ((شیپور های پیروزی میوند)) نیز خط قهرمانی ها ، دلاوری ها و پایداری های مردم افغانستان را دنبال می کند و در این کتاب خالفین نشان می دهد که مردم پیکارجوی افغانستان زبسان علیه استعمار انگلیس به پا میخیزند ، با مبارزاتی داغ سنگر های نامقدس استعمار را فرو می ریزند . در کتاب ((شیپور های پیروزی میوند)) خالفین این واقعیت مشهود را بیان می دارد که خاک افغانستان مانند دژی استوار ، خاریبین و تسخیرناپذیر و همه ی رویاهای دولت های امپریالیستی استعماری نمی تواند به جایی برسد و کارگر واقع شود . مردم افغانستان بر علیه پایگاه های نفرین شده و ارتجاعی انگلیس ، شیپور هایی را به صد ادرآوردند که پیروزی آفرید . نیروهای غاصب و تاراجگر عقب نشینی کردند .

و اما ، اینک ما سو مین کتاب از خالفین را که در باره ی تاریخ افغانستان نگاشته ((انتقام جویان جگدلک)) را در دست داریم ، خالفین در این اثر مطالعات ، تجارب و کوشش های خود را در زمینه ی افغانستان شناسی ادا نموده و تکامل

داده اند .

از اثرات سیاست خرابکارانه و تبلیغات زهرآگین استعمارگران بوده است که تا اکنون در کشور ما بسیاری از حرفه ها و پیشه ها که بازندگی مردم در ارتباط نزدیک بوده و است تحقیر می شود . از آن شمار است بافندگی ، نجاری ، سلما نی و گلکاری ، ندامتی و بسیاری از پیشه ها و حرفه های دیگر ، باری خالفین با دیدی آگاهانه وقایع افغانستان را به رشته ی نگارش درمی آورد . در کتاب ((انتقام جویان جگدلک)) به صراحت نشان داده می شود استعمار انگلیس هرگز و هیچگاه دوست افغانستان نبوده و اگر گاهی دست دوستی به سوی کشور ما دراز کرده است برای آن بوده که بتواند نقشه های خیانت کارانه و ارتجاعی خویش را دنبال کند و زمینه ی اسارت میهن و مردم ما را نشان دهد اما مردم افغانستان در طول تاریخ ، از خود مقاومت ورزیدند و شهادت نشان داده اند . ننگ شکست و گریز را نپذیرفته اند . در کارزارهای رهایی بخش و وطن پرستانه سهمی شایسته گرفته اند . خونهایشان سنگرها را رنگین کرده است اما عقب نشینی نکرده اند و این واقعیت تاریخی طی سه جنگ افغان و انگلیس به اثبات رسیده است و اکنون حتی دشمنان افغانستان به این حقیقت اعتراف دارند . خون فرزندان افغانستان کوهپایه ها و

کارزارها را رنگین کرده است و در فرجام خورشید آزادی درخشند مردم مرگ را پذیرفته و به پیشوازان شتافته اما به زبونی و اسارت تن در نداده اند . این مضمون در ادبیات میهنی مانیز تجلی و تابندگی داشته است در کتاب «انتقام جویان جگدلک» خالفین همه ی حالت های روانی مردم ما را نشان می دهد . نفرت عمیق و انزجارشان را علیه نیروهای غاصب تاجایی که احساسات وطن پرستانه ی مردم ما حتی در

بیا مو را نند و سپس مهارت پویا
شیدن لباس و بوت را به آنها یاد
دهند.

آموز گاران عالم فن تربیت
گویند که از اطفال یکنیم الی و
ساله تقاضای جدی باید شود
دستورهای والدین را اجرا
نمایند.

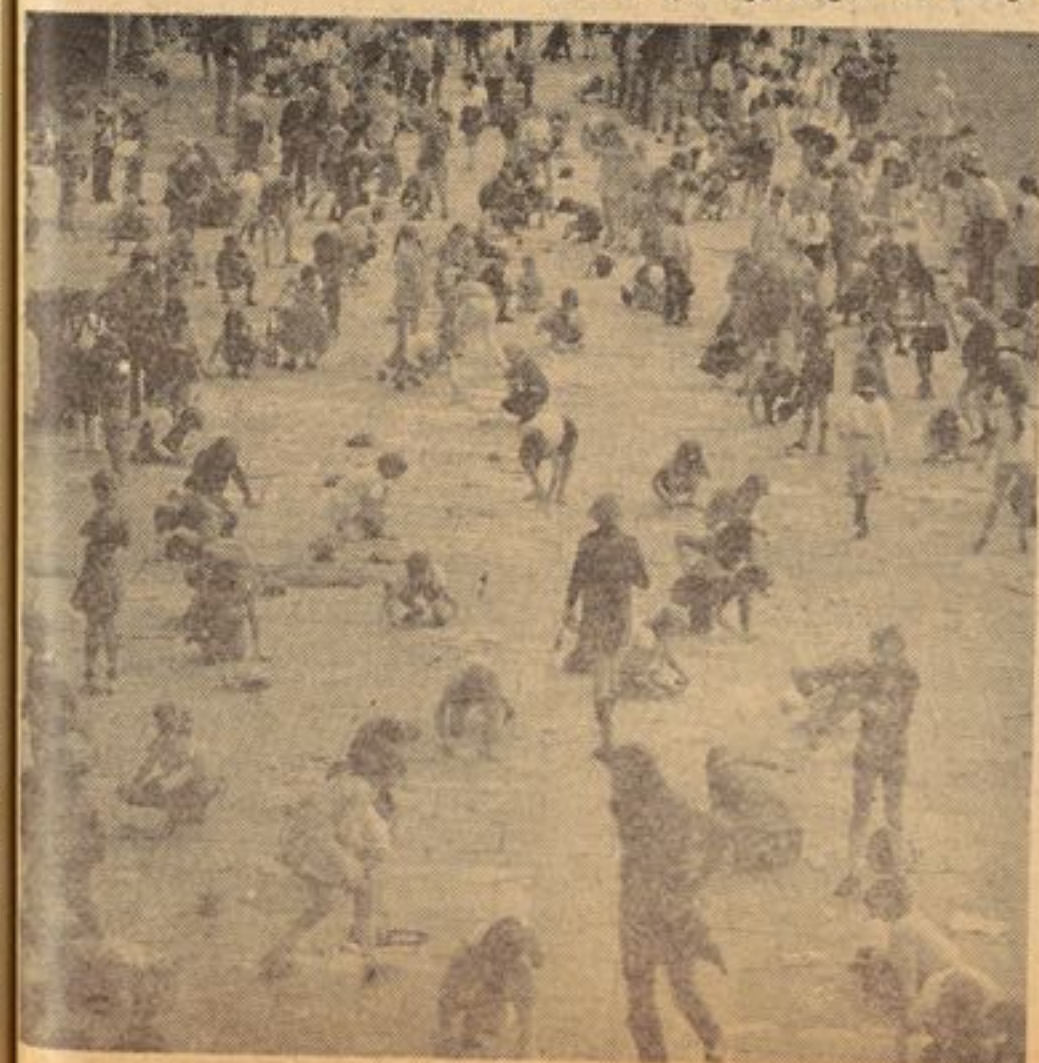
اطفال تقریباً تا سن سه سالگی
تلقین پذیر هستند باید سعی شود
راههای مثبت تلقین شود
مثلاً علیه گریه او از همسر
سن مبارزه صورت گرفته و کوب
شیده شود تا طفل بخندد و پس
هنگامی که آسیبی به او میرسد
باید گفته شود مهم نیست زیاده
افکار نشده است.

فعالیت اساسی اطفال قبل
از سنین مکتب عبارت از بازیهای
مختلف النوع می باشد. اطفال
آنچه را می بینند و می شنوند
بازیهای خود از آن الهام میگیرند
و این در شخصیت سازی آینده
آنها رول عمده ای دارد.

طفل در این دوره ممکن با همسالان
خود بازی کند و یا به تنهایی
که بازی تنهایی نیز برای طفل
مفید است. زیرا ذهن طفل را انگیزش
میدهد.

در صورتی که تقاضای مسلسل
و پیگیر و ضمناً واحد از طرف تمام
اعضای فامیل مخصوصاً پدر و مادر
و دیگر بزرگان صورت گیرد طفل
انضباط پذیر می گردد.

ناتمام



اطفال امروز

پوهنمل دکتور دوست محمد پروانی

تربیت و تاثیر آن در اطفال

تربیت اطفال ارزش و اهمیت
اجتماعی دارد. این صفات تربیتی
انسان در طول زندگی پرورش
می یابد. تربیت در دوران طفولیت
ارزش و نقش تعیین کننده دارد.

درین هنگام اطفال اکثراً نزد
والدین می باشند و به آنها نیاز
دارند.

ساختن بدن نوزاد طور نیست
که برای ادامه زندگی تا چهار
است، وابسته به دیگران باشد.
اطفال احتیاج به توجه دیگران
دارند اگر نیازی باشد او را
ها توسط دیگران پر آورده نشود
زندگی را دوام داده نخواهند
توانست.

تربیت از اوایل کودکی یعنی
از لحظه ای تولد شروع و خصوصاً
صمیمت سیستماتیک را دارا میباشد
حس شنوایی و بینایی طفل به
شکل تدریجی رشد و انکشاف می
یابد تا به وسیله آن اشیاء و محیط
ماحول را تشخیص دهد.

طفل در دو الی سه ماهگی
عکس العملهای از خود نشان می
دهد که مشابه به بزرگسالان است.

برای اطفال باید بعد از تولد
رژیم معینی به منزله عوامل ظاهری
و خارجی یاد داده شود تا به وقت
معین بخوابند - بیدار شوند و

تغذیه شوند.
درین دوره اطفال باید برپایی
ها جلب و جذب شوند. یعنی در
کنار بستر طفل سامان آلات مختلف
بازی که دارای رنگهای آبی -
رزد - گلابی - سرخ و غیره باشد
قرار داده شود محققین معتقد اند که
برای اطفال زمینه مساعد شود.

تادر سالهای اول زندگی نغمه
های موزون بشنوند تا حس زیبا -
بی و خوشی را در زندگی آنان
پرورش دهد.

واکنشهای اولیه طفل در
برابر اشخاص مثبت است یعنی
هنگامی که شخصی با او حرف می
زند. به او تکریم و آگاهانه
تبسم می کند.

مسلم طفل قبل از سه ماهگی به ما در
که نزدیکترین فرد به او است
عکس العمل نشان میدهد.

حالت روانی ما در در تغییر
حالت روانی طفل مستقیماً دخالت
دارد.

بدین لحاظ اطفال در سالهای
اول زندگی باید طرز پر خوردها
دیگران را فرا گیرد محبت، نوازش
و سخاوت را بیاموزند. در وقت

و توجه نه تنها به والدین بلکه
به دیگران نیز داشته باشند.
اطفال در این دوره بسیار
مقلد بوده آنچه بزرگسالان انجام
میدهند آنها نیز تقلید مینمایند.
درین مرحله اطفال در حالت
آموزش می باشند پس والدین
باید در همین هنگام آداب غذا -
خوردن نشستن و غیره را به اطفال

تعلیم و تربیه و نقش آن در حقوق طفل

مکاتب و همچنان تعلیمات مسلکی و کودکان ها که امروز در جهان معاصر از جمله حقوق طفل مورد بحث قرار می گیرند .

چنانکه یکی از این فرا مین که همه مسائل مربوط به حقوق طفل را در بر می گیرد به ما ذیلا تکلیف وظیفه مینماید :

۱ - برابری تمام اتباع افغان - نستان در برابر تعلیم و تربیه صرف نظر از ملیت - جنس - اعتقاد و مقام اجتماعی .

۲ - تعلیم و تربیه اجباری و رایگان برای تمام اطفال کشور که قابلیت سن شمول به مکتب را داشته باشند .

۳ - فرا گرفتن تعلیم و تربیه به زبان های مادری .

۴ - رایگان بودن تمام انواع تعلیم و تربیه و تداوی و شاگردان مکاتب .

۵ - یکسان بودن سیستم تعلیم و تربیه در تمام کشور .

۶ - ارتباط مستقیم تعلیم اطفال با مسائل تربیتی و انسجام آن با زندگی و کارهای علمی .

۷ - دادن جنبه علمی و عملی به محتوای تعلیم و تربیه و بهبود انکشاف دایمی بر مبنای علم - تخنیک - کلتور و هنر معاصر .

تمام مواد فوق الذکر به صراحت از حقوق طفل - تعلیم و تربیه رایگان با شرایط مناسب تعلیمی و جسمی و انکشاف آنها تذکر میدهد . امحاء بیسوادی در سر تا سر کشور که وظیفه مبرم وزارت تعلیم و تربیه را تشکیل میدهد و حتما تنویر اذهان والدین را بر می آورد در انکشاف تعلیم و تربیه و حقوق اطفال نقش بسیار موثر دارد .

در جمهوری دموکراتیک افغان - نستان تعلیم و تربیه تنها حق نه بلکه وجیهه اطفال شمرده شده است .

لت و کوب و مجازات جسمانی شاگردان جدا منع گردیده است - از حقوق والدین است که بهر زبانی که خواسته باشند طفل شان تحصیل نمایند .

و جوانان کشور میباشند . چنانکه ماده (۲۶) اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان که یکی از بزرگترین دست آوردهای مرحله نوین و تکاملی انقلاب شکوهمند نور است چنین تصریح مینماید :

((خانواده - مادر و طفل تحت حمایت خاص دولت قرار میگیرد دولت در مورد صحت مادر و طفل توجه خاصی مبذول میدارد و جهت ایجاد شرایط مساعد تحصیل در مسلک و تدارک کار تدا بی - لازم اتخاذ مینماید .

ارگانهای دولتی - سازمانهای اجتماعی و مکاتب موظف اند در تربیه اطفال خانواده ها کمک کنند .

دولت مواظبت جوانان را بعهده میگیرد برای آنان امکانات تعلیم و آموزش مسلکی را فراهم میسازد جهت تأمین کار به آنان ایجاد شرایط مساعد جهت تربیه معنوی و اخلاقی رشد جسمانی و اشتراک و سیمع خلاق در اعمار جامعه نوین مساعدت میکند)) .

بسیاری از فیصله های شورای انقلابی و تصامیم کمیته مرکزی گواه آنند که مسئله حقوق طفل در جمهوری دموکراتیک افغانستان موضوع مبرم و حیاتی شمرده شده و وزارت تعلیم و تربیه همواره با تلاش خستگی ناپذیر در تطبیق آن از خود مساعی به خرج داده است موضوعات انتخاب لسان برای تحصیل طفل - حق تعلیم و تربیه برای تمام اطفال کشور - حقوق و مسئولیت های والدین در امر تعلیم و تربیه مدت تحصیل اطفال در

جهل و امراض ستم ملی و همه مظالم عقب ماندگی از کشور نابود گردد و جای آنرا امید و خوشبختی - ترقی و رفاه صلح و آرامش بگیرد .

هویداست که از حقوق طفل نمیتوان به صورت مجرد و انتزاعی بدون در نظر گرفتن شرایط و مراحل اجتماعی - اقتصادی - سیاسی و فرهنگی صحبت کرد طفل در آغوش ما - در جامعه عقب نگه داشته شده ما - در پرتو اقتصاد ضعیف ما است و هیچگاه از ذهنیت ما جدا نیست . واضح است که اکثریت عظیم اطفال کشور ما از نعمت تعلیم و تربیه و سواد محرومند . چطور امکان دارد که حقوق اطفال را جدا از همه ملاحظات مورد مطالعه قرار داد !

خوشبختانه با انقلاب بیروزمند نور این همه آرمانهای ما رنگ و حقیقت بخود میگیرد و ما را در کار و پیکار به خاطر آرمانهای مشترک مردم دلگرمی میدهد .

پرواضح است که حمایت از اطفال و نو جوانان و ایجاد شرایط مساعد به خاطر انکشاف معنوی و جسمی آنان از وظایف مبرم دولت جمهوری دموکراتیک افغان - نستان است .

اصول اساسی جمهوری دمو - کراتیک افغانستان فرا مین شماره (۲۶) و شماره (۲۸) شورای انقلابی بیانیه ها و رهنمایی های رهبران حزبی و دولتی همه موید اینست که حزب دموکراتیک و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان باتمام ارگانهای خویش در تلاش انکشاف معنوی و جسمی اطفال

تعلیم و تربیه همگانی و آماده ساختن نسل جوان به کارها و فعالانه آگاهانه و خلاقانه که هدف آن رشد اقتصاد - فرهنگ و ارتقاء سطح زندگی مردم باشد یکی از مسایل نهایت مهم و وطن ما است .

از آنجاییکه اعمار جا معه دمو - کراتیک بدون تحولات عمیق بنیادی در ساحت کلتور و دیگر ساحت های حیات معنوی کشور غیر ممکن است . بناء در مرحله کنونی انکشاف کشور ما بنیاد یک سیستم جدید تعلیم و تربیه که بازمان و آرمانهای زحمتکشان افغانستان توافق داشته باشد نهایت ضرور است . تا اینکه سیستم جدید به نسل جوان ما نه تنها معلومات عمومی بلکه معلومات مسلکی حیاتی نیز داده بتواند . تجدید سیستم تعلیم و تربیه ایجاب می کند که ساختار تعلیمی مکتب - محتوی تعلیم و تربیه میتود های تدریس تغییر نموده و سطح آگاهی کادرهای معلمان ارتقا داده شود . از آرمانهای ما بوده که :

جوانان کشور عزیز ما سازندگان جامعه نوین دموکراتیک باشند و در تحولات انقلابی اجتماعی و رفیع عقب ماندگی اجتماعی - اقتصاد و انکشاف فرهنگ ملی حصه بگیرند به زبان مادریشان مطابق به استعداد های خویش آزادانه تحصیل نمایند . تعلیم و تربیه حق و وجیهه هر فرد بوده و همه میتوانند از تحصیل بهره مند شوند .

از آرمانهای دیرینه ما بوده است که تبعیض - بیسوادی -

زنان در پروسه انقلاب

زنان پیروزمی شوند

سه سال و چندماه از پیروزی انقلاب شکوهمند و ظفر آفرین نور در کشور ما میگذرد .

این انقلاب که در اثر یک جهش ملی و به خاطر تحقق همه آرمانهای انسانی مردم ما ، به خاطر پایداری بخشیدن به روابط و ضوابط غیر انسانی بهره گشتی انسان از انسان و به خاطر خاتمه دادن به همه انگیزه های بیماری ، فقر و بیسوادی در میان توده های وسیع زحمت کش مردم میهن ما به پیروزی رسیده شده است از همان آغاز علیه همه نماهای زور و زورگویی استثمارگران ، غاصبان و چپا و لگران ، علیه هر گونه انارشیزم و بی عدالتی در سطح ملی و جهانی و علیه همه انواع مظالم و ستم به پا خواست و اینک خواست ملی بود که از نهاد ملت بر خواسته بود ، فریادی بود که خاستگاه آن گلوئی همه ملت بود و قیامی بود که در آن زن و مرد و پیر و جوان همه یکسان در یک ردیف بپا خواسته بودند .

این فریاد و این قیام پشت امپریالیزم جهانی را لرزاند دست خونین او را برای دروازه های و پشته سازی از کشته های انسانی از آستین بدر آورد .

همه نیروهای ضد ملی و اهر یعنی - همه آنانیکه دشمن این وطن و مردم این میهن و دشمن آزادی و آزادی و صلح و برابری بودند در این اتحاد نامقدس سهم گرفتند تا پایه های نظام مردمی تازه استقرار یافته در کشور ما را فرو ریزانند .

آنها این شیطان منش های آلوده دست به اسلحه بردند ، مکاتیب و کتابخانه ها را به آتش کشیدند جوانان ما را در خون های گرم شان آغشته ساختند . مادران را به سوک عزیزان شان نشاندند و فاجعه بی رابه وجود آوردند که از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب کشور هیچ مادری هیچ پدری و هیچ خواهر و برادری را بی داغ نگذاشت .

و تاکنون همه این عزا و عزاداری ادامه دارد .

خواهران رزمندگان و قهرمانان برای پایا بخشیدن به این درامه های غیر انسانی برای به دست آوردن و تائید صلح و آزادی برادری و برابری و برای اینکه انقلاب نجات بخش ما بتواند هر چه پیروز مندتر و شکوهمندتر به پیش رود و ارزش های انقلابی یعنی کار برای همه و نان برای همه و لباس برای همه را موفقانه بخش و پیاده نماید باید در فکر ایجاد جبهه واحد ملی بود جبهه واحد ملی یعنی استقرار گاه همه نیروهای انقلابی در راه دفاع از انقلاب و تازمانی که دیگرگر سنگی در میان مردم ما نباشد و قحطی انسان را ببلع نکند و فقر و بیسوادی انگیزه ساز مصایب اجتماعی نگردد با این دفاع از دست آورد های انقلاب میتوان سپاهی خوب انقلاب محسوب شد .

ما زنان و مادران افغانستان انقلابی : در این دوران خون و آتش به مشابیه نیمی از پیکر جامعه خود نمیتوانیم در برابر منافع ما در وطن بی تفاوت باشیم .

مادر این فرصت از حساس ترین زمان تاریخی سوگند یاد میکنیم که برای ایجاد یک جامعه رفیع تا آخرین قطره خون خود از انقلاب مردمی خود پاسداری نموده و با خون خود ریشه آنرا آبیاری می نمایم .

مابه همه ی زنان کشور به همه آنانیکه احساس مادر دارند و به همه آنانیکه می خواهند خا نواده های آن ها کانون آموزش و پرورش بهترین فرزندان کشور باشند و به زنانیکه سالهای سال زنجیرهای فرسوده برده گی بدست و پای شان سنگینی می کرد . اعلام میداریم که در این جبهه مقدس با ما یکجا شوند و در بقیه در صفحه ۳۵

زن در فراخنای پر خم و پیچ تاریخ ضربه کوبنده و مرگباری بر پیکر هیولای هول انگیز امپریالیزم وارد کرده و فعلا نه در مبارزه علیه ازدهای سه سر ارتجاع ، استبداد و استعمار شرکت ورزیده است .

زن که در روند تاریخ در زیر غل و زنجیر سهمگین زندگی به وحشیانه ترین شکلی در تحت استبداد طبقات حاکم ستمگر برده دار و در حصار کار و پیکار خانواده و جامعه غدا میکشید سر انجام توانست در جریان پیکار خونین و زنجیر گسل باشها مت و قهرمانی بدیوار پولادین استبداد شکاف عظیمی را ایجاد نماید و حماسه توانایی و قدرت پیکار خود را برای سازندگی زندگی نوین به اثبات رساند .

زن نقش زنجیر شکن و حماسه ساز خود را در کنار همه پیروان آزادی ، صلح و ترقی علیه دولت اندیشه های خلاق مارکس ، انگلس ، لنین نه تنها پروسه رشد و تکامل جامعه و جهانی را صمیمانه رجوع در صفحه مقابل



مالکیت اجتماعی بروسایل تولید
میتواند از مقام و پرستی و سبیل
معمولی تولید بودن را رفع نماید.
همچنان مارکس و انگلس در اثر
مشترک خود (خانواده مقدس)
بر خورد بپر حمانه بورژوازی را
در برابر مقام زن همه جانبه تحلیل
و بررسی مینمایند و آشکار میسازند
که رنج و بد بختی فقر و کمر سنگی
زاد جوامع طبقاتی بیشتر از همه
زنان و مادران احساس مینمایند
لینن رهبر گرامی خلقهای جهان
باطراح این مسئله که (هیچ جنبشی
بدون دخالت زن توده ای نیست)
خدمت ارزشمند و قابل قدری را
جهت احیای حقوق زن در همه
عرصه های زندگی انجام میدهد.
لینن اندیشه های خلاق، مارکس
و انگلس را در ارتباط مسئله زن
مطابق به شرایط رشد پیاپی بنده
کنونی بسط و توسعه داده در پیش
از پنجاه اثر لینن توضیحات مربوط
به پرابلم های مسئله زن را می
یابیم که در مورد وضع زن و اطفال
در جامعه سرمایه داری در باره
نقش ارزنده جنبش زنان و شرکت
شان در مبارزه دوران سرمایه داری
کارگر سهم زنان زاد امر انقلاب
مفیدیت شان در ساختن جامعه
نویس و بالاخره در مورد جنبش بین-
المللی زنان را بازش می
ارائه نموده است. لینن در اکثریت
آثارش بر خورد جابرا نه و غیر انسانی
جوامع طبقاتی را در برابر زنان
افشای مینماید. وضع رقتبار زنان
دهقان را که عمق زمین را می شکافند
و تحمیل کارهای توان فرسای
کارگران و اطفال را شددیده امورد
انتقاد قرار میدهند و متذکر میگردد
که این بیعدالتی در برابر زنان با
شرایط نامساعد بهداشتی و ادامه
نامحدود وقت کار در برابر مردان
چیز پیوند ناگزیر دارد لینن در عین
زمانیکه استثمار ظالمانه زنان را
توسط بورژوازی تقبیح مینماید و لی
شرکت آنان را در تولید مثبت

بخت تاثیر خود آورد بلکه عمده ترین
پرابلمهای جهانی یعنی آزادی زن،
شرکت زنان و جنبش های انقلابی
حق مبارزه برای زنان جهت کسب
حقوق مساوی با مردان در خانواده
جامعه تحکیم امر صلح و نیرومندی
یکار ظفر نمون آزادی بخش مالی
دموگرافیک را عمیقاً به بررسی
اساسی ترین راه های حل رابرای
آنها ارائه نموده اند ولی ایدیولوگ
های طبقات حاکم ستم گر
پیش مانه تلاش ورزیدند تا
بدیشه های میان تهی خود را
در ارتباط عدم تساوی حقوق زن شکل
توانی بدهند و مذبح خانه سعی
نمایند تا بر خورد غیر انسانی طبقات
حاکم را در جوامع استثمارگر و
در زیر پرده عوامل چون ناتوانی
ساختن جسمانی و فیزیولوژیکی
نداشته و اشته مینمایند که گویا
زنان قادر به انجام وظایف بزرگ
نیستند.

مارکس و انگلس بنیان گذاران
نظری علمی برای اولین بار سر
سرم بندی های ارتجاعی راد
ورد علل بی حقوق زن در هم
گوبیده و قاطعانه به اثبات رسان
دادند که به اساس کشیدن زن
در همه شئون زندگی عوامل اقتصادی
اجتماعی دارد نه بیولوژیکی.
پرا ظهور مالکیت خصوصی بر
سایر تولید و تقسیم جامعه به
طبقات متخاصم عامل اصلی، به
سارت کشیدن زنان محسوب
میکردد.

پیدا ییش طبقات متضاد در جامعه
از یکسو زنان را از لحاظ اقتصادی
شوهر و پدر وابسته ساخته
استقلال اقتصادی زنان را از بین
برد و از جانب دیگر زن به حیث
مقتان و کارگر به اسارت
استثمارگران درآمد.

از همین لحاظ است که مارکس
و انگلس در اولین سند برنامه
بر کسبزم «نیفست» حزب
نویسند نوشتند فقط بر قراری

بعد از پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر
نه تنها مسئله آزادی زنان تضمین
گردید بلکه حکومت شوروی با صدور
فرمانهای قاطع، تساوی حقوق زنان
را در ساحت عمل پیاده نمود لنین
در سال ۱۹۱۹ با افتخار چنین
گفت: حکومت شوروی به مثابه
قدرت زحمتکشان در اولین روز
های استقرار خود با هر آنچه که به
اسارت و حقارت زن منتج می
گردید مقاطعه نمود و گام های
وسیع جبهت تامین حقوق زنان
برداشت. حزب کمونیست اتحاد
شوروی تنها به مساوات زنان در
حکومت قانون اکتفا نکرد بلکه
برای تامین در همه عرصه های
زندگی عملاً یکبار نموده است.

لینن یا داور میشود که جنبش
کارگری فقط برای تساوی ظاهری
نه بلکه هدف اصلی آن تساوی
حقوق زنان در ساحت اجتماعی
و اقتصادی میباشد. چنانچه سو-
سیالیسم زمینه های گسترده برای
همه زنان جهت استفاده از حق کار
را مهیا نمود که این واقعیت انکار
پذیر ارمغان آور تا مین حقوق مساوی
زنان بامردان بود. لینن به شرکت
زنان در امر تولید اجتماعی اهمیت
زیادی قایل بود و متذکر میگردد
که برای آزادی کامل زنان و برای
تساوی حقوق زنان بامردان باید
که اقتصاد شکل اجتماعی به خود
بگیرد و نقش ارزنده زن در کار
بهره دهی متباز گردد. این یگانه
شرط برای تامین تساوی حقوق
زنان بامردان به حساب می رود
(کلیات جلد ۱۵ صفحه ۳۰).

شرکت زنان در تولید اجتماعی
بعد از انقلاب عمده ترین عامل
رشد محتوی و ارتقای شعور سیاسی-
سی زنان بشمار میرود.

باقیدار

و مفید میداند زیرا سهم در تولید
زن را از حلقه محدود خانواده و
مطبخ بیرون میکشد. شعور طبقاتی
و آگاهی سیاسی را در زنان بیدار
میسازد و برای آنان زمینه آشنایی
با جنبش را مساعد می سازد لینن به
کرات ضرورت شرکت فعال زنان
زاد جنبش انقلابی ثابت مینویسد
تکامل انقلاب سوسیالیستی امکان
پذیر نیست اگر عده بزرگی از زنان
زحمتکش در آن شرکت فعال و قابل
ملاحظه ای نداشته باشد لینن کلیات
جلد (۳۷) صفحه (۸۵).

لینن روی این موضوع همیشه
تاکید میکرد که جنبش زنان باید
توده ای باشد و میگفت که در جوامع
طبقاتی زنان زحمتکش بار استثمار
دوگانه راروی دوش خود احساس می
کند از یکطرف به حیث زنان کارگر
و دهقان مورد ستم و تحقیر قرار
میگیرند و از سوی دیگر نه تنها از
لحاظ قانونی از تساوی حقوق بهره
نمیبرند در همه عرصه های زندگی اعم از
سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بی بهره
اند بلکه به اساس رسو منحت و
خرافی عملی به مثابه بردگان
منحصر به خانواده به خانه باقی
مانده اند.

نباید فراموش کرد که همه زنان
وابسته به طبقات دیگر وضع رقت
آور عدم تساوی حقوق را متحمل
میکردند از اینرو علاقمند پیروزی
مبارزه زنان برای کسب حقوق
مساوی در همه جبهات زندگی اند.
لینن همیشه تلاش داشت تا فریب
واغوای جهان سرمایه داری را در برابر
زنان افشای نماید و زمینه های
توجه و علاقمندی آنان را به جنبش
انقلابی معطوف نماید و از همه امکان-
ات جهت تربیه کادرهای فعال
پرو فیشنل که علاوه بر دیگر مسایل
فعالیت های تبلیغاتی را جهت آگاهی
شعور طبقاتی بین زنان سرمایه داری
دهند. عمیقاً بذل توجه مینمود.



زنان مبارز فلسطین علیه صهیو نیست ها می جنگند .

نقش زنان فلسطین در مبارزه علیه صهیونیسم

ترجمه از مصری احمدی

کشتار هزار ها مرد ، زن و طفل شده بودند انجام دادند .

اگر ما در باره آنهمه جرایم ، تجاوزات ضد انسانی ، قتل های عمومی و مداوم صهیو نیست ها که بمردم مبارز فلسطین روا داشته اند چیزی بنویسیم کتاب ضخیمی از آن ترتیب خواهد شد .

مینا خیم بگین و مزدوران تروریست وی مرتکب بسیاری از این اعمال ترور یستی و دهشت افگنی در سر زمین فلسطین شده اند .

با رعایت این نکته باید متذکر شد که بسیاری از کسانی که از فلسطین اخراج شدند زنان بودند که یازده فیصد آنها را زنان حامله تشکیل میداد .

در سال ۱۹۶۸ زنان فلسطین با پیوستن به صفوف قوای مسلح مبارزات پیگیر خود را علیه صهیو نیست های اشغال گر آغاز نمودند این بدان معنی نیست که زنان قبل از این تاریخ در مبارزات سهم نمی

زنان فلسطین رول عمده و مهمی را در راه مبارزه علیه اشغال صهیو نیستی فلسطین بازی نموده اند ، آن ها از طریق ساز مان های مقاومت بر ضد اسرا ئیل اشغالگر به مبارزه پرداختند .

جنبش مقاومت زنان فلسطین در مبارزات مخفی علیه دشمنان اشغالگر رول عمده و بارزی را بازی نموده اند .

در سال ۱۹۴۸ زنان فلسطین گروهی انقلابی ایرا تشکیل دادند و از طریق این گروه به مبارزه پرداختند .

وظیفه این گروه زنان انتقال اسلحه و تجهیزات به انقلابیون بود بسیاری زنان فلسطین در این عملیات نظامی سهم ارزنده یی را ایفا نمودند .

زنان يك سلسله اعمالی را برای امحای صهیو نیست ها و افشای هر چه بیشتر اعمال ترور یستی و وحشیانه آنها که باعث قتل عام و

گرفتند ، اما بعد ازین تاریخ زنان مبارزات خود را علیه صهیو نیست ها ازدیاد بخشیدند .

بسیاری مادر ان فرزندان خود را هنگام پیوستن با سازمان آزاد یبخش فلسطین و مبارزه علیه اشغالگر ان صهیو نیست از دست دادند .

زندانیهای صهیو نیست ها مملو از دختران مبارز و زنانی می باشد که به وضع رقت بار و طاقت فرسا فشار و شکنجه متحمل گردیده اند .

فدرا سیون عمومی زنان فلسطین به صورت منظم فعالیت های زنان را در ساحه سیاسی تنظیم نموده و نقش دایمی و عمده یی را در حیات اجتماعی زنان فلسطین بازی کرده است .

به همین ترتیب فدراسیون عمومی زنان فلسطین به اساس ارتباطی که با بسیاری سازمان های جهانی زنان دارد ، مقام حیثیت و بعد مبارزه زنان فلسطین را به جهان نیان شنا سیده است .

تا اکنون فدرا سیون عمومی زنان فلسطین در راه تربیه و پرورش زنان تلاش زیاد نموده است . تا آنها بتوانند از انقلاب و آزادی فلسطین دفاع نموده و علیه صهیو نیست های اشغالگر به مبارزه پرداخته و نقش پر جسته یی را در ین راه بازی نمایند .

قابل یاد آوری است که زنان فلسطین در تمام ساحات مبارزات سیاسی نظامی علیه صهیو نیست های اشغالگر و تجا وزات شان سهم عمده داشته اند .

گروه های گور یلایی زنان فلسطین بدشمنان درسهای فراموشی نداشتنی داده و اعمال توحشی بدشمنان آنها را در مقابل چشم جهانیان افشاء نموده اند .

زنان فلسطین همیشه به مقابل صهیو نیست های اشغالگر مقاوم نموده اند و می خواهند در تحقق دست آورد های انقلاب و تامین آزادی سهم کامل بگیرند .



به ادا مه گذشته

فدراسیون

دمو کراتیک

بین المللی زنان

سنگر فاشیزم این هیولای تنگین قرن ما، زنان کشور های مختلف نمونه های شهنشاهت و فداکاری را بنام انسان و زنندگی ایجاد نمودند از گران تا کران، اینجاد در فرانسه و یوگوسلاویا، پولند و ایتالیا، دنمارک و سرزمین وسیع کشور شوراهای زنان در جنبش مقاومت پارتیزانی فعالانه شرکت داشتند آنها سلاح بردوش می جنگیدند، بارسانیدن آب و نان، تجهیزات نظامی و اطلاعات دقیق از پلانهای دشمن، نجات پراشتوسنها و مخفی کردن پارتیزانها افسانه ها آفریده اند.

آنگاه که نینا با یوفه رئیس کمیته ضد فاشستی زنان شوروی عقب تربیون گنگره قرار گرفت و واقعیت های افسانه نوی پیکار و شهامت، وطنپرستی و رزم مجویی زنان کشورش را بیان داشت، همه نمایندگان به پا خاسته و طنین عیجان انگیز کف زدنهایشان احترام بزرگی را در برابر زنان قهرمان شوروی افاده می نمود. نینا با یوفه سالها ی فراوانی از دلاوری و شجاعت زنان شوروی را در شرایط جبهه و در عقب آن یاد آور گردید.

آواز اناباو لولا دختر جوان لنینگرادی سخن زد که در نبرد دشوار روی روی بادشمن مجهز و کثیر العسده شرکت ورزیده بود. وقتی فرماندار قوامورد اصابت گلوله دشمن قرار گرفت، انا در پیشاپیش سپاهیان قرار گرفته آنانرا به عقب خویش تا فتح و غلبه بردشمن گشاند. ولی قلب آکنده از عشق او نسبت به مادر و وطنش نشستگاه گلوله دشمن شد و از طیش ماند، در یاد داشت های که از انابجا مانده نوشته شده است:

((من به سر نوشت میهنم همواره می اندیشم، تو گویی که من و سرزمینم موجود واحدی هستیم، سعادت و تبسم خویش را در سعادت وطن جستجو دارم، آنگاه که صدای نفرین شده گلوله گوشم را می خراشد و یا نا زیبا که کاخها و خانه های لنینگراد را ویران می کنند چنین می پندارم که گویا قلبم را نشان قرار داده اند و فریاد و جدام را می شنوم که میگوید جسور و صادق باش و یکجا با سپاهیان و وطنم بزم)) این کلمات ساده ولی با عظمت احساس و اراده میلیونیها را

خیزیم و سکوت اختیار نمییم، بیایید دوستان تا به خاطر بزر بشریت از جنگال فاشیزم سوگند یاد نماییم که به خاطر ایجاد و اعمار دنیا ی جدید و زیبا مانند مشت پو لادین یکپارچه می شویم. کلیه نمایندگان گنگره از قهرمانیها و حماسه آفرینی های زنان کشور های شان سخن پر داختمند و نقش پر از ج آنان را در شرایط داغ و استوار جبهه ترسیم نمودند از زن، از رزمندگی های او، از احساس و عشق پر شورش نسبت به کودک و آینده کودکش از نیرو و توانایی او که همپا و همسنگر با مردان موضع دشمن را فرو ریخته بود سخن در میان بود.

زنان که با قلب فراخ و تحمل مادر ی بیش از هر کسی دیگر مصیبت جنگ برشانه های شان گران میگرد شعارشان این بود، اگر سلاح دست داشته برای تان کفایت نمی کند اما انواع جدید آنها در جنگ بی امان بادشمن، در شیوه های مردن به خاطر زنندگی جستجو خواهیم کرد)) در پیکار مرگ و زنده گی در مبارزه بخاطر شکستن

زنان در سالون دوستی شهر پاریس زنان با رنگهای مختلف، فرستاده گان زنان امریکا، هندوستان چین، مصر و دیگران حاضر بودند و با فریاد طوفانی خوش صدای میلیونها زن کارگر، رنجبر نقش دانشمند، داکتر، زنان خانه، دادگر بازی و روشنده و اهل کسبه را به گوش جهانیان رسانیدند. اکثر شرکت کنندگان گنگره نشانیهای فراوانی که سمبول تقدیر بشریت از شرکت حماسه آفرین آنان در جنبش مقاومت و رها یی بخش ضد فاشیستی است بر سینه داشتند.

اوژنی کو تون رئیس کمیته وقت تدارک و تدویر گنگره جهانی زنان در حالیکه اولین گنگره بین المللی زنان را می گشود چنین بیان داشت: شعله احساس واحدی سرپای همه ما را می سوزاند. به یاد آورید قربانیان ما را، مجروحین و معیوبین ما را، آنانی را که سعادت و آینده خویش را جا و یدانه دریای بشریت ریخته اند.

بیایید دوستان تا به خاطر بزرگداشت قهرمانی های آنان به پا

شوروی را تجلی می دهد. شرکت کنندگان گنگره مسایل پراهمیت و در دستور روز حیات زنان را ارزیابی نمودند و در برابر جهانیان تعهد سپردند که علیه فاشیزم، به خاطر صلح دوا مدار و دموکراسی تاپای جان می رزمند و به ارمان های زنان و کودک کان جهان وفادار اند و خواهند بود، به خاطر تائمین مساوات زن با مرد در همه عرصه ها و ایجاد لازم جهت رشد همه جانبه کودکان مبارزه می کنند در فضای گنگره همه نداها با هم آمیخته و غرش توانمندی واحدی را بوجود آورده بود که بیانگر حکم وجدان شرکت کنندگان این گرد هم آیی بزرگ بود. آنانرا عشق و احساس واحدی بهم پیوند داده بود نوای همگون قلب مادر و احساس نیرومند مادرانه این است زبان مشترک و سلیس زنان جهان که بوسیله آن صرف نظر از تفاوت های رنگ، پوست و فاصله های جغرافیایی عقاید مذهبی، سیاسی ولسانی همدیگر را عمیقاً درک می کنند.

تائین سعادت کودکان و آینده درخشان برای آنان انگیزه توانایی بود که زنان را از گرانهای دور دست به پاریس فرا خوانده بود. از تربیون اولین گنگره جهانی زنان سخنرانی های پر محبت، صمیمانه و عینی در باره مسئله کودک و حل نهایی آن صورت گرفت، از رنجها و مصیبت های کودکان از زنده بگور شدن و سرازیر شدن شان به کوره های آدم سوزی فال شیرم سخن به میان آمد. نمایندگان گان گنگره فاکتها و ارقا می را به پیش کشیدند که نمونه های روشنی از تحقیر، شکنجه و محرومیت افکار بوده است.

در پیام گنگره خطاب به زنان جهان آمده است تا زنان سراسر جهان همه نیروی خویش را در جهت دفاع از صلح، دموکراسی و علیه وحشت استعمار تجهیز نمایند. گنگره در برابر سازمانهای دموکراتیک ملی زنان کشور های مختلف جهانی وظیفه گذاشت تا به خاطر رسیدن به حقوق مساوی، حق تحصیل، حق کار، و استراحت کسب دستمزد مساوی در برابر کار مساوی با مرد و حق استفاده از بیمه های اجتماعی و تقاعد، بقیه در صفحه ۳۵

بگذشته‌ها گذشت

بگذشته‌ها گذشت و دیگر باز نیاید
چون رویای گمشده از دیده‌زمان
در خلوت سکوت رفتست گویا
پنهان شده بگور سیاه زوال
خویش

• • •

آن عصرها بر فت و پیر تحولات
پیمود راه خویش
خود را فرو کشید .
فرجام در پناه سیاهی قرنها

• • •

آن دوره‌ها گذشت و لسی در
خیالها
زان سرگذشت‌ها
زان رفته لحظه‌ها

از خود بیاد گار نهاده نشانه
ها

• • •

تاریخ باز بان ورق‌ها بیانگر
است

از ظلم جابران
وز آه مظلومان
گوید همیشه قصه حال گذشتگان

• • •

هر واقعه که در دل تاریخ ثبت شد
در روزگارها
زان گیر و دارها

بر روی صفحات هر آنچه نبشته
شد

آخر همه بروی زبا نه کشیده
شد

• • •

اما کنون که از بی‌سرگشت
گذشته‌ها

در سر زمین ما
خورشید با مداد سعادت دمیده
است

گرم و نوید بخش
خندد بروی توده زحمتکشان ما
با افتخار جنبش کاریگران ما

• • •

هشدار ای رفیق
وی ! همبرد من
این روزها و تست
ما و تو بهر مردم خود کار میکنیم
این ملک را بسعی خود اعمار

برزم ای ! همبرد

برزم ای ! همبرد ای ! قهرمان
ای ! پیشتاز جنبش زحمتکشان
وی ! گرد رزم آور
همه نابود گردانند
به جرم خود سیاه کاران استعمار
راخو شوند گردانند

• • •

برزم ای ! همبرد
ای ! قهرمان در سنگر داغ
دلیر و بی‌امان پیکار کن با خصم
افسونگر
آن آدمکشان زشت بدگوهر
کنون بر میهنت بیباک میتا زند
به هر جا دست می‌یازند
مکا تب را همی سو زندو

مردم راهمه یکسر
به بیرحمی زو حشت میکشندو
مال و دارایی آنان همی دزدند
تو
برزم ای ! همبرد

در جبهه‌های گرم با دشمن
که آن نا بخر دان
آن نوکران اجنبی
آن خود فروشان
بزدلی میسر سند آن جمع بد
کاران در کیفر
دیگر گم میشود آن سایه‌های
شوم اهر یمن
زکوه و دره وادی این میهن

از محمد عزیز «رویش»

عشرت

عاقبت کردی ز هجرا نت سیه‌بوشم دگر
کی شود چشمان شهلایت فراموشم دگر
عطر آغوشت بتا کی میرود از بستر م
کاش آبی یکشبی ای مه به آغوشم دگر
یادم آنروز یکه بو سیه‌م دوچشمانت را زشوق
بوسه‌ها دادی زلب‌ها و برودوشم دگر
باز رفتی از کنارم ای بت زیبا و مست
از فراقت خون دل هر لحظه‌می نوشم دگر

می پرستم چشم آهو را بیا دچشم تو
یک نگاه چشم مستت برده از هوشم دگر
کی بنوشم جرعه‌ای می رازهر پیما نه ای
نشانی لب‌های نابت کرد مد هوشم دگر

هر که را بینم که با عشرت‌لبی‌تر می‌کند
چشم خود از دیدن این ما جرابوشم دگر
گرچه رفتی از کنار رویش رنجیده ات
در ره عشقت غلام حلقه برگوشم دگر

بال عقاب

سلی دل غمدیده نا کام کنم
خون دل را بقدر ح ریزم و مینا مکنم
بود خون جگر خوردن و قانع بودن
چند ، تا چند می از میکرده ها وام کنم
نتوانم که بهر بزم ز بهر جامی
دست در دامن ساقی زده ابرام کنم
روز من تیره بسان شب دیجور بود
فرق نتوان که میان سحر و شام کنم
غم آید و گاه می الم و گاه تشویش
کوچنان فرستی تا یک نفس آرام کنم
ست مشکل که شود صید غزال به کمند
آهوی و حسی چشم تو چنان رام کنم
بال اگر وام بگیرم ز عقاب بی زبید
عار باشد زمکس بال و پری وام کنم
طرف خیره گی چشم و دگر سوپیری
من چه سان حوصله با این همه الام کنم
صرف آن ز به می و شاهد گلغام کنم
نهی دست نیم نقد روانم بکف است
من کجا گوش بحرف خرد خام کنم
کگوید که مکن عربده در بزم «نوید»

دیده و دل

در جهان جان من جوشش تمنایی
جنگل وجودم را ، جاودانه دریایی
لاله های امیدم ، از نمونمی ماند
دشت آرزویم را ، ابر رحمت افزایی
از زمین شوق من گل چمن چمن روید
در بهار احساسم ، گلشن شکوفایی
در قلمرو هستی ، شب چراغ جاویدی
اوج عشق انسانی حسن عالم آرای
در فضا ی دانش بهادر صفای بینشها
آفتاب اشراقی ، صبح نوربخشایی
قامت رسای تو سینه صفای تو
عالم دگر دارد ، در لباس خارایی
دیده و دل مارا ، نیست تاب دیدارت
در بغل نمیکنجی ، در نظر نمیایی

(زبه سواند)

دزبه بلبل

ستاد زلفو هر یو تار لکه سنبل دی
ورته سرمی به نغو دزبه بلبل دی
را کوی مبارکی د آسمان ستوری
چی اید لی می داستاد رخسار گل دی
تلوسی زما دوصل پسکی زانگی
چی خود گری تابه مخ بانگی کال دی
داجی سری وینی می خاخی نه بدن نه
سوری شوی به هجران زما گوگل دی
چی سپویمی ته شوهه خیره دواپو سترگو
ستاسایست وربانندی پو رته بویه سل دی
(دزبه سواند) خیری گریوان ته حیران گوری
نه پوهیژم چی پردی او که می خیل دی

شکوه از عشق

نشاط زندگی از من ربودی
توای عشق ، هم بلای عقل بودی
زدی آتش بجانم از غم دو ست
بجای مهر بردردم فرو دی
بتو تا آشنا شد این دل من
خوشی و عیش را از وی زدودی
زیارم شکوه ها کردم در یغا !
کنون دانم که خصم من تو بودی
امید شادمانی داشتم از تو
به جز رنج و غم و دردم نبود
ز چشم خواب و از دل پردی آرام
دیگر از بود نت مارا چه سودی
دراول مهر لیلا دادی بر من
در آخر (فیضی) را همچون نمودی



پدران و مادران بگذارید فرزندانتان خود زندگی کنند



نقشی را که امروز خانواده در حیات اجتماعی دارد خیلی ها ارزشمند و با اهمیت است . از این رو روابط خانواده باید طوری عیار باشد که اعضای آن بدورستی و بخوبی بتوانند زندگی را دنبال نمایند . متأسفانه در بعضی از خانواده های ما روابط طوری است که به مشکل می توان در آن زندگی کرد و همین اختناق در روابط خانوادگی است که بسیاری از اعضای خانواده را گریزان از خانواده می سازد .

مثلاً جوانی با صد ها آرزو میل میکند برای خویش زندگی تازه بسازد و شریکی برای این زندگی تازه بیابد . وقتی بعد از تعمق و تلاش زیاد بالاخره موفق میشود که شریکی برای زندگیش بیابد ، و یا با هزار آرزو بخاطر زندگی ایده آل اقدام به ازدواج میکند و زمانی که عروس به خانه خود می آورد بعد از چند روز یا چند هفته متوجه میشود که پدر، مادر ، خواهر و دیگر اعضای خانواده با همسرش بنای مخالفت و بد رویی می گذارند . این وضع برای جوانی که می خواست زندگی آرام و ایده آلی داشته باشد سخت گران می نماید و این امر باعث میشود که او زود از این زندگی خسته گردد . پس چه باید کرد ، و راه نجات از این وضع چیست ؟

به عقیده بسیاری از صاحب نظران اینست

که اگر امکان این باشد و اگر اقتصاد خانوادگی این اجازه را بدهد که زندگی مستقلی داشته باشند بهترین راه زندگی جداگانه و مستقل است . و اگر از نظر اقتصادی این امکان موجود نباشد ، بهترین روش اینست که اعضای دیگر خانواده نباید در امور زن و شوهر مداخله نمایند ، چه اگر قرار باشد که در هر موضوعی مداخله از طرف دیگران صورت بگیرد زندگی خود و دیگران را تلخ میسازند و فضای آرام خانواده را منقوش می سازند . بگویم که در بسیاری از خانواده ها بلند می شود و باعث بروز اختلافات در بین اعضای خانواده می گردد که همه اش از باعث عدم هم آهنگی فکری و عدم سازش در بین اعضای خانواده می باشد . پس ای خانواده های

محترم ، مخصوصاً روی سخن ما به آن پدران و مادران است که سعادت و خوشی خانواده خود را می خواهند از شما تقاضا میکنیم که در امور زندگی خصوصی فرزندان تان مداخله نکنید . حد اقل بگذارید آنها خود مسئول سر نوشت خود باشند ما نمی گوییم که آنها را رهنمایی نکنید ، ما نمی گوییم که از همکاری با آنها دریغ نمائید . خیر منظور ما این نیست ، شما با تجربه

اقتباس از آثار احسان طبری

برگرداندگی یا ترجمه به مثابه فن دشوار

بایروزی انقلاب ثور بویژه هر حلقه نوین و تکاملی آن که بر حق هر حلقه نجات انقلاب و مردم است زمینه های عینی گسترش انقلابی در عرصه های مختلف حیات اجتماعی و سیاسی منجمد در عرصه فرهنگی و نویسندگی بهمان آمده است که فعالیت در زمینه ترجمه آثار سیاسی و اجتماعی نیز ادامه و سیعی کسب نموده است ، ظهور این پدیده بخودی خود کار خوب و ارزشمندی محسوب میگردد . عواملی مختلفی مانند حس کنجکاری ، علاقه مساعدت به خوانندگان ، اشتیاق جلوه فروشی ، هوس وانگیزه های نیکوید دیگر ، مترجمان را وادار می دارد تا در عرصه ای گام گذارند که گاه برای آن تدارک لازم را فاقداند . برگرداندگی بخودی خود کار ساده ای نیست ، هر ترجمه خوب به دو شرط اصلی نیازمند است .

دقت و سلاست با هم به نحوی در تضادند ، سلاست در بیان ترجمه . هرگاه ما فقط دقت را مراعات کنیم ، تحت اللفظی و نا سلیس برگردانده ایم هر گاه تنها به دنبال سلاست برویم ، برگردانده ما عاری از دقت میشود .

یافتن بهترین پیوند بین این دو قسط متضاد کار ساده ای نیست و به تمرین طولانی نیاز دارد . برگرداننده باید بر زبانی که از آن ترجمه میکند مسلط باشد با موضوع ترجمه آشنا باشد ، مؤلف را بشناسد تا بتواند دقت را مراعات کند .

بر برگرداننده باید بر زبان خود مسلط باشد معادل لازم هر واژه ای را بداند ، ترجمه خود را با واری مکرر و سواس و صیقل کاری انجام دهد ، تا بتواند سلاست را مراعات کند .

که از زندگی دارید ، بهترین رهنمایی می توانید برای فرزندان تان باشید ولی خواهش میکنم از شما اینست که در امور خصوصی فرزندان تان مداخله نکنید . آن وقت است که شما می توانید با تفاهم کامل و باخوشی زیاد در پهلوی فرزندان زندگی سعادت باری را ادامه دهید .

وای از آن زمان که گرداننده زبانی را می خواهد از آن ترجمه کند ناقص و معیوب میداند با موضوع ترجمه آشنا نیست مؤلف کتاب را نه می شناسد در زبان خود تسلط ندارد معادل هارا در طول زمان تمرین نیافته و در عمل خود اشتباهات و بکار می برد این قواعد بدیهی را نمی شود حتی در مواردیکه ما با مترجمان باصلا حیت رو برو هستیم ، گاه عیب فطن سلاست ، ثقیل و دشوار مطالب ترجمه کاملاً به چشم می خورد یعنی ترجمه در دست است ، ولی نا هموار است . زیرا زبانی که اصل مهر نشان خود را در جمله نگاری اصطلاحات در زبان ترجمه باقی گذاشته است ، و مترجم جرات نکرده است ، قالب بیان اصل را بشکند و آنچنان که به دقت زبانی نیاز دارد و سلاست برد کند . اشکال مهم در این جا است که دستگاه زبانی (پشتو - دری) از جهت ذخیره لغوی و بافت دستوری با دستگاه زبان های اروپایی فرق زیاد دارد البته در اثر فعالیت مترجمان در سال های اخیر نزدیکی های بسیاری حاصل شده است ولی با این حال وضع بین دری و انگلیسی یکی نیست . زبانهای اروپایی تقریباً هم برداری از هم هستند و کار مترجم نسبتاً کار سهلی است . مصطلحات علمی در این زبان ها از ریشه یونانی و لاتین و مشترک است در (پشتو و دری) وضع چنین نیست و معادل یابی امری است تا حدی دشوار و ناکوفته و نادرسته و در آن معضلات حل نشده فراوان ، لذا عمل مترجم افکار آفرینش است و به قریحه و تخیل نیازمند است . مترجمان ما ، از بیم دور شدن از متن و بیابان قصد اثبات قدرت خود در ایجاد بیابان

مجموعه داستان‌های شیرین و شیرین



نمونه از کار سگندری که به شیوه زیبایی ترسیم شده.

مصحح متخصص در زبان دری یا پشتو داشته باشد تا مداخله سه تن، کار را از نقص های عمده نجات دهد.

میگویند ابو علی سینا بلخی یکی از آثار فلاسفه یونان را در ترجمه عربی چهل بار خواند تا از مضمونش (باحث ذهنی که داشت) سر انجام سر در آورد. شاید

این افسانه باشد و لی بهر جهت گو یای آن است که چنین ترجمه های وجود داشته است. مترجمان که در این کار تهرین طولانی دارند، درک می کنند که گام نهادن بی پروا

در این وادی، چه اندازه گستاخی است البته به قصد تهرین در نزد خود بلا مانع است. ولی برای عرضه داشت به خواننده باید خود را مسؤول دانست.

مترجم باید بتواند ترجمه را چنان ارائه دهد که از عیب های مؤلف بکاهد و نه بران بیفزاید. مترجم باید سطح فهم و روح خواننده را در پیش چشم داشته باشد و زمانی جمله را ترجمه کند که آنرا در تمام ابعادش درک و لمس کرده باشد می خواهیم ترجمه کنیم، مانعی ندارد و لی در نهج سنگین مترجم خوب بودن را هم بر خود هموار سازیم.

یابی میگویند باقی زبان های اروپائی ترجمه وایش را به سه می دارند که برای خواننده عادی می گسترده فهم است این در بهترین حالات است خصوصاً برای مترجمان صاف و ساده مطالب است اسرار پیچیده را نمی فهمند، جاهای را با خوش سرانه حذف می کنند مطالب را دست دادن و تلخیص های غیر مجازی می سازند

مسئولیتی بعضی از مترجمین مسأله است آیا متوجه هستیم که مترجم در کشور ما کار ساده ای نیست؟

نقص گاه در چار تردید میشود که مترجم آثار سیاسی، تعمودی در مغلوط و نا-مساختن متن داشته اند یا روش ها بیامانه و نتیجه گیری ساده است. ما خواهیم که از کتابی یا کسی نام ببریم

هدف (شریه زدن) به این و آن نیست طرح سازنده مسئله است. اگر این

خطاها در آثار ادبی لااقل ضرر خاصی ندارد، در آثار سیاسی منشاء فساد می-شود و مایه بد آموزی است، بوالهوسی در زمینه ابداع مجاز نیست، تو صیهای که نظر ما می رسد و شاید عملی است، آن زمان است که هر کتاب ترجمه شده ای یک هیچ متخصص در موضوع متن و یک

سگندری:

اصالت هنر میناتور باید حفظ شود



میراحمد «سگندری»

معروفترین این مکتب ها، مکتب عراقی، ایرانی، کشمیری، بخارایی و هرات است. و بنده از مکتب هرات، سبک بیزاد، بروی می نمایم.

سگندری در مورد هنر میناتوری و نقاشی ریالیزم نظر انداخته میگوید:

من عقیده دارم که هنر میناتوری نباید از اصالت خود بیرون شود نو آوری در این هنر، ممکن است آنرا به بیراهه بکشانند. البته این نظر شخصی من است شاید من اشتباه کرده باشم و لی من چنین عقیده دارم که هنر میناتوری را نباید با دیگر شیوه های نقاشی امتزاج داد.

از باز میراحمد «سگندری» جوانی است که تازه ادبی و راه هنر نقاشی و آنهم هنر میناتوری قدم بسته است، وی که توانسته با وجود مدت زمان اندک در این هنر والا و مشکل راه خود را اندیشه ها و گفته های دارد که از زبانش می شنویم.

هنر میناتوری، از جمله هنرهای زیبا، شگفتی و ظریف می باشد. کلمه میناتوری از اسوی عرب شده که ظریف و ریزه کاری می رساند.

این هنر تاریخ کهن در کشور ما دارد، طایفه اوج آن در کشور ما در زمان تیموریان و صفویان است. اما این هنر بعد ها در اثر بیادبانه ها، غارت گری های جنگی و یان حالت نسبتاً را بخود گرفت، تا اینکه در اثر دزدان هنر دوستان و هنرمندان کشور ما راه و لایق را دو باره در پیش گرفت که ما می-توانیم از کسانی مانند استاد مشعل، حمایون ناظر و بیزاد سلجوقی که در این راه زیاد فعالیت کشیده اند نام ببریم.

سگندری میگوید: هنر میناتوری مکتب های مختلفی را در طول زمان تعقیب نموده و هر هنرمند نظر به ذوق و علاقه این راه را انتخاب نموده اند.

هنرها، از همان آغاز پیدایش و روزگار قدیم که ساده بود و بازندگی انسان ها و طبیعت نزدیکتر، تا امروز که گفته می توانیم بسیار متنوع و پیچیده گردیده است. در بعضی مواردی از عینیات دوری گرفته و در واقع بیان کننده ذهنیات انسان عصر نو شده است. اما در سراسر طول

تغییر و تحول خود همیشه از واقعیت ریشه گرفته اند و گلهای که بر آورده است تا اندازه کم و بیش رنگها و عطر های خیال

یک فلم سینمایی تقریباً زمانی است که از برابر دید حقیقت ما می گذرد و آنچه را که باید در زمان با تلاش ذهن خود مجسم کنیم. با تلاش کارگردان، هنر پیشه ها، سازندگان صحنه فلمبر دار و دیگر کارکنان فنی فلم به بسیار وضاحت آماده و مجسم شده است.

فلم زمانی است که آنرا در مدت زمانی کوتاهتر می بینیم و در زمان چیز های هست که نویسنده را برای تجسم آن گاهی بایسد

سینه ما و جوانان

چندین صفحه بنویسد، حال آنکه در فلم می توانیم آنرا در یک لحظه ببینیم. پس در آخرین تحلیل، ارزشی که برای زمان در زندگی قایلیم در فلم یا هنر سینما چندین برابر می گردد.

به این مناسبت واقعیت ها در آن بسیار روشنتر و محسوستر است.

ما توانیم با مشاهده عینی حیات انسانها زودتر و آسانتر به داخل جریان و قایم زندگی اجتماعی یک جامعه گردیم. و گاهی ترک زندگی و بیابان آن با واقعیت، تأثیری عمیق در جای می گذارد.

بقیه در صفحه ۴۵

داشته اند. پس درین حال گفته می توانیم که هنر بطور کلی، همیشه پایه بر واقعیت دارد و خیال آنرا می آفریند و پرورش میدهد. واقعیت در هنر بر خیال مقدم است.

در قرن ۱۹ صنعتی بنام صنعت سینما بوجود آمد که در مجموع تمام هنرها را از رقص و موسیقی گرفته تا نقاشی و داستان نویسی و حتی بسیاری از حرفه های دیگر را نیز بخدمت گماشت. اما داستان یارمان اساس این صنعت را که هنر هفتم نیز نامیده می-شود، تشکیل داده و هنر های دیگر بنویه خود قرار دارند.

انرژی های نوین جهان

عضله انرژی در آینده

در سالهای اخیر انرژی و نیرو همواره در روزنامه ها، بیانات، گرد همایی های متعدد، کنفرانس های ملی و بین المللی و مجلات مورد بحث قرار گرفته است. در مطبوعات غربی مضامین متعددی با عناوین اخطار دهنده چون ((چه وقت بحران انرژی جهان آغاز خواهد شد؟)) ((تشنگی آمریکا به نفت))، ((بدبختی تهدید کننده)) و غیره و غیره به نشر رسیده است.

دلیل این همه زنگ های خطر کاملاً واضح است زیرا بحران انرژی مشکل درجه یک کنونی اقتصاد سرمایه داری را تشکیل میدهد. این یک واقعیت مسلم است که پیشرفت تمدن با مصرف بیشتر انرژی و تولید آن از یک منبع انرژی به منبع دیگر چون از چوب به ذغال سنگ و از ذغال به نفت و گاز طبیعی، ارتباط داشته است. میزان مصرف انرژی از یک دهه نسبت به دهه گذشته بیشتر گردیده است. البته این ازدیاد بار شدت استثمار منابع ابتدایی محروقات چون نفت، گاز و ذغال سنگ همراه بوده است.

متخصصین معتقد اند که ذخایر نفت و گاز طبیعی تا پایان این قرن به اتمام خواهد رسید. از جانب دیگر با وجود یکه مقدار کافی ذغال سنگ وجود دارد تا بتواند نیاز چند نرین آینده را برآورده بسازد، مگر بنابر بعضی علل به پیمان و وسیع از آن استفاده صورت نخواهد گرفت. خوشبختانه بشر به یک سرحد جدید پیشرفت دست یافته است و چیزیکه تا اخیر این قرن بزرگترین

منبع انرژی خواهد شد عبارت از نیروی هستوی می باشد. بشر قبلاً نیز در عصر اتم قرار دارد و از انرژی اتمی استفاده نموده است. بیشتر از یکصد و هشتاد دستگاه نیروی هستوی در جهان در حال فعالیت می باشد و با گذشت زمان دستگاه های جدید نیروی هستوی تأسیس گردیده و میگردد یک دهه قبل اکثر دانشمندان دور نمای پیشرفت نیروی هستوی را با خوشبینی ارزیابی مینمودند. قبلاً پیش بینی گردیده بود که تا اواخر قرن کشور های صنعتی در حدود سیالی پنجاه فیصد انرژی شان را از دستگاه های اتمی بدست خواهند آورد. مگر امروز در اکثر کشور ها این پیش بینی در نتیجه نظریات و مباحثات بدبینانه تحت شعاع قرار گرفته است و اقتضای انکشاف نیروی اتمی مورد تردید صورت گرفته است. یک مباحثه هیجان آمیز بالای استفاده ممکن از انرژی هستوی آغاز گردیده است. بنابر مبارزه بر ضد تأسیس دستگاه های نیروی هستوی در برخی از کشور ها، سی و دو دانشمند برجسته آمریکا که یک بر سو م شان برنده جایزه نوبل، اند یک یادداشت را در ماه مارچ ۱۹۷۵ به نشر سپردند و در آن خواستار گردیدند که انرژی هستوی نباید عوضی گردد. این را نباید فراموش کرد چیزیکه انرژی هستوی را وارد صحنه ساخت شرایط وحالات تراژید بود که در نظر اکثری بایک حس ترس و هیجان ازین منبع انرژی بروز نموده.

این نوع انرژی جدید برای نخستین بار با انفجار دو بمب اتمی برای جهانیان پیش کش گردیده و بخاطر همین دلیل بود که این نوع انرژی جدید، به عوض لذت امیدواری یک احساس ترس و نا امید را ایجاد نمود. برای مدت سال ها اکثر مردم شاهد استعمال انرژی اتمی برای مقاصد نظامی بوده اند پیشرفت تولید نیروی ذروی توسعه و رشد قدرت محصولات دستگاه های نیروی ذروی بیانگر توقع در استعمال انرژی هستوی و دور نمای آن می باشد. مگر هنوز شك و ترس افکار بسیاری هارا تحت تاثیر قرار داده و بر خفاحتی این ترس را پرورش میدهند. چه کسی نمی گویند استعمال صلح آمیز انرژی هستوی را تحت تاثیر قرار داده و آنرا بی اعتبار سازند؟ این ها مهمتر از همه انحصارات نفتی اند که با مواد سوخت عضوی سرو کار دارند. این انحصارات با داشتن مواد سوخت عضوی (در قلم اول نفت) در تحت کنترل شان سود فراوان بدست میاورند آنها ادعا می کنند که موجودیت یک دستگاه نیروی هستوی در یک منطقه نه تنها برای آنایک در آن کار می کنند بلکه برای تمام مردم مانیکه در آن منطقه زیست میکنند یک تهدید بزرگ شمرده شده و یک یک منبع مهلك انتشارات را را دیو اکتیف محیطی به شمار می رود. برای مطبوعات غربی عادیست که یک نقص جزئی دستگاه نیروی هستوی را به حیث یک مصیبت بزرگ به منظور تشدید ترس و بدگمانی در میان جهان نیا ن تبارز دهند. چنانچه در سال ۱۹۷۹ به حادثه دستگاه نیروی هستوی آمریکا در (هریس برگ) توجه زیاد معطوف گردید.

رئیس اکادمی ساینس اتحاد شوروی ای. الکساندروف به ارتباط حادثه (هریس برگ) اظهار داشت که مطالب مطبوعات غربی در مورد حادثه ریکتور هستوی هریس برگ که خیلی ها جزئی بود مبالغه آمیز میباشد و این به خاطر تشدید مبارزه بر ضد نیروی هستوی است.

البته که انکشاف نیروی هستوی مسئله جلوگیری از کثیف شدن محیط را توسط مواد رادیو اکتیف بوجود می آورد. نگارنی عامه مورد این مشکل قابل فهم است در عین زمان تجارت بیست و سه ساله اتحاد شوروی در عملیات دستگاه های نیروی هستوی نشان میدهد که این امکان وجود دارد تا شریک بی خطر را در آنها توسط استعمال بر خفا از تکنولوژی ایجاد نمود باید متذکر شد که اندازه حادثه درین دستگاه ها نسبت به صنایع مدرن کمتر است. از جانب دیگر مطالعه این حادثات و توضیح داده است که علت اساسی وقوع این حادثات بنا بر تخلف از تدابیر محافظوی و یا دسایر بی خطری تکنولوژی بوده است. یک گروه از دانشمندان وجود دارد که اند که مواد سوخت عضوی به اندازه کافی وجود ندارد تا تقاضای انرژی بشر را در آینده برآورده سازد بر خفا ازین دانشمندان پر است از انرژی آفتاب تا کید می باشد به عقیده آنها این انرژی در دهه آینده سهم خوبی را در آفریده ساختن تقاضای انرژی خواهد داشت.

یک تعداد دانشمندان دیگر ستار تمرکز دادن تلاش ها جهت استفاده از انرژی جیو می باشند.

بقیه در صفحه ۲۷

انقلاب کمپو...

به طور کلی قدرت به شوراهای
 این به دهقانان، صلح برای
 نام! ۲۵ اکتوبر هنگامیکه هنوز
 درها از خارج و داخل قصر زمستانی
 و شب می رسید، دو مین جلسه
 پندگانی شوراهای کارگران
 در بازار در سالون بزرگ سمولنی
 بایش یافت. نمایندگان زحمت
 سالان از سراسر کشور، از شهر
 و قصبهات و همچنان از جبهات
 آمدند و خیلی هیجانی و مملو از
 هیجان و شادمانی بودند. زما نیکه به آنها
 می شد که حکومت موقت
 موقت نموده است شور و هلهله
 می دادند کانگرس حکومت
 و راهها - قدرت کارگران و دهقانان
 فنان را اعلام داشت.

به همین ترتیب در ساعت نه -
 بیست و شش اکتوبر کانگرس
 مین جلسه خود را بر گزار کرد
 در میان موجی از شور و هلهله
 استقبال شان ملین جلسه بیانیه اش
 ایراد کرد مردم کلاه های شان
 بالا بردند و می کردند و بالای
 کلین ها و چوکی ها می بر آمدند
 لنین را ببینند.

او راجع به صلح گپ می زد
 یکبار از زش ترین بدیده
 ای مردم بود و برای مدت سه
 سال طولانی و دشوار انتظار آنرا
 کشیدند. فقط همین دو لغت جدید
 می دو لغت کارگران و دهقانان
 بود که در اولین روزهای گرفتن
 قدرت خواست تا صلح را برقرار
 سازد بنا ع کانگرس فر مان صلح
 تصویب کرد.

بعدا لنین فرمان مربوط به زمین
 اعلام کرد که به موجب آن زمین
 های ملاکان تزار و کلیسا به حیث
 ملکیت دولت شوراها شناخته شده
 و دهقانان تعلق می گرفت.

در پایان دو مین کانگرس نما -
 پندگانی اولین حکومت شوراها را
 که در راس آن لنین قرار داشت
 انتخاب نمودند. بزودی قدرت

شوراها در سراسر کشور تحکیم
 یافت. مگر حکومت جدید شوراهای
 در شروع کار خود به مشکلات
 فراوانی مواجه بود. در کشور
 هنوز هر چه و هر چه و بی نظمی وجود

زنان پیروزمی شوند

سنگ گرم و آتش زای مبارزه با
 امپریالیسم که در راس امپریالیسم
 امریکا شو نیز م عظمت طلسم
 چین و گروه وابسته به آن و عمال
 ارتجاع سهم بگیرند.

مایقین داریم و این را تاریخ به ما
 میا مو زائد که حق بر باطل غالب
 و فایق است و آنجا که آهو رامزدا
 نیک پنداری و نیک کرداری و نیک
 گفتاری در برابر اهر یمن فشا رو
 آلودگی قرار می گیرد آن را به
 نیستی میکشد و خود در قله شامخ
 پیروزی و افتخار می ایستد
 شما خواهان و هم زمان! در
 این سه سال و چند ماه چقدر رنج برده و
 شما مادران هم میهن من در این
 مدت چند فرزندتان را در قربان -
 گاههای دژخیمان اژدست داده اید.

شما که قلب های تان جراحت
 دارد و چون لاله ها، داغ های غیر
 قابل التیام است با ما بیایید،
 بگذارید جبهه ملی پدر وطن همه از
 شیفته گان راه آزادی را همه عشق
 و رزان به صلح و کرامت انسانی را
 و همه دوستداران این آب و خاک
 و میهن را یکجا گرد آورد از نیروی
 آنها مشت آهنینی سازد که پیکر
 ضد انقلاب را از هم بپاشد و دیگر
 کسی در کشور ما دشمن آزادی ما
 و صلح و برابری و برادری مان نباشد.

از شما مادران و دختران قهرمان
 کشیده دعوت میشود در این مبارزه
 برحق و برای پیروزی حق بر باطل
 با ما یکجا شوید یکجا بر زمینید،
 یکجا بکشید و یکجا کشته شوید.
 این راه راه انسان آزاده می است
 که از نا موس و شر ف خود دفاع

فدراسیون...

اسناد کنگره دارا می باشد.

اجتماع کنندگان اولین کنگره
 جهانی زنان تعهد سپردند تا به
 خاطر ایجاد فضای مسا عد جهت
 رشد همه جانبه اطفال، دمو کرا -
 تیزه ساختن سیستم آموزشی، تأمین
 امکان تحصیلات مجانی در تمام
 کشورها رشد و انکشاف تحصیلات
 بقیه در صفحه ۵۵

حق استفاده از شبکه های خدمات
 اجتماعی به طور دوا مدار و بی امان
 بر زمینند.
 قطعنامه در باره پرا بلم های
 کودکان جای محوری را در جمع

مدت مدیدی غذا های فاقد ویتامین (آ) داده شود یکعده مریضی های قبیل باختن اشتها وبا ختن وزن تخریبات وسیع وشدید مادی درجست تناقص ها بروز مینماید و قتی مرض هنوز هم پیشرفت نمود چون معده سوء تشکل نموده ، تشوش عصبی به مریض پیدا شده و بدنی آن اولا شب کوری و بالاخره کوری مطلق پیدا میشود مقاومت عضوی در مقابل انتانات خیلی تناقص نموده پروسه اثر میمی عضو رسد توقف کرده و عاقبت مرگ فر میرسد .

سوء تشکلات ولادی ، اطفال باوزن کم بدنیا می آیند ، تا خشک انکشاف جسمی و مستعد بودن مصاب گردیدن به امراض انتانی همه و همه در فقدان این ویتامین نقش مهم دارند . فکتور های عمومی مانند فقر ، بیسواد ی ، شرب نامستعد زیست و فامیلی های بزرگ میتوانند در تفکیک اطفال معروض به خطر مشر واقع شوند . در انسانها بالاخص نزد اطفال فقدان ویتامین (آ) اغلب با لاژرصد چشمان خارجاوداخل اثرات سوء عاید نموده که بالتربیب به اشکال ششلی کوری وزیر و فتالمی عرض و جوی مینمایند .

در مراحل اولی مرض با یسار شب کوری آغاز میگردد که اطفال مشمول ازینکه بعد از غروب افتاب امر چیزی رانمی بینند شما کی میباشد ویتامین و بمرور زمان زیر و فتالمی (خشکی شکل چشم) نزدشان ظهور مینماید . اگر بایز هم در جهت تدای مرض اطفال خریب نشود مرض سیر خود را دنبال نموده طوریکه طبقه قرنی خود به این خود نرم شده قرحات قرنی بروز کند آن اشکار میگردد و در نتیجه مریضی که به یک کوری تام که غیر قابل وقو معالجه میباشد مصاب میشود براس فقدان ویتامین (آ) که معمولا باسوء تغذی یکجا دیده میشود با امراض ووالی متناوب عفونی و نقص میکا نیز با چ دفاعی معافیتی عضویت رابط نام قریب میداشته باشد .

زیر و فتالمی در کشور های اسان پرنفوس آسیای شرقی و جنوبی و همچنان در بعضی از قسمت های ویتامین افریقا ، شرقیانه حوزه کارابین شکل و امریکا ی لاتین یکی از عوامل مملو لی کوری نزد کودکان ویتامین اطفالیکه کمتر از هفت سال عمر دارند بشمار می رود در حدود بیست

چند هزار سال قبل از امروز یعنی در حدود یکهزار و ششصد سال قبل از میلاد اطباء مصری برای مریضان مصاب برشب کوری خوردن جگر تو صیه مینمودند . . یکمان اغلب سلسوس طبیب رومی به بین سالهای بیست و پنج قبل از میلاد و پنجاه میلادی میزیست او لین کسی بود که اصطلاح زیر و فتالمی را که در یونانی چشم خشک معنی میدهد استعمال نمود . اثر معالجوی خوردن جگر در رفع شب کوری وزیر و فتالمی از مدت ها قبل در طب چینایی شناخته شده بود . امروز ما همه میدانیم که جگر یک منبع غنی ویتامین (آ) است و فقدان دوامدار این ویتامین بالاخره باعث کوری مطلق و علاج ناپذیری «بالخامنه نزد اطفال» میشود . در بسیاری نقاط جهان داخل بستر شدن مریض از باعث سوء تغذی عمل بس عادی پنداشته میشود ولی اگر موظفین شفا خانه خود به چشمنا اطفال که بستر میشوند توجه ننمایند ممکن خود اطفال هیچ شکایتی از عدم دیدشان و یا اینکه شب کوری دارند ننمایند و ممکن مریضان جوان چشمنا خود را بسته بگیرند و گمان رود که از روشنی هراس دارند و بدین ترتیب یک عرض عمده سوء تغذی که عواقب خطرناکی را در قبال خواهد داشت از نظرشان پوشیده خواهد ماند . و همین مرض عدم کفایوی است که عامل بس عمده کوری ایسام طفلی جهان ما را تشکیل میدهد . چنانچه سالانه در حدود یکصد هزار طفل در جهان حس بینایی شان را به صورت مطلق از اثر این مرض از دست میدهند . و میلیونها طفل دیگر به کم بینایی قسمی مصاب میشوند . آیا چقدر غم انگیز خواهد بود تا تمام عمر خود را در تاریکی مطلق سپری کرد . در حالیکه طرز وقایه مرضیکه باعث این کوری میشود خیلی ها ساده است طوریکه گرفتن فقط دو کپسول نارنجی ویتامین (آ) در یک سال که کمتر از پانزده سنت امریکایی ارزش پولی دارد میتواند به بسیار خوبی یک طفل را از مصاب شدن به کوری حفاظت کند . ویتامین (آ) جزء غذا بوده و برای صحت و سلامت انسان و حیوانات ضروری پنداشته میشود . مادامیکه برای حیوانات تجربوی برای



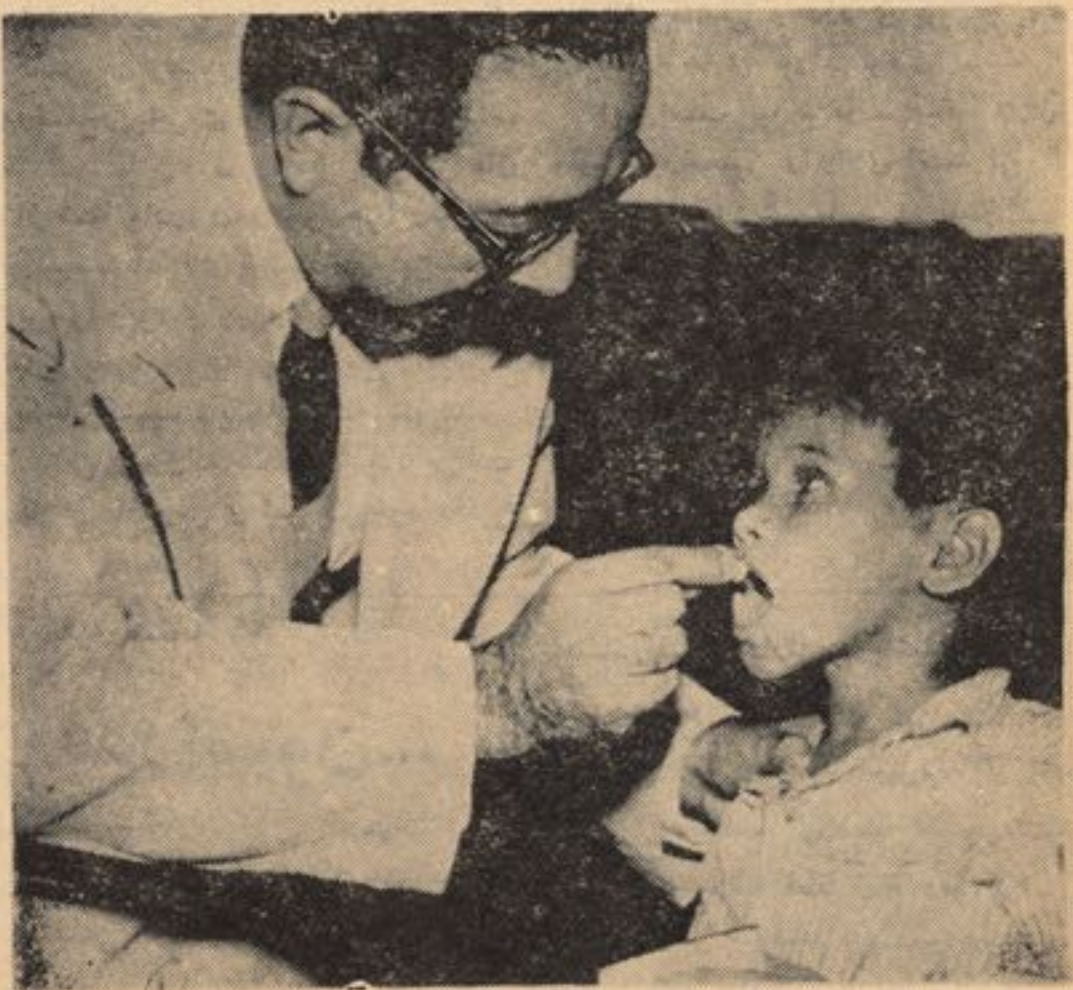
عده از کارکنان طبی در حال معاینه چشم یک مریض جهت کشف علایم فقدان ویتامین (آ) دیده میشوند .

ترجمه حیدر خانیوال

از مجله ورلد هیلث

آیا میدانید که چرا

سالانه بیش از صد هزار طفل مصاب کوری مطلق و علاج ناپذیر میشوند؟



یک داکتر به یک طفل کپسول ویتامین (آ) داده و به او هدایت می دهد تا آنرا بلع نماید .

اغلباً طفل رادر مقابل انکشافزیر- و فتالمی محافظت میکند. طوریکه اطفالیکه به شیر خشک و غذا های مصنوعی تغذی میشوند از اینکه چانس بیشتر به مصاب شدن به اتیهامات معدی معایی دارند بناء به تناسب اطفالیکه با شیر مادر تغذی میشوند بیشتر اماده مبتلا شدن به زیر و فتالمی اند.

برای اینکه از وقوع عوارض نامطلوب حاصله از فقدان ویتامین (آ) جلوگیری بعمل آمده باشد باید به نکات ذیل جدا توجه مبذول گردیده و به آنها جامه عمل پوشیده شود.

اول: باید يك پروگرام خاص صحی جهت مبارزه علیه کورسپای ناشی از فقدان ویتامین با تجویز

کپسول های این ویتامین به اطفال (بالخاصه در کشور های رو به انکشاف) بسوی ملی در معرض اجراء قرار داده شود طوریکه همین اکنون در بسیاری کشور های جهان در تحت تطبیق قرار دارد.

دوم: تمامی وسایل ارتباط جمعی از قبیل رادیو، تلو یزیون، روزنامه ها و حتی جراید مجلات باید راجع به اهمیت تطبیق پروگرام فوق الذکر مطالب مفید و ارزنده جمع آوری نموده و بخش نمایند.

سوم: منابع غنی ویتامین (آ) اضرار صرف غذا های فاقد این ویتامین به مردم تفهیم شود که این کار را باید مقامات صحت عامه با بخش پوستر ها و با مفلیت ها انجام دهند.



طفلی رامی بینید که از اثر فقدان ویتامین چشمش را بکلسی از دست داده است.

بقيه صفحه ۳۴

عضله انرژی

يك سلسله مشكلات لاینحل رادار است. چنانچه کار دانی ضایعات رادیو اکتیف یکی از مهمترین و پیچیده ترین این مشکلات است. در گذشته امریکا، انگلستان و فرانسه ضایعات رادیو اکتیف رادر اعماق ابحار انتقال میدادند. يك سلسله تحقیقات نشان داده که مواد رادیو اکتیف توسط فلوراد فوتا در بحر جذب و ذخیره میگردد. از طریق يك زنجیر بیولوژیکی این مواد رادیو اکتیف دیر یا زود به ارگانیسم بحری مبدل میگردد که به حیث غذا برای انسان از آن میتوان استفاده کرد. يك راه بزرگ انکشاف انرژی در آینده عبارت از آموختن تولید انرژی هستوی توسط ترکیب هسته سبك پورانیوم یا پلاتونیم میباشد. کشور های که دارای نیروی ذروی هستند تلاش میورزند تا ازین منبع انرژی به مقاصد صلح آمیز و به نفع بشریت استفاده نمایند.

میباشند و بر حفر زمین تا به عمق بیشتر از ده کیلو متر برای استفاده از حرارت داخلی زمین تا کید می کنند. در حالیکه برخی دیگر از دانشمندان بدون اینکه به کدام منبع انرژی خاصی تا کید نمایند معنقد هستند که استفاده از هر نوع منبع جدید انرژی چون باد و قدرت مد و جذر ضرور است. در یکی از اسنادیکه به کنفرانس بین المللی در مورد نیروی هستوی که در سال ۱۹۷۷ در دایر گردیده بود تسلیم گردید و واضحاً درج گردیده بود که:

((اگر انرژی هستوی کشف نمی گردید گویی ما زندگی کرده نمی توانستیم. این انرژی یکی از اجزای مهم عصر تکنالوجی ماست و بناء بر آن هر مبارزه بر ضد انکشاف و استعمال آن در بعضی حالات مخصوص باید با این حقیقت در نظر گرفته شود.))

صنعت نیروی ذروی هنوز هم

شوند. از جمله دو منبع اساسی ویتامین (آ) جگر حیوانات بالخاصه روغن جگر ماهی غنیترین منبع ویتامین (آ) خالص میباشد. سبزی یجاتی که دارای برگهای سبزی تیره اند، زردک و روغن خرما و سرخ از منابع غنی کاروتینویدها (منبع اساسی دیگر ویتامین (آ) می باشند. برخلاف پرنج که غذای اساسی بسیاری مردمان جهان را تشکیل میدهد عاری از کاروتین میباشد پس خطرات بیشتر فقدان ویتامین (آ) متوجه اطفالی است که قسمت اعظم غذای شان را برنج تشکیل داده و هم ازینکه والدین شان بیسواد اند در غذای روزمره شان منابع غنی ویتامین (آ) چندان شامل نمیشاند.

در حال عادی ویتامین (آ) در کبد انسان ذخیره شده اما چون کبد اطفال قادر به ذخیره نمودن مقادیر محدود این ویتامین میباشد لذا کوچکترین وقفه در اخذ آن یا تغییری درطرز تغذی، التهاب معدی معایی ویا تسریع تشو و نمای طبیعی باعث به مصرف رسیدن ذخیره ویتامین (آ) کبد شده و بدینترتیب باعث تغییرات در طبقه قرینه چشم که قبلاً سالم بوده میشود. اینرا هم باید خاطر نشان نمود که شیر مادر

با لاکتوز و پروتئین به زیر و فتالمی منسوبید مصاب می شوند به کوری ل شیطانی و در حدود پنجا و پنج درصد و جزیها به کوری قسمی مصاب شده و فقط بیست درصد آنها بعد از تداوی حس بینایی کامل می - اطفال نسته باشند.

بافتان اعراض حاصله از فقدان ویتامین (آ) بعد از معالجه مناسب خشکی شکل دراماتیک کسب صلاح می - بد اگر باید (مگر آنکه کوری مطلق از اثر س اقداریات وسیع مادی در کره عین دنیا در صحنه حاکم نگردیده باشد).

خود اینرا هم باید خاطر نشان نمود که بروز این سازمان صحی جهان فعالیت مریدی گسترده بی در زمینه جلوگیری قابل وقوع فقدان ویتامین (آ) را در بود براسر قاره آسیا و امریکا لاتین باسودوی دست گرفته است. شاید امراض هوایی به ذهن تان خطور کند که نیز با چگونه میتوان ویا با صرف طعام نوع غذا ها میتوان از بروز فقدان ویتامین (آ) جلوگیری نمود؟

های سانه ویتامین (آ) مورد نیاز جنو بران را از غذا بدوشکل (شکل های ویتامین (آ) خالص (اتینول) و به کارابین شکل پرو ویتامین (آ) یعنی کار و ملینویدها میگیرند. که کار و کان ویتامین (آ) فقط بعد از جذب در جدار بال عمده ای به ویتامین فعال مبدل می

در زمانه ی ما از همه وقت بیشتر نیاز به صلح است ، چون نیروهای جنگ افروز غاصب و سبطه جو که می خواهند با نابودی و تباہی دیگر کشور ها تسلط اهریمن خویش را همچنان حفظ کنند ، به وحشت خود افزوده اند می خواهند آرامش را در سیاره ما نابود نمایند ، فضایی از جنگ ، دودباروت پدید آورند ، چون اصل احمقانه به سودشان است .

بازرگانان کالای انسانی به آنچه می اندیشند سود است ، برای اسلحه ی لعنتی ای که تولید کرده اند بازار می جویند . باری وقتی در گوشه ای از جهان آتش جنگ در گیرد ، نخستین کسانی که از آن بهره برند ، امپریالیست ها و جنگ افروزان اند .

جنگ های غارتگرانه . تخریبی و انسان کش فقط به سود آنهاست که می خواهند

وروشنگری ، دوران دانش و پیروزی نام یافته است ، از قوه به فعل درمی آید ، از تئوری در عمل پیاده می شود ، دیگر خلق های عذاب دیده و زحمتکش جهان که سال های سال در اسارت کشورهای استعماری و امپریالیستی قرار داشته اند در آسیا ، افریقا امریکای لاتین و در سراسر سیاره ما بیدار شده اند ، به پا برخاسته اند . آهنگ آزادی و همبستگی می سرایند ، کاخ های کدایی سرمایه و ثروت پول و وحشت را فرومی ریزند و پروانه های های آن دنیایی از آزادی و راستی ، دوستی و برادری پیدایمی نهند .

سازمان صلح و همبستگی خلق های آسیا و افریقا از نخستین روز پیدایی آن تا اکنون که با موفقیت کم نظیر و چشمگیر دهمین کنفرانس خویش را در کابل برگزار می نمایند با قاطعیتی

نستان دیگر می تواند با قاطعیتی تمام از خویشتن دفاع کند . و این گفته ای است در اوج گویایی « هر انقلابی آن وقت ارزش دارد که بتواند از خود دفاع کند » باری دیگر انقلاب افغانستان از خود دفاع می کند مردم ، توده ها ، برای دفاع از آن برخاسته اند تفنگ بردوش گرفته اند . اکنون از کودتا هفت ساله گرفته که در سازمان پیش آهنگان نام نوشته اند پیروان هفتاد ساله که به گروه های مقاومت پیوسته تاسیای رزمندگی انقلاب و سربازان کار همه آفرین از انقلاب و دست آوردهای ازین آن باشهامت ، قاطعیت و مردانگی دفاع می نمایند و بدنیشان ناست که انقلاب مسا ارزش ملی و بین المللی یافته است . اکنون دوستان افغانستان انقلابی در سراسر جهان پراکنده اند . مبارزات آگاهانه ی مردم ما را

ادامه می دهند . کنفرانس شکوهمند صلح و همبستگی خلق های آسیا و افریقا در کابل می تواند دعوتی باشد به سوی یک بیشتر با ضد انقلاب افغانستان که دیگر واپسین نفس های خود را می کشد و هر روز که در می گذرد مواضع اهریمنی و سبکرو نامقدس آن به وسیله ی مبارز ان آگاه افغانستان از سر بازان قوای مسلح گرفته تا خارتوبی ، سپاهیان انقلاب و مردم در شکسته میشود ، آنچه می تواند ضامن سعادت انسان و خلق های سراسر جهان باشد صلح ، همبستگی و دوستی است امپریالیست ها ، هژمونیست ها و در مجموع آن هایی که در نقطه ی مخالف انسانیت ایستاده اند نمی خواهند اصل صلح ، همزیستی مسالمت

قنوس

دهمین کنفرانس سازمان صلح و همبستگی

خلق های آسیا، افریقا در کابل

اگر با بهای نابودی نیمی از بشریت هم شده است قدرت اهریمنانه و کدایی خویش را حفظ نمایند . اما این گوشش هایی است پیبوده دست و یازدن هایی است در سمت خلاف جریان آب . این راه پیمایی کنگ و شناوری ناشیانه هرگز هیچگاه نمی تواند به جایی برسد دیگر خلق های آسیا ، افریقا ، امریکای لاتین و سراسر جهان بیدار شده اند . از صلح ، همبستگی و دوستی مانند مردمک دیده ی خویش پاسداری می کنند .

دوران مادو ران رستا خیز ملت ها ، دوران باروری ، او ج گیری و نفع اندیشه های مترقی و پیشرو است . برخلاف توطئه ها ، تخریب های هستریک و جنون آمیز امپریالیسم و استعمار هژمونیسم و فاشیسم این اندیشه های پیشرو و مترقی است که در روزگار ما که عصر خرد

سرسخت از داعیه ی صلح ، دوستی و همبستگی در آسیا - افریقا و سراسر جهان دفاع کرده است ، در هر گوشه ای که امپریالیست ها و جنگ افروزان آتش جنگ افروخته انداز طرف این سازمان انسانی اعتراض هایی شده است ، سازمان صلح و همبستگی خلق های آسیا - افریقا کلیه جنبش های ملی ، آزادی بخش را در سطح ملی و بین المللی مورد حمایت و پشتیبانی بی دریغ قرار داده است ، مبارزه ی مردم ویتنام کمبودی ، لاوس ، فلسطین و افغانستان از نخستین روز تاسیس تا اکنون مورد حمایت بی دریغ قرار داده است .

گشایش دهمین کنفرانس سازمان صلح و همبستگی خلق های آسیا و افریقا در کابل در هنگامی صورت می پذیرد که انقلاب افغان

می نمایند که درفش پیکار با تارمز پیروزی بر زمین گل افشند ، اکنون همه ی بشریت مترقی از انقلاب و مردم افغانستان دفاع می نمایند و گشایش دهمین پرزیدوم کنفرانس سازمان صلح ، همبستگی خلق های آسیا و افریقا دلیلی روشن است بر این ادعا ، باری این کنفرانس در کابل در فرصتی پر گزار می گردد که دیگر انقلاب رهایی بخش پایگاهی توده ای یافته است به پیروزی ها و موفقیت های درخشانی نایل آمده است . دیگر کلیه زحمتکشان آن گونه که آرمان انقلاب را به پیروزی رسانیده اند از موقعیت آن هم باریختن خون های سرخ شان دفاع می کنند و به تیرد قدس و عادلانه ی شان با ضد انقلاب افغانستان که جنگی اعلام نشده ای را علیه افغانستان افتخار آفرین و انقلابی به راه انداخته اند ،

آمیز و دوستی در میان خلق ها اشاعه یاب چون این به سود شان نیست و جرج های کاره های لعنتی اسلحه سازی شان از حرکت باز می ایستد .

اما تجربه و تاریخ شان داده است که به خلاف همه تلاش ها ، گوشش ها و تقلا ها دشمنان انسان کی می خواهند با ساختن استعمار بمب های تیوترونی تباہی بشری را فراهم آورند ، تناسب قوا در سطح جهان به سود نیرو های صلح ، آزادی و ترقی اجتماعی در تفر است . دیگر خلق ها در سراسر جهان بیدار شده اند ، آهنگ صلح ، آزادی و همبستگی را هر چه رساتر می سرایند . کلیه آرمان های سپاه امپریالیسم با خا یکسان می شود .

عائق و معشوق بهم دو برو
سیر ندیده رخ آن سیمبر
گشت پسر عازم سیر و سفر
او به سفر از پی تحصیل رفت
دیر نیاید و به تعجیل رفت
نامزدش خسته و بیمار شد
با غم و اندوه گرفتار شد
طالع بیچاره نکرده طلوع
یافت در آن دهکده چچک شیوع

...

فکر کسی در پی خوبی نبود!
ملفت آبله کسویی نبود!
تا همه گشتند به چچک مصاب
چهل گرفتار به رنج و عذاب
حیف همان دخترک ماه رو
شد به عیولای تعب دو برو
تا بر خش آبله صورت گرفت
آینه اش رنگ کدورت گرفت
نوحه کتان مادر سجاده اش
گشت ذکر کون رخ مپاره اش
بود مواجه بخطر دخترش
تا که بیاید ز سفر عسرش
نامزدش را بچنین حال دید
از دل خود آه و فغان بر کشید
گفت چه خاکی بستم ریختند
در قد خم زهر لخم آمیختند
بود دل من به تمنای او
گشت چنین صورت زیبای او
بادل پسر خون و سر افکندگی
گفت که نتوان پس از این زندگی
کرد شدو دامن صغرا گرفت
دشت جئون منزل و ماوا گرفت

...

گفت جو «امید» من این سر گذشت
خون دل و دیده ام از سر گذشت
ایکه توئی عاقل و صافی ضمیر
خواهر من بند مرا گوش گیر!!
طفلك خود زود تر خال زن
دست به گنجینه اقبال زن
تا نشود طفل تو منار خلق
دختر بیچاره ورنجور خلق
خال زند هر که به اولاد خود
شاد کند خاطر ناشاد خود



آنچه رفتند سوی منزلش
تا که سازند بخود مایلش
بین دو جانب سخن آغازشد
ساز خوشی زمزمه پرداز شد
هفته نو نامزدی سر گرفت
منزل شان رونق بهتر گرفت
چون دل دو شیزه بغود رام ساخت
قلب پسر از طیش آرام ساخت
لیک شنو از ستم روز گار ؟
چون نگذارد بدل کس قرار
کی بگذارد فلك گینه جو

پیر زنی دختر طناز داشت
ماهوشی فتنه و غماز داشت
ماه صفت شهره آفاق بود
صورت او بین همه طاق بود
مهر خجل از رخ زیبای وی
سرو چمن معو تمنای وی
دیده تر کس همه حیران او
غنچه خجل از لب خندان او
مسکن شان بود بیک روستا
داشت عوای خوش آب صفا
گشت جوانی بجمالش اسیر
از مژه اش بر دل او خوردتیر
گفت به مادر که بکن چاره ام
طالب دو شیزه مپاره ام
من شده ام عاشق و شیدای او
شیفته تر کس شیلای او
گشت هویدا به پدر زاریش
مادر وی کرد طلبکاری اش
چند تن از جمله اقوام خویش
ساخت همه قا صدیغام خویش



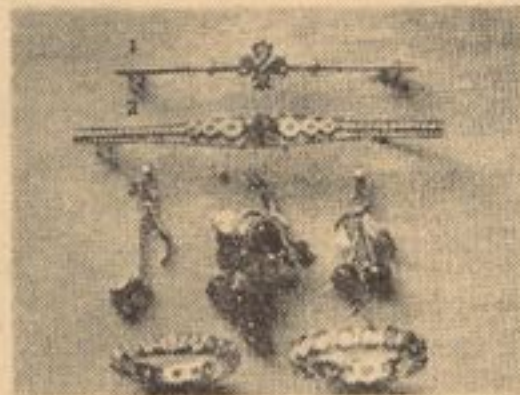
انگشتی یکی و نیمه است تزیین پیمان و است



انگشتی وسیله تجمل است ولی در استفاده آن زن و مرد هر دو یک سان شر یکند و از مطالعاتی که در زمینه به عمل آمده انگشتی و طریق استفاده و استعمال آن سابقه باستانی دارد و حتی سر حدش به افسانه و اساطیر می کشد .

حکایات و روایات تصریح می کند اولین کسی که در انگشتانش انگشت جا گرفته جمشید پادشاه آریانا است بناء وی را واضع انگشت می پندارند .

به فرمان او مروارید از دریا و جواهر از کان برآوردند و در شاهنامه نخست در سلطنت او است که سخن از انگشتی به میان می آید : که جمشید با تاج و انگشتی ، به فرمان او دیو و مرغ و پری ، واقعیت ثقافتی و تاریخی تصریح می کند که انگشتی چه از لحاظ زیور و آرایش و چه به خاطر تجمل و شکوه پاد - شاهی نقش بر ازنده داشته و همین نگین و انگشتی همراه افسر و تاج و تحت و کلاه و تیغ از لوازم شاهی به شمار میرفته است . و چنانچه این مصرع بخوبی واضح میسازد : به پاسخ چنین گفت کاوس شاه ، که از تو فروز رنگین و کلاه - ببوسید تخت

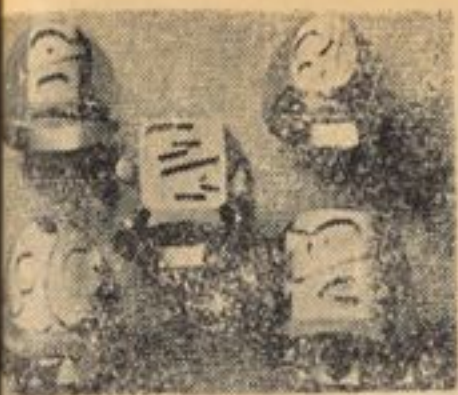


خویش انگشتی و در بازو های خود بازوبند را می بندند و مخصوصا برای اطفال بستن بازو بند که در بین بازو بند که اکثرا نقره یی میباشد تعویذات جا داده میشود البته بستن بازو بند در بعضی نقاط دور دست کشور ما رواج دارد . در بابل وقتی که مردگان را دفن میکردند آنها را آرایش کرده انگشت آنها را به انگشتی زینت می دادند ، و دفن کردن میت با زیورات در

گذشته های دور رواج داشته است و آثاری که در حفريات در اکثر حصص جهان بدست آمده و در بخش زیورات خود نمایا نگران است که روز گاری مرد گان را با زیورات دفن میکردند و کشفیاتی که از طلا تبه شبر غان و سایر حصص کشور ما در اکثر حفريات يك تعداد زیورات بدست آمده خود نمایانگران است که مرد -

گان با زیورات در خاک سپرده می شدند و این روش از ثقافت و کلتور طرز تلقی و اندیشه گذشتگان تمثیل و حکایت می کند و ترویج زیورات را که عمر طولانی دارد به خاطرهما زنده می نماید . آنچه گردیزی مورخ نامدار از انگشتی های خسرو پرویز نقل می کند ارزش و اعتبار ثقافتی و کلتوری این زیور در دوره سلطنت ساسا نیان بیشتر میبا شد به گفته او انگشتی این پاد شاه نه عدد بوده که هر يك در مورد خاصی بکار می رفته و نوشته با آن مهر می شده است . در نخستین انگشتی او یا - قوت سرخ بود و نقش صورت ملك در گرداگرد و کتابه صفت ملك نوشته و بدین انگشتی منشور هاو سجل ها مهر کردی (۰۰۰)

به گفته این مورخ نگین این انگشتی ها بیشتر از سنگ های قیمتی بوده و بر عده ازین انگشتی ها صورت حیوانات مانند قوچکوهی عقاب نقش گردیده بود . انگشتی در آن روز گار صرف نظر از جنبه دینی و سنتی در حکم و شخصیت و هویت دارنده آن و حتی در مورادی خاص به جای او کار ساز بوده است مثلا هر گاه به حکم پاد شاه بامرود صاحب قدرتی محکوم می را به رسم گاه می بردند چنانکه پیش از سیاه - ست کردن انگشتی خود را به رسم نشانی برای مجریان حکم فرستادن علامت آن بود که از گناه محکوم در گذشته و او را بخشیده اند . این انگشتی را انگشتی امان می گفتند وقتی که عهد و میثاق می بستند



کسی که متعهد شده بود بر - اثبات قول خود و این که به وفای با بر جای خواهد بود انگشتی خود را نزد طرف بودیعه می سپرد تا هنگام وفا به عهد به ادای آن ملزم باشد تعهد کننده در حالی که انگشتی خود را در اختیار طرف می گذاشت می گفت : انگشتی به نشان دار فراموش نشود رسم تقدیم انگشتی و حلقه های که زنان و شوهران جوان هنگام نامزدی در انگشت می کنند در حقیقت پیمان زنا و شوهری با آغاز می نمایند در واقع یاد گار رمزی ازین تعهد و میثاق دیرین است که تا کنون با همان گرمی و خصوصیت باقی مانده است . امروزه دختر و پسری که حلقه انگشتی به رسم نامزدی در انگشتان خود جا میدهند در واقع امر به تایید از سن دیرینه پیروی می کند ، البته سن و روشی که مطلوب است هرگز به فراموشی نمی رود و از باب نه افتد به همین اساس وقتی خواستند دشمن و حریفی را به لطافت محبت خود امید وار کنند و او را ببل جان ایمنی دهند که بعد از تسلیم بر جانش قصدی نخواهد رفت ، انگشتی برایش می فرستادند و وقت دشمن به اعتماد آن گردن نهید و تسلیم در آستانش نهاد .



اندك از میان میرفت و جای خود را به اطمینان اندو می شگرف و لبریز و حس همدردی میداد چشمتهايش را گرداند و مثل آنکه در خلصه ی رنجی بزرگ و صف نداشتنی قرار داشته باشد از ته دل فریاد کرد : ((به به)) آفرین ، (مرحبا)) واشك آرام روی گوننه هایش غلطید و لکه های سیاه روی خال های سرخ و سبز چهره اش از خود به جای گذاشت .

تمام روز را یعقوب در بسترماند و با اضطراب به سر برد ، نزد يك های شام کشیش برای اعتراف گرفتن به نزدش آمد و از او پرسید: آیا گناه خاصی دارد که بخواند اعتراف کند؟ یعقوب حافظه به خواب رفته اش را به کار انداخت و قیافه رنجیده مارافا را به یاد آورد و هم ناله ناامید رو چیلدرا ، آنروز که سگ دندان گرفتش و در خاطر مجسم کرد و با صدا بیکه به سختی شنیده میشد ، گفت : ((سازم را به رو چیلد بدهید .))

واکنون همه در شهر از هم می پرسند رو چیلد این کمانچه به این خوبی را از کجا آورده است؟ آیا آنرا خریده و یا از کسی دزدیده است! و یا اینکه در شرط بندی از کسی برده! مدت هاست که روچیلد فلوت نمیزند و فقط کمانچه میکشد ، از زیر پنجه هایش همان آهنگهای حزن آوری که سابق از فلوت بیرون میکشید ، بدر میاید اما وقتی سعی میکند آهنگی را که آنروز یعقوب روی آستانه در اتاقش نواخت تکرار کند ، کمانچه چنان آهنگ غم انگیز و پر از غمی را از خود بیرون میدهد که همه ی شنوندگان به گریه میافتند و خود روچیلد هم چشمانش را بر میگردد و از ته دل فریاد میزند :

((وا، وا، آفرین ، مرحبا)) اما این آهنگ جدید چنان مورد علاقه و پسند همه ی مردم قرار گرفته است که در شهر تمام تا جران

و ممولان و اعضاء اداره محال است یادشان برود از رو چیلد در دعوت ها و محافل شان دعوت کنند و حتی او را وادار میسازند ده بار تمام این نوا را ساز کند .

برای همیشه در گور میخواند پس مرگ مفید است .

اواز مرگ متأسف نبود اما همینکه به خانه آمد و سازش را دید دلش فرو ریخت و احساس تا سف کرد ، ساز را نمیشد با خود به گور برد .)) ممکن بود سازش ینیم شود . یعقوب به در اتاق رفت و روی سنگ آستانه در نشست و سازش را به شانه فشار داد و هم چنان که در اندیشه عمر بود ، عمری که پر از تباهی و ضرر است شروع به نواختن کرد و همینکه آهنگها واضح و انباشته از احساسات غم انگیز بیرون ریختند ، اشك بر گونه اش فرو ریخت و هر چه بیشتر میاندیشید آهنگ سازش حزن انگیز تر میشد .

چفت در دوبار صدا کرد و در آستانه ی در نیمه باز رو چیلد ظاهر شد ، نیمه ی اول حویلی را با شجاعت پیمود اما همینکه یعقوب را دید کمی مکث کرد ، دچار لرزش گردید و و بادست شروع کرد به اشاره کردن ، مثل اینکه میخواست بادست وقت معین کند ، یعقوب با مهربانی به او اشاره کرد و گفت ((بیا جلو تر س بیا)) رو چیلد با نگاهی نامطمئن و ترسان نزدیک شد و چند متر دورتر از یعقوب ایستاد و گفت : ((یعقوب لتم نکن گناه من نیست)) این را گفت ، تعظیمی کرد و ادامه داد : ((موسی مرا فرستاده است ، به من گفت که ترس ، دو باره برو پیش یعقوب و به او بگو که بی تو کارمان نمیکند ، عروسی روز چهارشنبه است دختر ((شاپو و الف)) زن يك مرد خرپول شده است ، عروسی بزرگانه .)) رو چیلد این را گفت و چشمکی زد . یعقوب جواب داد : ((من نمیتوانم بیایم ، من مریضم .

دوباره کمانچه را گرفت و شروع کرد به نواختن ، در دلش عقده یی بود که میخواند ست گشاده گردد ، اشك از چشمانش سرا زیر گردید و روی کمانچه سرا زیر شد رو چیلد به دقت گوش میداد ، پهلوی یعقوب ایستاده بود ، اثر وحشت و ترسی که برو خودش حاکم بود اندك

نه اوزندگی خود را بصورت بی فایده یی از دست داده بود بی آنکه لذتی برده باشد ، آخ چه ضررها یی و اگر او تمام این کارها را با هم انجام میداد ، هم ما می میگرفت هم ساز میزد هم کرچی میخواند هم غاز داری میکرد چه پولی می توانست جمع کند ، اما او هرگز به این فکر نیفتاده بود ، زندگی اش بدو ن منفعت ، بدو ن رضایت و خوشی سپری شده بود ، اکنون همه چیز بی اینکه او تو جهی بدان کند گذشته و او دست خالی مانده است ، اکنون اگر به گذشته اش بنگرد غیر ضرر چه می بیند ؟

چرا بشر نمیتواند بدو ن این ضررها زندگی کند چرا او تمام عمرش را به داد و فریاد و غریه و دشنام دادن به زنش سپری کرده است؟ به چه قصد قابل تصویری روچیلد بیچاره را ترسانیده و به باد دشنام گرفته است! چرا مردم نمیکذارند دیگران به را حتی و آسایش زندگی کنند؟ تمام اینها

یعقوب با مشت های گره کرده او حمله برد و غریه :

ساز نظرم دور شو ، برو گمشو ، بروی چنان بز نمت که روح بدو ن منفور ت پرواز کند ، من نبود ی ها آیم به يك جو نمیرود . روچیلد از ین تهدید ترسید و با فرار گذاشت و یعقوب از میدان میومی گذشت و بعد به دانه های سپریسید ، زیر بید کهنسال نشست و به مرور خاطره ها در ذهن او پرداخت ، دریاچه ی صاف آبی رنگ روبرو ، چمن زاری که برابری گسترده شده بود ، نوای دنگان که در هوا موج میزد و گشتاری که در آن سوی رود انجانه قدیر افراشته بود دردشس کنتسکین داد و تعجب کرد که چرا این چهل پنجاه سال اخیر هرگز کاری به اطراف شهر نزده و اگر

بقیه صفحه ۱۹

ساز تابوت ساز

ضرر است ، ضررها ی وحشتناک اگر نفرت مردم از یکدیگر نمیبود آدمهای بد منش این همه منافع را برده نمیتوانستند .

صبح فردا یعقوب به شفا خانه رفت همان ماکسیم نیکلایوویچ دستور داد که حوله ی آب سرد روی پیشانیش بگذارد و گرد هم بخورد و یعقوب از خطوط قیافه معاون داکتر و آهنگ صدايش درك کرد که حالش خطرناک است و هیچ گردی شفايش نخواهد داد .

در راه خانه به فکر افتاد که مرگ حداقل خودش يك منفعت است چون دیگر لازم نیست انسان بخورد و بیاشامد ، مالیات بدهد و دیگران را راببازارد و چون انسان

همه هم بی اعتنا از آنجا رد شده است ، در حالیکه رود خانه بی اندازه او را قبل احترام بود و به هیچ وجه نمیتوانست مورد تنفر او واقع شود ، میشد از رود خانه ما می رفت و آنرا به تاجر ها ، دلال های خرید آذوقه و حتی پادو های کا- بین ایستگاه را آهن فروخت و ولس را هم میشد در بانک ذخیره کرد ، میشد از روی این رود خانه اتاق سفر کرد ، از خانه ی يك هائی به خانه ی دیگری رفت و رایشان کمانچه کشید و دهاتیها شما برای ساز زندنش به او پول میدادند به علاوه میشد کرچی بان بود و به هر صورت این شغل از تابوت سازی خیلی بهتر بود ، میشد غاز پرورش داد و آنها را سر بریده و زمستان به مسکو فرستاد فقط از پر غاز هاسال ده روبل میشد

فایده ی فراهم آورد .

به مناسبت روز بین‌المللی تسامد با مردم فلسطین

سازمان ملل متحد و قضیه فلسطین



۲۹ نوامبر مصادف با او زمین-المللی همبستگی با مردمان فلسطین میباشد. این مسئله در سال ۱۹۷۷ با اثر یکی از فیصله نامه های مجمع عمومی ملل متحد اعلام گردید فیصله نامه تقاضا میدارد تا یک سلسله اقدامات در زمینه بخش معلومات بارتباط حقوق مسلم و جدا نشدن مردم فلسطین و مساعی ملل متحد به خاطر پیشبرد پروسه حصول این حقوق، صورت گیرد. فشرده مساعی ملل متحد قرار ذیل میباشد:

پراکنش های شرقی نه ازبیشتر از سه دهه باینظر در سازمان ملل متحد وسیعاً مورد بحث قرار دارد.

مگر مردمان فلسطین تا حال باوجود تاکیدات روز افزون به حقوق لایتنجری شان در زمینه خود ارادیت، حاکمیت و استقلال ملی نایل نگردیده اند. در سال ۱۹۷۴ مجمع عمومی ملل متحد ضمن یکی از فیصله نامه ها مردم فلسطین را به حیث یکی از جوانب اصلی دخیل در تأمین صلح عادلانه و بایه دار در شرق میانه به رسمیت شناخت.

مجمع عمومی همچنان از سازمان رهایی بخش فلسطین دعوت نمود تا در جلسات و کار این مجمع به بحث مشاهدات اشتراک نماید. قبل برین - در سال ۱۹۶۸ مجمع عمومی کمیته خاص را موظف ساخت تا اعمال اسرائیل را که حقوق انسانی با شندگان سرزمین های اشغال شده را متاثر میسازد، بررسی نماید. در سال ۱۹۷۵ مجمع عمومی کمیته را به خاطر

احقاق حقوق مسلم مردم فلسطین تاسیس نمود. این کمیته بسعادت پروگرامی را جهت فراهم آوردن زمینه حصول حقوق مردم فلسطین پیشنهاد نمود که طی جلسات متعدد مجمع عمومی تأیید گردید. با اثر تقاضای مجمع عمومی - واحد خاصی در زمینه حقوق مردم فلسطین در چوکات سرکارت سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۸ تاسیس گردید. این واحد وظیفه دارد تا مسایل مربوط به جمع آوری معلومات و نشرات را در زمینه حقوق فلسطینی ها - فیصله نامه های ملل متحد درین باره و فعالیت های (کمیته حقوق فلسطینی ها) و دیگر ادارات ملل متحد را پیش ببرد. در سال ۱۹۷۸ مجمع عمومی از تمام حکومت ها و سازمان ها تقاضا نمود تا با (کمیته حقوق فلسطینی ها) و (واحد خاصی) متذکر جهت پیشبرد وظایف شان از همکاری های لازم دریغ نمایند.

مجمع عمومی به صورت متواتر تقاضا نموده است تا کنفرانس صلح جنیوا در باره شرقی قلمداد شود. این صلح جنیوا در باره شرقی قلمداد شود. این صلح جنیوا در باره شرقی قلمداد شود. این صلح جنیوا در باره شرقی قلمداد شود.

سازمان ملل متحد به قضیه اسکان اسرائیلی ها در سرزمین های اشغال شده توجه قابل ملاحظه به خرج داده است. مجمع عمومی طی فیصله نامه های مختلف از اسرائیل تقاضا نموده تا از اقدامات به خاطر تغییر وضعیت حقوقی و دموگرافیک در سرزمین های اشغال شده منصرف گردد. مجمع

عمومی اعمار محلات مسکونی اسرائیلی ها را در اراضی اشغال شده تقبیح نموده است.

شورای امنیت طی فیصله نامه های اخیر بارتباط این موضوع اظهار داشت که اعمار همچو محلات مسکونی موانع شدید را در راه تأمین صلح در شرقی قلمداد می آورد. لذا از اسرائیل تقاضا نمود تا جاها را که موجود مسکونی را در اراضی اشغال شده تخلیه نماید. به تاریخ ۳۰ جون ۱۹۸۰ شورای امنیت ((ضرورت فوق العاده مهم خاتمه بخشیدن به حالت اشغال سرزمین های غربی به شمول بیت المقدس که از سال ۱۹۶۷ باینظر توسط اسرائیل تصرف گردیده)) مجدداً تأکید نمود. شورای امنیت همچنان بار دیگر تأیید نمود که هر نوع اقدامات قانونی و اداری که توسط اسرائیل بعمل می آید و ((مقصد آن تغییر کرکتر وضعیت شهر بیت المقدس میباشد - هیچگونه اعتبار قانونی نداشته و یک تخطی آشکار از چارمین پیمان نامه جنیوا مبنی بر حمایت اشخاص مسلکی در اثنای جنگ به شمار میرود.))

در سال ۱۹۷۹ مجمع عمومی باتاثر ملاحظه نمود که معامله کمپ دیوید خارج چوکات ملل متحد و بدون اشتراک سازمان رهایی بخش فلسطین صورت گرفته است. لذا آنرا بی اعتبار قلمداد نمود. مجمع عمومی ((تمام مواظقت نامه های مغرضانه و معايدات جداگانه)) را که منافی حقوق فلسطین و اساسات منشور ملل متحد و فیصله

مجمع عمومی است تا کنفرانس صلح باره شرقی نه تحت سرپرست ملل متحد و ریاست مشترک اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده امریکا با اشتراک مساوی تمام جوانب دخیل بشمول سازمان رهایی بخش فلسطین دایر نمود. مجمع عمومی با اثر فیصله نامه اش اسرائیل تقاضا نمود تا ((از تمام تقاضا نموده بود تا این عقب نشینی قبل از تاریخ ۱۵ نوامبر ۱۹۸۰ آغاز گردد. مجمع عمومی مجدداً تأیید نمود که بدون عقب نشینی اسرائیل و بدون رسیدن به یک عادلانه قضیه فلسطین مبنی بر حصول حقوق جدا یی ناپذیر مرز فلسطینی در خود فلسطین، هیچگونه صلح جامع - عادلانه و دار در شرقی قلمداد نمی تواند. مجمع عمومی همچنان حقوق مسلم فلسطینی ها را ناحیه خود فلسطین - به شمول حق خود ارادیت عاری از مداخله خارجی ها، حق استقلال و حاکمیت ملی و حق تاسیس یک دولت مستقل دارا ی حاکمیت ملی تأکید نمود. سی و پنجمین دور جلسات مجمع عمومی ملل متحد در دسامبر ۱۹۸۰ یک بار دیگر اوضاع شرقی قلمداد را تحت بحث قرار داده و فیصله نامه را در زمینه صادر نمود. به موجب این فیصله نامه مجمع عمومی مجدداً عقیده محکم خود را اظهار نمود که قضیه فلسطین در مرز ثقل منازعات شرقی قلمداد داشته و تا وقتی که فلسطینی ها حقوق مسلم ملی شان بر خور نشوند، هیچگونه صلح جامع عادلانه و دوامدار در منطقه بدست آمده نمیتواند.



The Palestinian people do have rights!
Oui, le peuple palestinien a des droits!
Есть права у народа Палестины!
¡Sí, el pueblo palestino tiene derechos!



گزارش از: س. ر. ها شمیار

ریزش موی و علل آن

چرا موی بیمار می‌گردد ، سبب ریزش موی سر چیست ؟
و آیا این بیماری قابل پیشگیری و تدای است یا خیر ؟



یکی از بیماری های رایج دوران
ما که شیوع فراوان دارد و کم
خانمی است که از آن شکایت
نداشته باشد ریزش و یا پو ستنگ
موی سر است ، مادر اثر تقاضا
مکرر عده یی از خوانندگان این مجله
در این شماره گفت و شنود کوتاه
داریم با پوهندوی ما یل است
کرسی جلدی وزهروی پوهند
طب کابل که به مجموع پر س
های شما در این زمینه پاسخ میدهد
توجه شما را به مطالعه آن جلب
داریم :

- از نظر شما موی چرا میریزد
علل آن چیست و ریزش موی سر
بیشتر وابسته به کدام سبب
ست ؟

- يك نوع ریزش منتشر موی
که عمو میت دارد و در موقع شانه
کردن ، بر سر زدن و شستن صورت
میگیرد علت ها و سبب های مختلف
دارد که مهمترین آن عبارت است
از کم خونی و مخصوصا کم خونی
هایی که به سبب از دست دادن
خون در خونریزی ها و کمبود آهن
در خون به وجود میاید .

دیگر امراض تب دار مانند
محرر قه ، گریب و سر ماخوردگی
نیز سبب ریزش موی شده میتواند
این گونه ریزش مدتی بعد از سیر
شدن مرض به وجود آمده و بصورت
موقتی علایم آن دیده میشود .

سوم امراض میکروبی مانند
کلو درد های مزمن و خراش
دندان ها باعث ریزش موی شده
میتوانند .

چهارم- در دوران حمل و شیر دهی
خانم ها به ریزش موی مصاب می
گردند که معمولا در ماه سوم بار
داری علایم آن ظاهر گردیده بعد از
مدت چند هفته و یا ماه دوباره
بهبودی حاصل میکند و به جای
موی های ریخته شده موی های
تازه میروید ، به این جهت خانم
های حامله و شیر ده نباید از ریزش
موی های سر خود در این دوره ها
نگرانی داشته باشند .

پنجم - تشوشت شدید روحی
و جسمی سبب عمده ریزش موی
را تشکیل میدهد .

ششم- امراض مزمن و ضعیف
کننده نیز در ریزش موی نقش
دارد .

هفتم - برخی از اقلام ادویه
سبب ریزش موی شده میتواند .

بقیه در صفحه ۴۷

شماره ۳۵

میبندارند در خدمت رفاه آرا مش
وصحت با عافیت و عاری از فقر
و گرسنگی بشر به کار برند. از
مطالعه آنچه در بالا تذکر رفته به
این نتیجه میرسیم و میتوانیم ادعا
کنیم که میتوانیم با استفاده از
مکروب از یکسو در بهداشتی ساکنین
روی زمین استفاده لازم نموده
و از سوی دیگر محصولات زراعتی
و حیوانی فعلی روی زمین را به
خاطر نجات عالم بشریت از خطرات
حاصله ناشی از فقدان غذا یی
چندین مرتبه افزایش دهیم.

در دایره آن واقع می شود. و جریان عملها
و عکس العملها را می گذارند؟ آیا... نتایج
همین عملها و عکس العملها شکل دهنده فکر
و شخصیت ما نیست. بنابر این لازم است
که اثر در میان اجزای گذران زندگی در
مرتبه مهمتری قرار بدیم و در همین مرتبه
متوجه تاثیرهای مطلوب و نامطلوب آن
باشیم.

اگر می خواهیم در مانی بخوانیم قبل ما یلیم
که در باره نویسنده آن چیزی بدانیم. اگر
نقدی در باره آن کتاب نوشته اند، می خوانیم.
از کسان دیگری که آن را خوانده اند و به
رای و نظرشان اعتقاد داریم، در باره آدرس
آن کتاب پرسش یا پرسشهای می کنیم.
و این ها به آن سبب است که کتابها مهم
می دانیم و در خواندن کتاب هدف مقصودی
داریم. پس فیلم که یک رمان یا یک کتاب
زنده و نمایشی است. باید برای ما لاف
در همان مرتبه اهمیت کتاب باشد.

ما نمی گوئیم که همه فلانها باید آمو زنده
باشند، یعنی که باید هدف آمو زشی و
پرورشی ساخته شده باشند. ولی باید
اگر ما را سرگرم می سازد و قایع و ما چرا
عانی را که در برابر ما می گذارند، چه
خنده آور، چه غم انگیز، چه محرک فکر همه
در مقام بخشی از زندگی انسانهای دیگر،
اصیل و صادق باشند. راه های تفکر و تعقل
درست را بر ما نبندند و راه های کج و ولغزنده
را بر ما نگذارند. نیازهای غریزی ما را
تیزتر و چیره تر سازند و بر نیازهای
انسانی ما سر پوش نگذارند.

فیلم یاسینما که هنر هفتم است در مرتبه
هنر از زشتند و سازنده است اما تا جائیکه
به صنعت وابسته می شود. نوعی تولید
به حساب می آید و به تجارت می پیوندد.
فلمسازان بسیاری هستند که با طمع
بیشتر و زحمت کمتر فلانهای مبتذل و به
اصطلاح عام پست می سازند. ماکه خواننده
کتاب یا بیننده فیلم هستیم باید این کالاهارا
پیش از تهیه و مصرف بشناسیم و خوبها و
مرغوبهای آنها را انتخاب کنیم.

بسان گوشه یی از اقتصاد ملی
کشور شوراها بسیار جوان (فقط
پانزده ساله) است. مگر هر آنچه
که در جهت اكمال آن هزارها
متخصص در انستیتوهای تحقیقاتی
و فابریکات صنعتی مصروف انجام
کارهای خستگی ناپذیر باشند بدون
شک چنان تمراتی از خود بیار
خواهد آورد که کمتر مثال آن دیده
شده باشد. با استفاده از دست
آورد های ساینس و تکنولوژی
انسان توانسته است تا مکروبها را
که اکثرا آنها را هنوز هم دشمن
شماره یک صحت و سلامت انسان

بقیه صفحه ۳۳

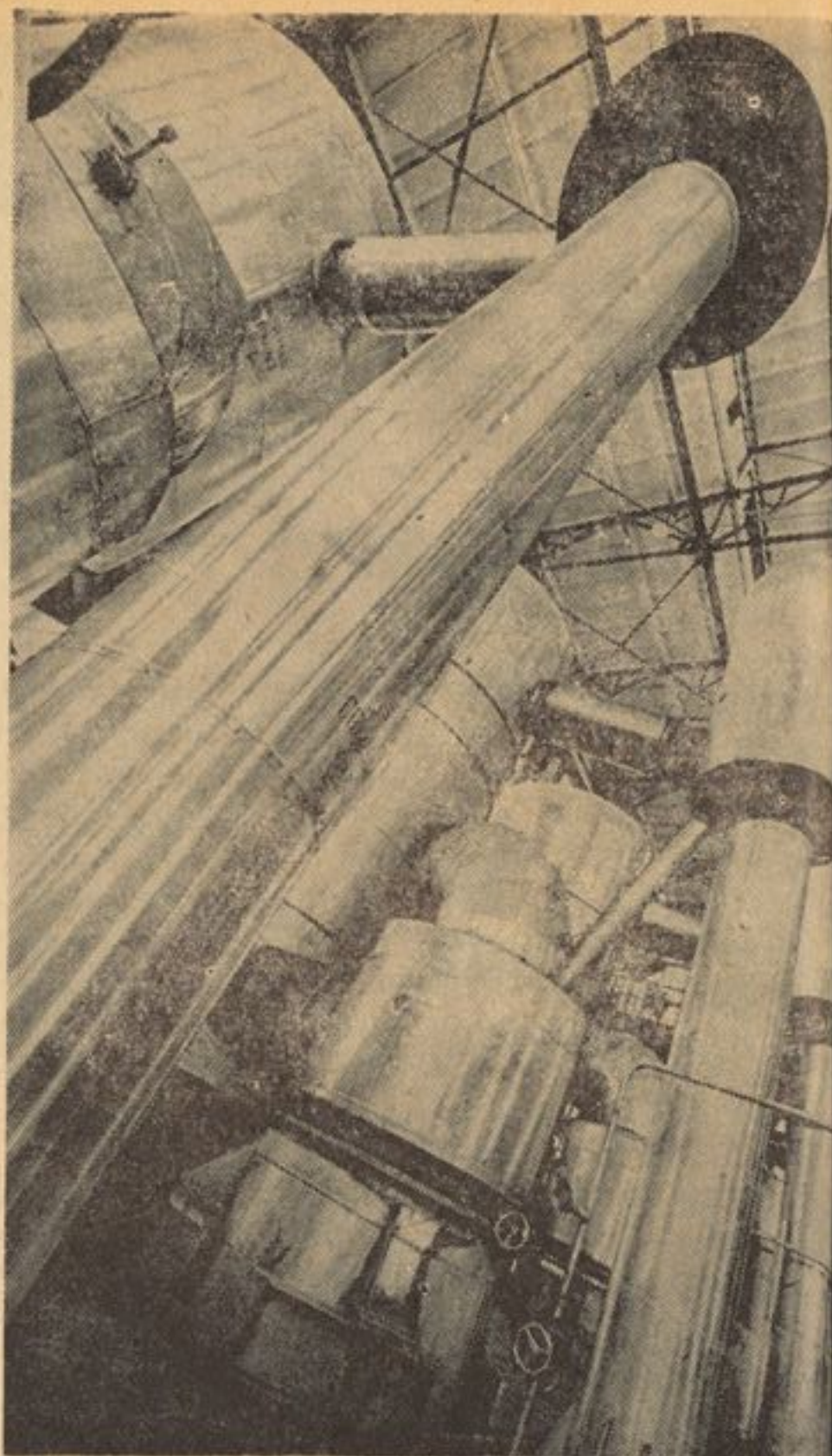
سینما و جوانان

ما با دیدن هر فیلم خوب در واقع یک رمان
خوب خوانده ایم و آنرا هم بسیار زود و دقیق
و عینی گفته می توانیم که تجربه های آن، چه
آنها که تا اندازه در ذهن ما آشناست
و چه آنها که نا آشناست کم و بیش جزء
از تجربه های زندگی ما می گردد و به همین
ترتیب دامنه در یافت های ما را از جهان
زندگی و بالاخره انسان گسترش میدهد.
مادر جریان مشاهده فیلم، در برابر فرد
یا گروهی دیگری می ایستیم. خطاهای لغزشهای
افراد را می بینیم و بیدرتک به راه های
منطقی، درست و اخلاقی می اندیشیم و هرچه
زودتر رفتار رابه خوب و بد و یا خیر و شر تفکیک
میکنیم و همیشه میکوشیم که عوامل یک واقعه
را بشناسیم و یا نتایج اعمال انسانها
را حدس بزنیم.

در سراسر مشاهده فیلم، بی آنکه متوجه
باشیم، ذهن ما در تلاش چیزهای استو
به تجزیه و تحلیل و استدلال درست و استنتاج
می پردازد. انسانها و وقایع فیلم را با انسان
ها و وقایعی که میشناسیم، مقایسه میکنیم. این
فعالیت های ذهنی همه در زندگی واقعی ما خواهی
نخواهی انجام می گیرد. منتها بعضی اوقات
در مدتی طولانی تر و گاهی با دقت و توجه
کمتر.

فیلم در واقع در مان قرن ما است و این
رمان سهل و ساده را کوچک و بزرگ عام
و خاص همه با اشتیاق زاید الوصفی می خواهند.
و با وجود تلویزیون، هر فرد در دوزی نیم
ساعت یا یک چند ساعتی از اوقات خود را
صرف مطالعه این رمان نمایشی می نمایند.
با وجود این همه تاثیر که سینما در زندگی
ما دارد، آیا می توانیم آن را صرفاً یک
وسیله تفریحی بدانیم... نه... این وسیله
ظاهراً تفریحی مگر بخشی عمده ای از تجربه
های روزانه ما را نمی سازد؟

مگر صورت طیف یانبروی راندارد که ذهن ما



گوشه یی از ساختمان داخلی یکی از تا سیسات «نیست سازی» را
که در فولر سک موقعیت دارد مشاهده می کنید.

بقیه صفحه ۳۱

این یک اشتباه است که...

جلوگیری نمائیم. پس تفصیل روایت دستر سسی
زراعتی به فعالیتها ی میکروبیو-
لوژیکی تصادفی نبوده. بخش اعظم
محصولات صنعت میکرو بیولوژیکی
اتحاد شوروی یعنی هشتاد درصد
(از جمله یکصد و پنجاه نوع آن)
به مقاصد زراعتی به مصرف میرسند
و باقی بیست فیصد آن به مقاصد
انجام خدمات صحت عامه، صنایع
برق و غذا، چندین شعبه صنایع
ثقیله و انجیر ی، میخانیکی به
مصرف میرسد.
در اخیر اینهم قابل یاد آوری
مینماید که صنعت میکرو بیولوژیکی
تقریباً آن بشدت کامل سیر
بودی خود را می پیماید، آنها
انکشاف و ذخیره نا-
روغن نباتات را بهبود میبخشند.
حاصلخیزی خاک لمره طبیعی
لیتپهای چندین ساله میکرو-
گانیزمها میباشند که حال ما
انرا نداریم تا با میکرو بیای
روزی که در فابریکات نشوونما
شده اند در خاک (جهت بلند بردن
سطح حاصلخیزی آن) علاوه نموده
بیشتر تریب سطح تولیدات زراعتی
بالا برده و از قحطی و شیوع
بیماریهای غذایی به صورت آنی

شماره ۳۵

رسم و رواجهای مردم سیستان تشکیل خانواده و روابط اعضای آن

پیوسته گذشته

هر گاه بخواهند به خانه اقارب و دوستان بروند چادر میپوشند زنهای طبقات پایین چادری ندارند و در اجرای وظایف بیرون از خانه تا اندازه باشوهران خود سهم میگیرند ولی به صورت عموم آنها نیز آزادی محدود داشته و شدیداً از طرف مردان خویش کنترل می شوند. مردان بلوچ درین حوزه زن را کم ذهن ضعیف الا را دهو عاجز از اجرای کارهای حساس و دشوار میدانند.

درین حوزه فایر یک و غیره دستگاههای ماشینی که زنان دران شامل کار شده بتوانند وجود ندارد و اکثریت مطلق زنان وظیفه تنظیم و اداره خانواده را بعهده دارند احیاناً اگر کاری باجوره برای زنان میسر گردد دستمزد آنها کمتر از نصف دستمزد مردان است و کار فرمایان ترجیح میدهند زنان مجرد و دختران را استخدام کنند تا از چند دقیقه شیردهی مادران با اطفال شان نیز خود را فارغ سازند و ازین ناحیه از زنان دهاقین استفاده اعظمی بعمل آورند.

زن درین حوزه یکسره از اوامر و نواهی شوهر اطاعت مینماید و مجال سرکشی را ندارد حقوق مادی زن نیز خیلی محدود است در ترکه میراث باید شریعاً معادل نصف یکمرد حصه بگیرد اما عملاً آن حصه هم به یک مرد مانند شوهر و یا برادرش میرسد.

زن بلوچ حق ندارد طلاق بگیرد هرگاه زنی بخواهد خلاف میل شوهرش کاری را انجام دهد مورد انزجار شوهر قرار میگیرد. شوهر تازمانیکه به اعضای زن صد مه وارد نکرده است حق لت و کوب را دارد

است. هرگاه عضوی از اعضای

زن معیوب گردد شوهر مورد باز پرس اقارب زن قرار میگیرد. در صورت عدم موافقه موضوع را عرض فیصله بخان محل رجعت می دهند و حکم خان درین باره قاطع شمرده میشود راجع باین مفهوم بین مردم بلوچ مثلی بدینقرار وجود دارد: «گوشت زن به شوهر واستخوان او بوالدینش متعلق است».

دخترها حق انتخاب همسر را ندارند و در امر ازدواج به نظر آنها اهمیت داده نمیشود - ازدواج به انتخاب رئیس خانواده پسر و قبول خانواده دختر انجام می یابد. اظهار نظر دختر راجع به انتخاب شوهر برای او عیب پنداشته می شود مراسم ازدواج از مذاکره و مقایسه روستای دو فامیل شروع میشود. موضوع او را از طرف خانواده پسر پیشنهاد شده و نظر خانواده دختر خواسته میشود و در جریان این مذاکرات موضوع پیشکش و طویانه نیز فیصله میگردد. در ضمن فامیل دختر با خویشاوندان نزدیک خود درمورد مشوره نموده و نظریه آنها را جویامی شود از آنجا که خوانین سیستان بر تمام امور تسلط دارند رئیس خانوادۀ دختر و پسر هر دو پیرامون موضوع از خان محل مشوره میخواهند اگر خان نیز به این موضوع موافق باشد دست به کار ازدواج میشوند.

در گذشته اکثریت مردم در چنین موارد از خان محل مشوره می خواستند ولی امروز این روش تا اندازه متروک گردیده و چهل تا پنجاه درصد مردم ازین روش

پیروی نمیکنند.

بهر صورت پس از ابراهیم موافقه کامل خانواده دختر یک تعداد مو سفیدان - جوانان و حتی اطفال قریه به شمول داماد (خلاف معمول در سایر نقاط کشور ما) در فرصت مساعد اکثراً بعد از صرف طعام شب به خانه شخص دختر دارفته و از آنها شیرینی به عنوان موافقت در امر ازدواج مطالبه میدارند. خانواده دختر یک مقدار شیرینی معمولاً نقل و دستمال را که قبلاً از طرف خانواده پسر به این منظور تهیه گردیده و در دسترس شان گذاشته شده است بایشان میدهد برای چند نفر مو سفید و صاحب رستوخ قریه علاوه از شیرینی یک یک دستمال هم داده میشود در ختم مراسم چند گلوله بهوا شلیک میشود که هدف آن ابلاغ موضوع به همه باشندگان گردد و نواهی میباشند.

اکثر دخترهای بلوچ در صغارت در سنین بین دو تا ده سالگی نامزد میشوند و حتی بعضی اوقات دو زن حامله تصمیم میگیرند که اگر یکی دختر و دیگری پسر آورد دختر و پسر را باهم نامزد مینمایند. باین صورت دختر و پسر قبل از تولد نامزد میگردند گاهی هم دختر در سه روزه گی نامزد میشود. چنانچه کاکا - ماما و یا دیگر اقارب طفل نوزاد قدری تکه پوشا که را به عنوان جوره برای دختر آورده و نامزدی او را به پسر خود مطالبه میدارند در صورت قبولی والدین دختر نوزاد به پسر شخصیکه مطلبه کرده است نامزد میگردد. این روش درین اواخر کمتر شده است و باینگونه خواهشات تقریباً

هشتاد و پنج تا نود درصد جوانان منفی داده میشود.

سن دختر در موضوع ازدواج نزد مردم این منطقه اهمیت زیادی ندارد چیزیکه در ازدواج نزد اهمیت دارد مسئله اقتصادی پیشکش یا طویانه است که به مقایسه سویه اقتصادی و درآمد مالی مردم خیلی گزاف است. معمولاً پیشکش از بیست هزار تا صد هزار افغانی تعیین میگردد که مقدار آن اندازه مربوط به قشنگی دختر و موقف اجتماعی و اقتصادی خانواده دختر است. ثلث پیشکش نقد متباقی آن جنس و مویشی پرداخت میشود چون اکثریت جوانان توانایی تادیه پیشکش را به یک رنگی ندارند و نامزد صغیر با موقع میدهند که پیشکش را تدریجاً بزرگ شدن نامزد تا دیه نماید لهذا ازدواج با دختر صغیر به آنها عیبی ندارد. از پول پیشکش یک مقدار آن به خریداری لباس و داماد و عروس و تهیه قسمتی اثاثیه خانه داماد و عروس بمصرف میرسد. فامیل داماد در برات و رفتن ها معمولاً یک یا دو جوره لباس قدری شیرینی تهیه کرده و باین فامیل دختر ارسال میدارند. در جریان نامزدی اگر دختر بمیرد آن حصه پیشکش را که داده تادیه نموده است در صورتی که میشود که داماد از مزایا و رواب نامزدی استفاده نکرده باشد. پس از تادیه پیشکش مراسم عروسی آغاز میگردد به منظوری اجرای این مراسم داماد موادغذایی مورد ضرورت یک وقت خویشاوندان و مسکونین قریه فامیل

میشود ولی در شکل غیر فعال آن که بیشتر وقت افت متوقف گردیده موهای محیط حلقه ی بدون موی محکم بوده و به آسانی کنده نمیشود این نوع موی رفتگی به جسامت های مختلف بوده ولی بعضا تمام موی های سر می افتد که این نوع موی رفتگی سر را به نام کلی تام یا مکمل یاد میکنند ، در اشکال نادر این موی رفتگی های موضعی و کوچک کسب شدت نموده و منجر به رفتن تمام موی بدن به شمول ابرو ها و پلک ها میگردد شکل موی رفتگی موضعی عواقب خوب داشته و موها دوباره نمو میکنند .

انزوا و عواقب موی رفتگی موضعی به فکتور های زیر ارتباط دارد :

عمر مریض ، جسامت ناحیه موی رفتگی دوام موی رفته گی و موجودیت علائم نموی موی .

سبب این نوع موی رفته گی های موضعی را شوک های روحی و فز یکی در اشخاص حساس میداند همچنان زهر یا توکسین میکروب های که باعث گلودردی و امراض دیگر میکروبی میگردد نیز در بعضی اشخاص سبب این نوع موی رفته گی شده میتواند .

آیاریزش موی به صورت عمومی تداوی دارد یا خیر ؟ - بلی و تداوی ریزش موی رابه صورت فشرده میتوان در این موارد خلاصه ساخت :

۱- اطمینان دادن و تقویت روحی برای مریض اهمیت زیاد دارد و مریض باید به شفای خود و نموی دوباره موی مطمئن گردد .

۲- بهبود وضع عمومی صحت با تغذی خوب مفید ثابت شده است .

۳- از بین بردن اسباب محرکه مانند تشوشات عصبی و فز یکی و محراقات میکروبی .

۴- تطبیق ادویه از طریق تطبیقات موضعی که باعث تسریع جریان خون موضعی جلد میگردد همچنان زرقیات موضعی کورتیکو ستروئید نتیجه فوق العاده خوب داده و موی ها دوباره نمو میکنند .

ریزش موی در سنین پیری : ریزش موی در سن پیری طبیعی بوده و از سبب نازک شدن جلد و ملحقات آن صورت میگردد .

نوع دیگر ریزش موی عبارت است از ریزش موی ولادی که بسیار نادر بوده و در موقع تولد کودک موی ندارد و بعد از آن نیز نمی روید ، اما وقایع موی رفتن و لادی یا به تنهایی موجود است و یا با آفت ناخن و دندان نیز به همراه میباشد .

یک نوع موی ریزی دیگر نیز وجود دارد که عمومی و منتشر نیست و بصورت دایره ها در جلد سر یا ناحیه ریش پیدا میشود و به نام کلی دایروی یا مدور یاد میگردد ، این موی ریزی به جسامت دواغلا -

نیکی و یا اندکی خرد تر یا بزرگتر بوده و در هر سن و سال پیدا شده میتواند اما واقعات آن نزد اطفال و جوانان بیشتر دیده میشود ، در این گونه موی ریزی موضعی در جلد مریض صرف از بین رفتن موی تام به صورت حلقه های مدور دیده میشود و کدام حادثه التهابی موجود نمیشود ، مسامات موی در جلد قابل دیدن است ، معمولا شروع ریزش موی بصورت آنی و حاد شروع شده و در عین زمان یک دو و یا بیشتر حلقه ها و دایره های بدون موی نمایان میگردد موهای محیط ناحیه بدون موی در موقعی که آفت فعال است و به پیشرفت خود ادامه میدهد نرم بوده و به آسانی کنده



اطمینان دادن و تقویه روحی برای مریضان «کسانی که ریزش موی دارند» اهمیت زیادی دارد

بقیه صفحه ۴۴

ریزش موی و ...

مصاب میگردد ، شروع ریزش موی تدریجی است و در سنین بیست تا چهل ساله گی آغاز میگردد ، در این نوع موی ریزی عوامل ارثی و فامیلی نقش مهم دارد ، از دیاد فعالیت هورمون های جنسی نیز در آن تاثیر میگذارد .

هشتم - تشوشات هورمونها مخصوص هورمون غده در قی سبب مریض جاغور میگردد از ریزش موی سر میباشد تداوی این نوع خاص ریزش موی باز میان برداشتن سبب اصلی صورت میگردد . رفتن موی قبل از وقت نسبت بزی موی سر : این واقعه بیشتر جوانان را مصاب میسازد ، نزد مصابین سبوسه سر زیاد شده و خارش خفیف نیز موجود است ، ریزش موی از سر و شقیقه روایت صورت میگردد .

باید این مریضان در شتشوی سر خود از شامپو های ضد چربی موی سر استفاده کنند که به وسیله ادغذات کثرت معالج توصیه میگردد .

ریزش قبل از وقت موی سر می که با بنیه شخص ارتباط دارد :

این نوع ریزشی موی کسرت دارد و بیشتر مرد های جوان به آن

بقیه صفحه ۴۲

سازمان ملل متحد ...

مجمع عمومی بار دیگر تجا و زاسرائیل را علیه لبنان و فلسطینی ها و نیز اعمال آن را در اراضی اشغال شده فلسطینی ها و دیگر کشور های عربی بشدت تقبیح نموده و جدا از آن کشور تقاضا نمود تا به تمامیت ارضی - حاکمیت ملی و استقلال سیاسی لبنان در چوکات سرحدات رسماً شناخته شده بین المللی احترام گذارد . شورای امنیت ضمن بحث قضیه در ماه می ۱۹۸۱ باین عقیده سر - منشی ملل متحد که موضوع شرق میانه در مجموع تا وقتی که توافق جامع بدست نیاید به صورت بالقوه خطرناک باقی خواهد ماند ، همنوا گردید .



عاشقان بیچاره و دیوانه در دام گیسو افتاده اند

در آرزوی زن

بیر مرد مستی که سر و وضع خوبی هم نداشت و قیافه زیبایی هم نصیبش نشده بود به یکی از موسسات ازدواج مراجعه کرده و به مدیر موسسه گفت:

من میل دارم با یک دختر زیبا و ثروتمند اما جوان و تحصیل کرده ازدواج کنم.

مدیر نگاه می کرد و گفت:

خوب شغل شما چیست؟

مرد جواب داد: بیکارم ولی مبلغی هم مقروضم خرج پدر و مادر هم باید خودم بدهم.

مدیر خنده ای کرد و گفت:

دختری که باین او صاف باشم ازدواج کند باید دیوانه باشد.

مرد گفت: ما نمی نداشتیم با این عیب او نیز میسازم.



حیله خوب

مردی برخون به محکمه رفت و رو به قاضی کرده گفت:

قاضی صاحب از دست خاتم خود به این روز افتاده ام. قاضی خورا عقب خاتمش عسکر را فرستاد و او را حاضر کرد.

خاتم! شما به چه حقی به خود اجازه دادین که جاروب را آنقدر محکم بسر شو هر تان بگوین که سرش بشکنند؟

زن جواب داد:

آقای قاضی صاحب؟ باور کن من به هیچ وجه قصد سوء نداشتن و نمی خواستم سر شو هر تان بشکنند. پس منظور تان از اینکار چه بوده است؟

نه نه ماهی یک جاکت برای من هم بس

زن باخونسردی جواب داد: هیچ آقای قاضی صاحب فقط می خواستم چوب جاروب کمی بلند بود کوتاه کنم!

خنده خنده خنده

برای شما انتخاب کرده ایم

لطفا خواهش میکنم دکتر

مرد زنده پوشی در حالیکه دست زنش را گرفته بود، وارد معاينه خانه داکتری شد و به او گفت:

آقای دکتر... زنده پوش را سکه را خورده خواهش میکنم آنها را از شکمش بیرون کنید...

دکتر پرسید:

چه وقت، آنها را خورده است؟

دعا ل قبل:

دکتر با تعجب پرسید:

پس چرا تا حالا، اقدام نمی کرده اید؟

بیر مرد باخونسردی جواب داد:

برای اینکه تا حال احتیاجی به پول نداشتم.



بدون شرح

در خانه همسر م در برابر چنین کار عکس العمل نشان خواهد داد؟



بدون شرح

خانم نمی گذارد

تازه جوانی با دختر مقبولی در چوکی پیاسی دیوانه وار متوجه معشوقه اش بود. مردی که از آنجا میگذشت کنار آنها توقف کرده از جوان پرسید:

برادر متاهل هستید؟

بلی... پس چرا شما سوال کردید؟

چون معاشقه تان بسیار زیباست چرا در خانه اینکار را نمی کنید؟ جوان تازه کار لبخندی زده گفت:

هیچ به این فکر کرده اید که



بدون شرح

مریض هوشیار

دکتر با عصبانیت نمره تلیفون اتاق مریض را که چندی پیش مشغول معالجه اش بود گرفت و گفت:

- چکی که بخاطر معاينه داده بودید بر گشته است.

مریض باخونسردی گفت:

- آقای دکتر، مریض منم عود کرده بنابر آن بین ما حسا بی نموده است.



آخ که پدرم چقدر خوش خواهد شد

معدنی بشما تقدیم میکنم تا معده بی

تان از ناراحتی نجات پیدا بد. زیرا

من میدانم دست یخت مادرم یعنی چه!

یعنی چه

گدایی زنگ خانه مرد ثروتمندی به صدا در آورد. وقتی صاحب خانه در ب را کشود، گدا در مقام ضحیح برآمده گفت:

فکر نکنید دو باره بسراغ شما به ام مادر تان يك چیز از دست یخت خود به من داد. فکر کردم شاید چیز دیگری هم از این قبیل داشته باشید.

مرد جواب داد:

- من میدانم شما به چه چیز

تیا ج دارید. اینك يك بوتل آب

پند خوب به تو خواهام داد

برنارد شا و نویسنده بذله گوروزی برای گردش به لب بحر رفته بود و هنگام گردش با خود اندیشید و به کشتی ران تار بحر گفت اگر مرا به آنطرف بری بتو پول نخواهم داد و پندی تو یاد خواهم داد کشتی ران منتظر پند بود که برنارد شا و گفت من اینست که اینکار را که برای من انجام دادی برای دیگری این طیفه را انجام ندی چون از گرسنگی میمیری!



زن به شوهر: عزیزم خواهش می کنم آنطرف را نگاه کنی که وظیفه راهروی شان یکی بی دیگر انجام می دهد تو بامن در کارهای خانه سهم نمی گیری.



مدیر به سکرتر: او دختر چادرمین شما پرا گندگی دیده می شود سکرتر ببخشید مدیر صاحب همان درخواستی خواهر و برادرم بالیدم که آیا تاحال مضاشده است یانی!

جواب دندان شکن

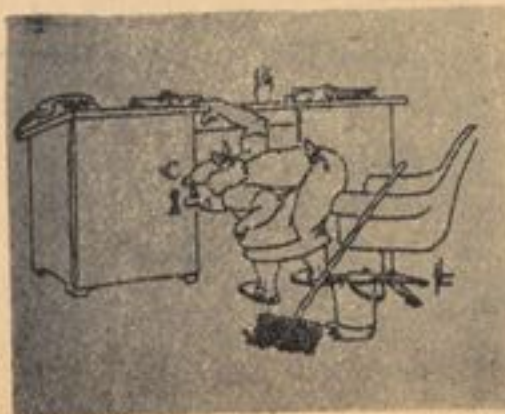
زن وشوهر سالخورده، در طبقه دوم منزل خوابیده بودند يك موقع به اثر شنیدن سرو صدا بی بیار شده، شوهرش را هم بیدار کرد و گفت:

- مثل اینکه در طبقه پایین دزدی در شده زیرا صدا ها بی بکوش برسد.

چه میشود که بروی نگاه می به ناگهانی بیفکنی.

مرد خندیده جواب داد:

- اگر تو بعد از این در طبقه پایین بخوابی، خیلی عالی میشود.



آیا مدیر صاحب پول به خانه میز خود دارد یانی!



در مسابقه دوش کی برنده میشود

از میان فرستاده‌های شما: شعر - قصه - مقاله - حکایت

جزای عمل

در شهر زیبا و با عظمت ((وین))
بروزگار کهن، حاکمی میزیست
مردمدار، رعیت نواز و عدالت
گستر. با اها لی به مهربانی می
آمیخت و در سعادت و کامروایی
آنان میگو شید. در این دیار قانونی
حکمران ما بود که از آغای حکومت
این فرمانفرمای روشندل، بودای
نسیان و فراموشی سپرده شده بود
و آن اینکه اگر مردی با زنی جز
همسر مشروع خود می پیوست و
درینها نی باوی پیوند مهر و محبت
می بست محکوم به مرگ می شد.
اما حاکم نیکو کار که قصد آزار و
مجازات رعایای خود را نداشت
اجرای این قانون را نادیده میگرفت
و خطا کاران راجز او پاداشی نمیداد
رفته رفته زبان مردم بشکوه و
شکایت گشوده شد. پسران و
مادرانی که تاز پروردگان آنها
قربانی امیال شیطانی گرگ
صفتان اهرمن خوی شده و دام
پاکشان به گناهی آلوده شده بود
و شوهران تغافل کاری که همسر
زیبایشان اسیر دیو شهوت رجاله
گان فرو ما یه شده و شهرت و اعتبار
شان زایل شده بود، سر به مخالفت
برداشتند و حاکم را بنا توانی و غفلت
متهم ساختند:

مشاهده غم روز افزون اها لی
و شنیدن اعتراض های ملامت
آمین شاکیان، حاکم را بر آن داشت
که تدبیری عاجل اندیشد و با
تمهیدی عاقلانه بر نجش و نارضا
یی مردم پایان ببخشد و چون
خویش را با قلب روف و بخشش
یشگری که داشت، مجری این
قانون نمیدید، تصمیم گرفت که
از مسند فرمانروایی برای کوتاه
زمانی دوری جوید و در غیاب خود
حاکمی شریف و دادگر که در عین
حال اجراء کننده دقیق قانون باشد
به جانشینی خویش برگمارد. پس
چندی برای طرح اندیشید و سر
انجام، دوست و مشاور دیرین
خویش ((لرد آنژ لو)) را که مردی
میان سن، مطلع و کار آزموده بود
به این مقام تعیین کرد و خود
از دیوانه خانه دوری گرفت.
هنوز ما می از دوران حکومت

است. برادر تو خطایی بزرگ و
بخشش ناپذیر مرتکب شده و به
جزای این گناه بایستی بمیری!!
ایزابل که وضع را چنین دید نا
امید و دلشکسته و پادیده گناشت
بار نزد یاران و کسان باز گشت
همه گرد او را گرفتند و زبان به
ملامتش گشودند که ((چرا با این
سهولت با ز گشتی؟ چرا با وی
باسرار سخن ترا ندی! بکنارش باز
و بدامنش آویز! آنقدر تمنا کن و
سرسش سوزان از دیده بیفشان
تا قلب عاری از شفقتش به حال
زار تو رحمت آورد!!))

ایزابل از نوبت گشت، بدامنش
آویخت و دست تضرع و نیاز بسوی
دراز کرد:

((از باب مهربانی! حاکم عالیقدر
به حال پریشان ما ترحم کن!
هیچ لذتی در جهان با لای و برتر
از لذت عفو نیست! نه سریر
پادشاهی، نه شمشیر فرماندهی
و نه روای حکمرانی، بقدر ذره ای
عفو و گذشت، مسرت در بر ندارند
اورا ببخش و از گناهی که مولود
آرزوهای جوانی بوده در گذر!!))

حاکم دستی از نوازش بر گیسوان
پرشکن او کشید: ((ما هر وی
مهربان! گفتم که برای آلام تو
دیگر در ما نی نیست! دیگر خیلی
دیر است و حکم غیر قابل نقض
است!! اما ایزا بل از تمنا و خواهش
آرام ننشست: ((ای حاکم نیکوکار

اگر تو به جای برادر م بودی، اگر
تو هم بسا لهای جوانی، دل به کمند
ماهرویی میسپردی، شاید تو هم
چون او لغزشی در حیات خود
می داشتی. چه میشد که من قدرت
بیکران تو میداشتم، حاکم بودم
و تو محکوم آنگاه میدیدی که چگونه
با محکومین سیه روز خویش بمدار
رفتار می کردم!! آنژ لو اندکی
متأسف شد:

((دختر زیبا! آنکه برادر ترا
محکوم به مرگ کرد من نیستم بلکه
قانون است. اگر او هم منسوب
من بود، برادر من بود، فرزند من

بود، حکم اعدام، همچنان که مقرر
است فردا درباره او اجرا میشد)
ایزابل با شنیدن این کلمه بخوبی
لرزید: ((چه؟ فردا زهی بی انصافی
و بی مروتی! شما اگر گو سفند
و برای مطبخ خود بخوا هید قربانی
کنید باین سرعت نمیتوانید گردن
بزنید! ای حاکم داد گستر! یک
لحظه بیاندیش، مگر برادر من چا
جنایتی مو حشی مرتکب شده؟ کدام
خون بیگناهی رابه خاک ریخته ایزابل
خطای او از همان نوع خطای
است که صد ها و هزاران کسر چهره
تاکنون کرده و میکنند و کسی
متعرضشان نیست!!))

این سخنان ایزا بل دفعتا امیال
شیطانی حاکم را بر انگیخت. در
دلش طوفانی از آرزوهای ضد
پایایی در گوشش طنین افکند.

با وجود و شیفتگی بوی مینگر
یست: نگاه او، گریه او، تمنا
او، قامت فتان و سینه هو
انگیز و به خصوص آن حال تسلیم
و رضای او، سخت میل سرکش را
و برای تصاحب جسم این صیقل
آماده بر انگیخته بود. چند لحظه
سکوت کرد و در اندیشه فرو رفت
ایزابل که این آرا مش را حمل
بر رضای او میدانست. لب از لب
گشود و از نو سخن آغا ز کرد
(دریغ، من برای این جوا نمود
و احساس شما پا داری ندارم
خداوند از گنجینه بیکران رحمت
خود شما را پا داش دهد!! آنژ لو
که در آن دقایق را می عاقلانه بر او
اجرای مقصود خویش نمی یافت!!))

گفت: ((دختر زیبا، فردا مجدداً نزد
بیا تا در این باره بیاندیشم!!))
ایزابل مسرور و شادمان با قلب
آکنده از امید به خانه بازگشت
و آنژ لورا با افکار شیطانی خویش
باقی گذاشت. حاکم دلخواه تمام
شب راتا صبح نیاو مید و با آرزو
طاغی و روح هو سناک خود جدایی
کرد.

سرانجام نیروی اهریمنی بر
سیاه وجدان او فایق آمد و مص
گردید از این ماهروی اسیر
طریق که هست کام دل بر گیر
پس بامداد روز بعد هنگامی که

سراب واهی

وجودم از آتش عشقی لبر یزگردیده که گویی از اعماق قلبم
جرقه های سو زنده یی بر میخیزد و تار و پود و جودم را شعله و رمی
سازد .

گاهی رگم رگم را هیجان دوست داشتینی فرا میگیرد که مرادر
عالم خلسه ، در وری رو یافرومی برد ، و من در این دنیا ی خیالی
عقب سرا بی میروم که فریبا ست و فریبنده ، و در دش خوش آیند
است ولدت بخش ...

به الهام از تصور این سرا بفریبگر و واهی در درو نم، در ژرف
دل، موجی از احلام های شیرین از آرزو های عجین شده بادرد ها
ویاس ها و نو میدی ها، گره می شود و عقل به من نهیب میزند و
فریاد بر می آورد که :

« از این عشق حذر کن، از این گر دا بی که ترا در خود غرق
خواهد کرد . از این احساس اینکه ترا به خفت و خواری در دام خوا-
هد افکند . از این عشقی که آن راجزی یی از وجودت میپنداری بگذر
و به طاق نسیم نش گذار ...»

کلا دیو اندیشناک سر فرو افکند
من خود را برای استقبال از تقدیر
شوم خویش آماده ساخته ام و لی
در این سالهای جوانی، نوشیدن
ساجر شرنگ آلود مرگ، بس تلخ
و ناگوار است)) ایزابل دستی از
نوازش بر چهره او کشید :

((برادر ، چاره چیست ؟ اگر
خواهرت تسلیم هوای نفس این
فاجر سنگدل شود ترا خواهد
بخشید ، حال باید ازین دو راه یکی
را بر گزینی ، یا مرگ یا رسوایی
خواهرت را ، کدامیک ؟)) کلا دیو
اورا به آغوش گرفت : ((خواهرا
من نمی خواهم و نمی توانم در جوانی
به ظلمت مرگ پناه برم . مرا ازین
ورطه هولناک رهایی بده .

گناهی که تو به خاطر نجات
برادرت مرتکب می شوی گناه
نیست ، خفت نیست)) ایزا بل
سخنش را برید .

((ای بزدل بی ایمان ای گناه
کار وامانده ! چگونگی حاضریت
باین خواری در دهی ؟ چگونگی راضی
میشوی خواهرت کام زهر اگسین
مرد دیو صفتی را شیرین کند تا تو
چند صبا حی بیشتر در این جهان
آلوده زندگی کنی ؟))

دعوی ترا جز یاره نخواهند پند-
اشت . بتقاضای من تن در ده و
برادر خویش را از سر نو شستشوم
خود برهان !))

ایزابل با دیدگان سر شک آلود
کاخ حاکم را ترک کرد و بدیدار
برادر رفت . زندان بان که خواهر
پزیشانی اورا بدید در سرویس
بگشود . ایزابل آنجا در کنار برادر
راهبی دید سالخورده و روشن ضمیر
که فروغ پاک و پر هیز گاری از
سیمایش ساطع بود . سر به ند به
وزاری بر داشت که ((ای برادر ،
چرا چنین کردی که وضع و حال
مارا باین روز سیاه انداختی ؟))

راهب که در حقیقت همان حاکم
اصلی بود و برای کشف ما و قس
بزدان آمده بود ، خواهر و برادر
را تنها گذاشت . ایزا بل گفت :
((برادر خود را برای مرگی دلیرانه
آماده ساز !)) کلا دیو نا امیدانه
پرسید : ((آیا راهی برانجات من
نیست ؟))

ایزابل گفت : ((رهایی تو تنها
از یک طریق میسر است و آن اینکه
دامان پاک خواهر تو بدست حاکم
ستمکار آلوده شود . آیا تو باین
مذلت و خواری تن در میدی ؟))

بل برای دیدار او آمد ، زبانه
بجا مله و نوازش و ی گشود و
حالی که متدرجا اورا به آغوش
میخواند تا بوسه از لبان لعل
بی برگردد گفت :

((ایزابل زیبا تو دیروز با جمال
آزایت چنان مرا منقلب کردی
که خود را سپیده دم دیده بر هم ننهادم
نصافی تارگان آسمان را بر شمردم
فندی شود که امشب دیر هنگام
فریادی که از قلب رنج دیده
مردی که نیازمند به نوازش های
بیک بخش تست دلجو یی کنی تا
مچه پاداش این محبت برادرت را بی
کدام آزاد کنم !))

ایزابل که هرگز انتظار شنیدن
هایین سخنانی را نداشت ، رنگ
سرمه چهره به باخت و در حالی که
می ایستاد از میان بازوان او به عقب
کشید گفت : ((زهی ناجوانمردی

ایمیل همتی ! من برای رهایی جان
دور خویش به نزد تو دام در س
ضد آمدم و اکنون می بینم که
چون کبوتری ضعیف بدام
بینگر همتی قوی گرفتار آمده ام ،
تمنا می کنم در باره من به خطا قضاوت
نکنی . من هر چند برای جان
تسلیم خویش از زش قایل با شوم
کشتن مرا قتل و نا موس خویش بیشتر
صیقل بندم . از درون دیر مقدس
لحظه ای تو روی آوردم تا از تو یی
رفت مجرای عدالت هستی ، داد -
حاصل می کنم و اکنون می بینم که
از لب دیوان خانه ، خود کانون جور
رد کنم و بیدادگری است !))

مرد زانو که از سخنان عتاب آلود
ایزابل سخت بر آشفته بود فریاد
حماسه ((اگر به تقاضای من تسلیم
انزلی می شود گند به شرافتم که حکم
نه برای برادرت را فی الفور اجرا خواهم
یا نه !)) دختر آشفته سخنش را
که ((چگونه جرات میکنی دم
از دم شرافت زنی ؟ این را بدان که
مرا مان آزادی برادرم را هم
باقلمت من امضاء نکنی ، بگو شجها -
گشتن خواهم رساند که تو در ازای
خویش برادرم از من چه می طلبیدی
نه تمام زلو تبسمی زهر اگسین بر لب
روز و نه)) (دختر نادان ! چه کسی
جدال می خام ترا باور خواهد کرد؟
ت و اعتبار من بحدیست که

فریاد های آمیخته بازار ی او باورود
را شب قطع شد . پیر رو شند ل دو
خواهر و برادر را در کنار خود
نشانده و آنگاه روی به ایزا بل کرد
و گفت : ((ای دختر پاکدامن من
سخنان شما را از پشت در شنیدم
این طهارت و تقوای تو شایان
تقدیر است ، اما بایستی راه عالم
قلانه اندیشید . من برای حل این
مشکل ، طریقه ای به نظر م رسیده
است که اگر آنرا دنبال کنید شاید
ثمری نیکو به بار آورد . این حاکم
گناهکار را همسری است . بنا م
((ماریانا)) . او خواهر فرزند یک
ناخدای دلیور است که چند ی قبل
کشتی او بدست امواج سهمگین
گرفتار آمد و با خودی بر ژرفای
اقیانوس جای گرفت . در این
کشتی کلیه جهیز ماریانا قرار داشت
که در این سانحه از میان رفت .
آنزلو پس از این حادثه المناسک
نه تنها به همسر خود تفقد ی نکرد ،
بلکه اورا از خویشتن پرا ند و لطف
زندگانی را بیکباره برویش ببست
اینک سالی میگذرد که بین این دو
متر که بر قرار است . اکنون فر-
صتی بس نیکو ست که تو نزد
آنز لو رفته ، بوی اطلاع دهی که
حاضری برای نجات برادر خویش
به تمنا ی ناجوا نمرده او تن دهی
و آنگاه در پنهانی ، ماریانا راضی
کنی که شبانگاه به جای تو به بستر
حاکم پای گذارد .))

"ایزابل از این راهنمایی را هب
مشغوف شد . بیدرتنگ بدیدار ماریانا
رفت و ماجرا را با او در میان
گذاشت . آنگاه بقصر باز آمد و
رضایت خود را برای تسلیم و تفویض
بهاکم باز گفت : حکمران
سیاهدل که سر انجام پرنده تیز
بال آرزو را در قفس آهنین قدرت
خویش اسیر میداند از شوق و
مسرت سر از پانمی شناخت ، در
عین حال برای آنکه قانون رانیز
محکوم شمارد و از فرمان خویش
عدول نکند ، هماندم فرمان داد
که زندانی را به هنگام شب گردن
زنند و بدوران این هیاهو و غوغا
خاتمه بخشند .

بقیه آنرا در شماره آینده بخوانید

زمیان فرستاده های شما: شعر - قصه - مقاله - حکایت ..

جواب به نامه های شما

سلام علیکم دوستان و علاقمندان عزیز:

به دعا ی سلامتی و صحتمندی شما به پاسخ نامه های آغازیم: **دوست عزیز محمد ظا هر ایو بی** سلام و صلوات ما هم بیشکش تان. چه بجا انگشت انتقاد گذاشته اید که سخت دلپذیر است. چه میتوان گفت؟

سخن از کجا شروع کنیم؟ از مشکل مطبوعه. اما بگذارید که خوانندگان عزیز ما از مطلب پر شویش شما آگاهی یابند، و نامه های را که در میان پاکت عادی جابجا کرده اید بخوانند:

((بعد از عرض سلام های زیاد و بیکران، نمیدانم از فاصله های دور یا نزدیک، خواستار صحت و سلامتی و خوشوقتی شما دوستانم. ای کارکنان ژوندون! تعجب نکنید که چرا با پست هوایی و آنهم نامه که به خارج میروید برای پتان نامه میفرستم، زیرا به من خبر دادند که ژوندون برای هوا خوری و گردش به خارج کشور سفر کرده و چون مدت یکماه و پانزده روز میشود که از ژوندون خبری نیست من یقیناً دانستم که جلالتماب ژوندون به سفر دور و دراز رفته است.

ژوندون جان قند! هر جای که باشی آرزوی ما خوشی و آرامی توست، اما گاه گاهی احوال ما را هم بپرس و از دوستانت خبر گیر. در مدت سفر تو به خارج مانده احوال از توداریم و نه نامه از تو بدست ما رسیده. ما از غم تو کم است که دیوانه و سرگشته شویم. هر روز به میدان هوایی، به غرقطاسیه میرویم و از ایشان می پرسیم که ژوندون نیا مده؟ جواب ما یوس کنند می شنویم و با چشمان پر اشک باز پس به خانه میگردیم. ژوندون جان!

خدا بخواسته، خدا نخواسته از ماقبر نکرده باشی، و یا در طرب و شادی خود غرق هستی و مازا فرا موش کرده ای. اگر تو از نزد ما قبر کنی بدان که ما خود را در چاه چهل متره خواهم فرو انداخت.

ژوندون جان شیرین! التماس میکنم، این سفر دور و دراز را پایا ن بده و بیا احوال دوستانت را که در سرحد دیوانگی از غمت به سر می بر ند بگیر و علاج غم های ایشان را بنما و لطفاً بعد از این حد اقل هفته یکبار اگر به سراغ دوستانت رسیده نمی توانی کم از کم چارده روز بعد، سری به سوی علاقمندان و آشنا یانت بزن و دل های غمدیده ورنجور آنها را مرهم گذار شو و به آنها خوشی از دست رفته را باز ده. باز هم میگویم و تکرار میکنم و هوشدار میدهم که اگر تو چند روز دیگر هم به این سفر بیپوده ات ادا مدهی یک دوست تو زنده نخواهند ماند. به امید دیدار های همیشگی - خدا حافظ))

ژوندون از من خبر گرفته اید ممنونم، توان و جالی ندارم. به جان شیرینم قسم که زندگیم سخت میگذرد شما از خوش گذرانیم گفتید، گویا که بارو بنه را بسته ام به خارج سفر کرده ام، نه اینگونه نیست. هیچگاه قبل از سفر زمینی، سفر هوایی نداشته ام. من همیشه در سفرم اما سیر و سفرم محدود بوده است. موقعیکه در سفر زمینی هستم پیرامونم را می شناسم و لی آنگاه که به پرواز می افتم همه خوانندگانم را یکسان نمی شناسم، یکی را بیش می شناسم و دیگری را کمتر. آنهم بستگی به خود آن شخص دارد. گفتم همیشه در سفرم مقدّمات کار

ویزه و یا سپورتم را همان کسان می دهند که بنا م خودم، به اضافه چند کلمه دیگر یاد میشوند. اینها اصلاً استخوان بند ی مرا تشکیل میدهند و توجه میکنند که هفته وار ویزه بگیرم و سفر فضایی خود را بیا غازم، ولی این دوستانم گاه گاهی مو فق نمیگردند و با ید هم نگرند زیرا انجام آن کار ها در حدود صلاحیت این عزیزانم نیست و این کار ها یم را با ید کس دیگری بفهمد. اینان که بنام یاد میشوند بسیار میگویند که بایستی هفته وار ویزه بگیرم، اما آنجا یی که می روم آنها در سفر هفته وار م به دقت توجه نمی کنند و هفته وار و مال هوار را یکی میدانند. در آنجا که میروم بسیار کسان ی اند که با آنها آشنایی دارم و آنان هم پی همین کار آمده اند. دوستان و آشنایان دیرینه ام را میگویم، شاید بشناسید ش، هنر، کسپول، آواز، باستان شناسی، کتاب و بسا این دوستان خوب همه بد نبال هم برای ویزه گرفتن میرویم. نخست چند روزی در کنار ماشین های حرف ریزان معطل میشوم. از حرف ریزان که کار م خلاص شد به شعبه صفحه بست میایم و اینجا آرایش می کنند و آنگاه در زیر ماشین چاپ، آرایش را جدا و روغن میزنند و انگهی به صحافی میبرند و گوشه و کنار م را پیراسته میدارند و جامه ام را می دوزند هنوز سفر زمینم ختم نگردیده که برای ویزه گرفتن نهایی به وزارت اطلاعات و کلتور روا نه میگردم و این ویزه گرفتن ها، هر کد ام روزی چند را میگیرد. من حیات جدا از شما دارم. شما شاید خوش باشید که روز ها زندگی تما یید اما از عمر شریف تان فقط یک روز کا هش یافته باشد ولی من چنین نیستم، می

ترسم اگر یکماه از عمر م به باز هم هفته وار با شم میخوانم روز زندگیم فقط هفت روز با ید یک روز عمرم هفت روز. از سبب است که میگویم زندگیم میگذرد و توان و جالی ندارم. سرت سو کند ظا هر جان یکله هم خوش نیستم که بعد از هفت شما را خبر بگیرم، افسوس حالا بعد از پانزده روز احوال را میگیریم. گناه اگر از من به من بگویند. من شرح کار به شما یک به یک گفتم و دیگر چه از قدرت من ساخته نیست. خودم کار های چا بخانه را کردم. لعنت به این تخصصی که این را هم از من گرفته اند اینگونه سفر زمینم در چابا به پایان میرسد و سفر هوایی با توزیع خود م آغاز می یابد و جای دوست عزیز عبدالقهار اما ن همکار ارجمند چنین مینگارم ((چند ی قبل سه قطعه شعر چاپ به مجله ارسال داشتم که شماره ۲۵-۲۶ به نسبت اشتباه انتقاد قرار گرفته و بر علاوه در کلمات غلط فهمی صورت گرفته بود درباره مفهوم شعری اش نیز بادر نظر داشت اشتباه تصویب نیز بعمل آمده بود. بنسأ مسؤولین محترم اداره خواهش تا صورت اصلی شعر م را بار به چاپ رسانند. ناگفته نماند که غلطی ها دره اول بیت اول غزلیکه ((آدم صند گیر و مسلمان نپذیرم)) شری میشد که ((کفر)) بجای ((گم)) افتاده بود و در مصرع دوم غزل به جای «حین» «چنین» چاپ رسیده بود. بر علاوه در غزلی دیگر یکه با بیت ((میروی روی ایدو ست دگر بار نیا یی)) شری میشد، بجای ((رو)) در بیت

بخست ((و)) و به جای ((دگر بار))
 دگر بار با ز و در همین
 نزل به جای « نیک بیندیش »
 ((نیک پسندش)) چاپ گر دیده
 بود، امید وارم تو چه نما یید . باید
 یاد آور کردم که اگر چه به اصول
 شعر و شاعری آنقدر دست یابی
 ندارم ولی با آنهم از نگاه دستور
 زبان اینقدر میدانم که گبر در کجا
 نوشته شود و یا کفر در کجا ذکر
 گردد و یا اینکه حین در چه مورد و
 چنین در چه مورد استعمال شود))
 از دوست عزیز تشکر میکنم که ما
 را متوجه اشتباه ما ساخت اما این
 نکته گفتنی است و قتی که نا مه به
 خواننده مینویسیم بار دیگر آنرا
 بخوانید تا حرف و کلمه ای از قلم
 نیفتاده باشد و نا مه عکس معنای
 مطلوب را توجیه نکند . این گناه
 را بر ما نگیرید که غلط تبصره
 کرده ایم .

آنچه میگویم بر اساس و بنیاد
 همان نامه است ، هر چه هست از
 نامه برخاسته است نه اینکه ((چنین))
 را حین بخوانیم با آنکه در ستش در
 آن شعر حین باشد بهر حال ، عذر
 میخواهیم که چنین اشتباهی از
 قلم ما تراوش کرده است و لی از
 مایه شما نصیحت که نوشته تا آنرا
 بخوانا و روشن بنویسید تا دال به
 جای ذال نه نشیند و باران خشم
 شما بر ما نبارد . توفیق همکار عزیز
 را میخواهیم و دعا میکنیم این
 اشعار شما که به نشر دو باره می
 رسد از غلط چاپی بر کنا رباشد

آدم صفتم گبر و مسلمان نپذیرم
 انسانم و جز خصلت انسان نپذیرم
 در محکمه باطل و حق حین قضاوت
 بر خویشتنم ، لعنت وجدان نپذیرم
 من از دل دریای جبین در یکف آرم
 همت بودم منت باران نپذیرم
 هنگام اجل گریه هد آب حیاتم
 نیم نفس از خضر هم احسان نپذیرم
 در کنج قناعت بدهم جان زکف اما
 بار کرم خوان کرم نپذیرم

میروی مگر ایدو ست دگر باز نیایی
 باردیگر به سراغ من بیمار نیایی
 فکر باز آمدن خویش بسویم نمایی
 هان اگر آمدی اینگونه دل آزار نیایی
 دل نه باز یچه بود نیک بیندیش دگر بار
 با چنین شیوهی ناخواسته همدار نیایی

تا که واقف نشدی از دل پروانه و بلبل
 میل گلشن نکنی جانب گلزار نیایی
 در دیار یکه محبت بود آیین قدیمش
 آمدی نیک بیا ، رند تبسکار نیایی
دوست عزیز اسدالله مفتون

محصل پوهنچی فارسی
 سلام همکار عزیز : ((نیلو فرامید))
 را خواندیم و یسم و برای چاپ به
 متصدی صفحه ای ((از میان بر-
 گزیده ها ...))

حوالت کردیم . اشعار دیگری
 بفرستید . توفیق یار تان .
دوست عزیز محمد کاظم امینی
متعلم صنف دوازدهم لیسه ابو عبید
جوز جانی فاریاب
 همکار خوب ما مینگارد : ((سلام
 واحترامات قلبی خویش را که از
 زرقای قلم منشاء میگیرد به کار
 کنان و کارگران مجله زیبای
 ژوندون تقدیم می نمایم .

اولا از نشر غزلیات خود که
 در ج صفحه ای مجله شده بود مراتب
 سپاسگزاری خود را ابراز میکنم
 گر چه اشعار من شایستگی نشر
 در صفحه متذکره را نداشته ولی
 باز هم این حسن نظر شما رفقای
 عزیز بود که در حق بنده رواداشته
 اید .

تا نیا خوشو قتم که مرا به حیث
 یک همکار قلمی مجله پذیرفته اید
 و مرا مفتخر فرموده اید .

ثالثا به سلسله ادایه همکاری
 خود دوبار چه دیگر از غزلیات خود
 را بنام های ((آزادی)) و ((شور
 عشق)) فرستادم . امید که شما هم

بپسندید و بارعایت نو بت بدست
 نشر بسپارید ... به امید عرضه
 بهترین و رنگین ترین مجلات شما
 لطف می نمایید و گر نه کاری نکرده
 ایم . نوشته و شعر خوب خود تان
 بود که شایستگی چاپ را داشت .

و اینک شعر دیگر تانرا بخوانید
 آندگوش را در صفحه ((از میان
 برگزیده ها ...)) در یکی از شماره
 های بعدی مطالعه فرمایید .

شور عشقم ترانه رامانم
 تار نا لان چغانه را مانم
 ساز من بی بیان حرمان است
 خود زهجران فسانه را مانم
 بسکه آواره ام به شهر شما
 ((مرغ بی آشیانه رامانم))

آید هر لحظه موج حسرت و غم
 بحر عشق زمانه رامانم
 دل من داغ ، داغ حسرت اوست
 لاله داغ لانه رامانم
 هیچ طبعی زمن نشد شادان
 شیوه ظالمانه رامانم
 کفتمش در سخن که را مانم
 گفت رنگین ترانه رامانم
 حاصل از عمر من نه باشد هیچ
 گمراهی بی نشانه رامانم
 در قفس کرد و ناله ام نشنید
 ((صید بی آب و دانه رامانم))
 راه خیرت بد هر می پویم
 من ((امین)) زمانه رامانم

دوست عزیز ظاهر احمد محصل
صنف اول پوهنچی حقوق
 همکار ارجمند ما مطلبی فرستاده
 اند به توصیف و بزرگداشت مقام
 کارگر .

بخوانید : ((... توای کارگر!
 یکپارچه آتش پنهانی ، به تو ای
 کارگر زحمتکش ، ای نیروی خلاق
 تاریخ ، به توای کسیکه با زوی
 توانایت وجود آورنده این همه
 شکوه و عظمت عصر ما ست .

به توای پرو لتر زنجیر شکن ،
 به توای موج متحرک پیشرو ، ای
 سیلاب ویرا نگر کاخ های ظلم
 و ستم ، توجها ن رابلرزه افکنده
 و تاریخ را دگرگون ساختی .

به توای موج پیشرو نده تاریخ
 مایه نیروی توان و خلاق تو باور
 داریم ، مایه قدرت شما اتکاء داریم
 و عظمت و بزرگی تانرا با س می
 گذاریم)) به امید همکاری های
 دیگر تان .

دوست عزیز شکیلا نعیمی فارغ-
التحصیل لیسه عایشه درانی

سلام میگویم و امیدواریم که نا
 امید نباشید . ناامیدی از برای چه
 چرا ناامید باشید . بازندگی بستیز
 بدو امیدوارانه به آن نگاه کنید و
 از مشکلات نهرا سید ، زندگی
 همین شیرینی و تلخی را با هم
 دارد . مطالب خوب شما را گرفتیم
 اینک بخوانید : ((سخن گفتن
 یک نوع احتیاج است و لی گوش
 دادن هنر است .

گوته
 * - خاموشی بهتر از پرگویی
 است .

افلاطون

* - هیچ میراثی گرانبها تر از
 راستی و دوستی نیست
 ویلیام شکسپیر
 * کم دانستن و پر گفتن مانده
 پول نداشتن و زیاد خرج کردن است
 ناپلیون

* - گل بی آفتاب نمی شکفتد و
 سعادت بدو ن عشق بوجود نمی
 آید . ما کسیم گورکی

و اینهم سخن از عشق وزن :
 * زناشو بی عبار تست از سه
 هفته آشنا بی ، سه ماه عاشقی ،
 سه سال جنگ و سی سال تحمل .
 * - عشق ها بی که از هوس
 سرچشمه میگیرد از میان میرود ولی
 عشق هایی که سر چشمه اش عقل
 باشد همیشه باقیست .

* زوی دروازه قلبم چنین نوشتم :
 ((عبور ممنوع)) ولی عشق خنده
 کنان وارد شد و گفت :

((من همه جا داخل میشوم))
 * در قضا یای عشق قاصد
 میان پاکی و خطا فقط یک بو سه
 است .

* سکوت بهترین زینست زن
 است .

* زن سخنران اسرار خلقت
 است .

* زن فرشته بی است که درایام
 طفولیت پرستار ما و در دوران
 جوانی کام بخش ما و در روزگار
 پیری تسلیت ده ما ست .

و لازم به گفتن است که ما به همکاری
 های پرثمر شما نیازمندیم . شما
 از همکاران خوب ما خواهید بود ،
 مطمئن باشید . تقاضای شما مورد
 قبول است ، میتوانید مطالب
 انتخابی خویش را برای ما بفرستید
 و دیگر از ناامیدی حرف و سخنی
 نزنید .

(والسلام)



رسم و رواج های...

دختر را تهیه نموده و بد ستر س خسر خیل میگذارد بر علاوه با ید مقدار کافی مواد غذایی برای اقارب و ولس خود نیز فراهم نماید. بعضی اوقات که دختر و پسر در يك قریه زندگی داشته باشند فامیل داماد و دختر بهم موافقه کرده و از مهمانان به صورت مشترک در يك جایند. برایی مینمایند. در حالت توانایی داماد يك دسته موسیقی نوازان نیز استخدام میگردد و اکثریت مهمانان جهت گرم شدن مجلس در رقص و اتان سهیم میشوند در ختم مراسم عروسی عقد نکاح صورت میگیرد. در نکاح از جانب دختر پدر یا ماما یا کاکا و در غیر آن یکنفر از موسفیلان اقاربش به حیث وکیل انتخاب میشود این شخص صلاحیت قبول و یارد ایجاب پسر را از جانب دختر کاملاً داراست.

ملا راجع به وکالت او دو نفر مرد یا چهار نفر زن رابه حیث شاهد میخوانند در شهادت دو نفر زن معادل يك نفر مرد قبول میشود اما شاهی زن کمتر رواج دارد. حینیکه شاهدان از زبان دختر راجع به وکیل و کالت شهادت دادند وکیل اختیار نفس دختر را کسب میکند تا او را به جوانی که مطالبه کرده است بدهد.

در عقد نکاح نیز اراده خان دخیل است داماد قبلاً باید گوسفند یا بره را تحت عنوان کبابی به خان داده باشد در غیر آن خان به ملا عاقد نکاح اجازه عقد را نمیدهد و ملا در عدم رضایت خان به عقد نکاح اقدام نمیکند قرار اظهار مرد م تا حوالی ۱۹۶۸ در مناطق فوق گرفتن نکاح خط مروج نبود و نکاح با اجازه خان عقد میگردید اکنون در پهلوی اجازه خان نکاح خط هم مروج شده است و اجابت با حق و مهر دختر در نکاح خط درج میگردد.

در ختم مراسم عروسی داماد به خانه عروس برده میشود (بر خلاف در دیگر مناطق کشور عروس به خانه داماد برده میشود) و داماد برای سه روز در آنجا میماند بعد از آن يك تعداد از خویشاوندان داماد آمده داماد و عروس را با تشریفات خاص به خانه داماد میبرند.

در بعضی حصص دیگر ایسن حوزه مانند رود بار - خواجه علی - لندی - پلاک و غیره در ختم مراسم عروسی برای داماد و عروس از طرف فامیل عروس در نزدیک خانه شان خیمه برافراشته میشود که عروس و داماد برای سه شب و روز در آن زندگی میکنند سپس داماد و عروس و مادرش با داماد به خانه او رفته و مادر دختر برای یکی دو ماه همراهی دختر خود میماند در همین جاسم عروس سی به پایان میرسد و هر حله دیگری از زندگی زن و مرد آغاز میگردد.

با وصف نارسایی های زیاد که درین شیوه از دواج به ملاحظه میرسد بعضی نکات در خور توجه نیز در آن موجود است. مصارف زیاد و کمر شکن عروسی زمینیه تعدد از دواج را خالصتاً در طبقه متوسط و پایین این جمعیت از بین برده و اما سطح طلاق رابه کلی پایین نگه داشته است.

علاوه بر آن چون دختر و پسر بلوچ در امر ازدواج نقش قاطع ندارند مسئولیت مناسقات بعدی زناشوهری را بر دوش اشخاصی میگذارند که در ازدواج شان وساطت نموده اند و با ینصورت رفع منازعه میکنند.

بعد از تشکیل خانواده مسئولیت های درون خانه بر دوش زننها گذاشته میشود زنان بلوچ در زندگی روزمره وظایف گوناگون به عهده دارند تأمین نظافت خانواده تنظیم امور منزل - پخت و پز غذا را ایشان بدمه دارند اکثر زننها در صورت موجودیت همزم و چوب در اطراف نزدیک محل زندگی شان به جمع آوری مواد محروقاتی مورد ضرورت نیز میبرند - نگهبانی و تربیه حیوانات - تهیه علف برای

آنها از مزارع نزدیک بر دوش زننها است. دو ختن و شستن لباس اعضای فامیل از وظیفه زننها بشمار میرود تربیه اولاد و تأمین نظافت آنها هم از مسئولیت های زن است نگهبانی و تربیه و چوپانگی چند قطعه مرغ و فیل مرغ قسمت دیگری از مسئولیت های زنان بلوچ را تشکیل میدهد. در صورت مو -

جودیت پشم به بافتن گلم - دستر - خوان و ندر تا قالین و غیره پارچه های پشمی طرف ضرورت فامیل هم میبرند دارند علاوه از وظایف فوق در اتنای فصل نیز باشو هر خویش در وظایف زراعتی بیرون از خانه حتی الوسع سهیم میگیرند.

در شستن لباس بعود صابون ازبته (شود) کار میگیرند. ایسن بته در ریگزارهای این منطقه روئیده و تقریباً هفتاد و پنج سانتی متر بلند میشود گل این بته شیسر چایی و برک آن سبز است زنها گل و برگ این بته را جمع آوری کرده در جلت (کندوی خمجه بی) در زیر کاه برای دو تا چهار هفته میگذارند تا گنده شده و رنگ آن از سبزی به سیاه می تبدیل شود هنوز این مواد مرطوب میباشد که با دست آنرا کلو له میکنند و از ین کلو له ها که

بقیه صفحه ۴۷

درخشش ادب دری...

علوم زبان بار آورده بود. واکثراً از ایشان گاهی بسان ظهیر و ناصر خسرو در باب مسایل علمی و غیر ادبی رساله های تالیف می کردند. در قرن ششم که اوضاع شعری و ادبی آن مطرح بحث است موضوع اشعار را بدرجه اول مدح و عجو و موضوع بعدی را داستان و قصه و مسایل عرفانی و عشقی و حکمت احتوا میکند. بدبینی و یاس که معلول آشفتگی اوضاع و حوادث سیاسی و ستیزه جو یمهاست غالباً در اشعار این دوره سایه افکنده و تجلی این گونه یاس و بدبینی ها ناشی از عوامل زمان بانواع گو ناگون در شعر منعکس شده است.

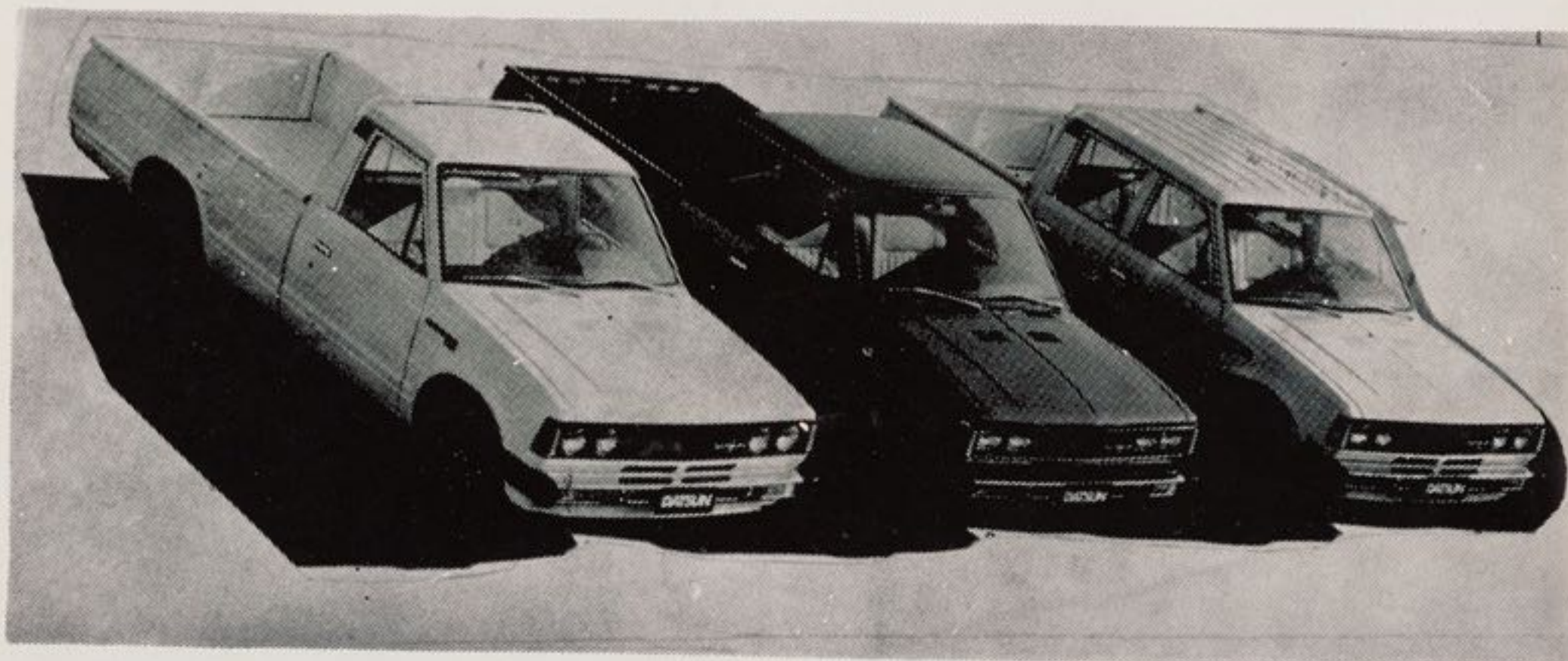
و شاعرانی که مانند سنایی ظهیر و خاقانی پایه انزوا و گوشه نشینی نهادند و این مساله را که بیشتر شعرای متقدم قسمت بزرگی از قریحه و استعداد ذاتی خود را مصرف قاصاید و مدایح میکردند. بیرون از انگیزه ها و علل و عوامل درونی جامعه شناخته نمیتوانیم و این یک حقیقت مسلم است که اکثر آنان شعرای دربار بودند و برای عامه مردم شعر می گفتند اشعاری در ستایش و ثنای مدوح میسر -

در حدود یکصد و پنجاه گرام وزن دارد یکی را تقریباً در ده لیتر آب میاندازند رنگ آب تغییر نموده زرد میگردد با آب مذکور کالار میشویند در شستن سرو صورت خود بعضی آنها نیز از آن استفاده مینمایند. بعد از سقوط آسیا رهای بادی در سیستان تا این اواخر که آسیا بهای دیزلی رایج گردید آرد مورد ضرورت فامیل را نیز زننها با دستهای دستی تهیه مینمودند برای اجرای این کار بعضی از زنان دیگر دعوت می آورند که این رسم شان را بلسان بلوچ آرز و کوه میگفتند و هنوز هم اصلاح مذکور در مورد پشم ریشی و پاک کردن گندم خورا که بین زنان بلوچ معمول است.

۴۴ دارد

دند و امر معاش رابه اتکالی سخا کرم آنان قرار میدادند. و چنانچه از ین رهگذر زندگی خانواده را تأمین کرده اند به همین علت بسیاری قصیده سرایان مانند عنصری فرخی، خاقانی، انوری و ظهیر فرایابی و امثال اینها که از بزرگترین سخنوران زبان خویش به حساب می آمدند آثار شان از نگاه فورم محتوا صبغه جهانی نداشته در علایق و پیوند های جغرافیایی محدود می مانند سخن و را حماسی چون فردوسی یا از غزل سرایان مانند حافظ یا از گویندگان اشعار اخلاقی حکمت آموز مانند سعدی و ناصر خسرو یا از سرایندهان شعار عرفانی مانی مانند عطار و جلال الدین بلخی یا از عجو نویسان مانند عبید زاکانی یا از شعرای دقیق نظر چون خیام سخن به میان آید خوانندگان اینگونه آثار هر یک از این گویندگان به موقف فرزانه شان رسایی و توانایی بزرگی قابل می گردند زیرا افکار عالی و اندیشه های آنان در پی گران جهان به دل ها می آمیزد و جاودانه در اندیشه ها نقش می بندد.

نیسان / داتسون



مساعده هر نوع بار - موتر دلخواه همه

بقیه صفحه ۳۵

فدراسیون ...

فرانسه به حیث اولین رئیس فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان برگزیده شد. او حیات خویش را وقف سعادت زنان، مبارزه به خاطر آینده مسعود کودکان نمود، - او میری کلا دویان شخصیت محبوب ((حزب کمونسست فرانسه عضو فعال جنبش مقاومت ضد فاشیستی که در شکنجه گاههای آشویتس و رادنسبورگ مدتها محبوس بود به حیث منکر ترجمان فدراسیون انتخاب گردید.

باقیدارد

می و مسلکی ایجاد شبکه های مساعده برای اطفال قبل از سنین شب به طور خستگی ناپذیر مبارزه می نماید. او زن کویون شخصیت و فزیکدان، شخصیت رفته جنبش مقاومت ضدفاشیستی، چهره شناخته شده جامعه

بقیه صفحه ۱۳

آیامعیوبیت...

ازین طریق تبادل اطلاعات موثر بین المللی و تشویق اصلاح قوانین ملی و انعقاد مجالس تخنیکی بین المللی و کانگرس های جهانی را انجام و کمک نموده و کمکهای تخنیکی را در راه توفیق پروژه ها رو برآه نماید.

موسسات غیر دولتی و اطفال میوب

احیای مجدد بین المللی یک عضو فعال کمیته موسسات غیر دولتی و عضو کمیته فرعی اطفال میوب یونیسف میباشد. با این موقوفه اعضای احیای مجدد بین المللی یک رول عمده در جهت تفهیم بین -

المللی معضلات اطفال میوب و طرح ستراتیژی های جدید به منظور کمک و قایه و احیای مجدد معیوبیت های دوره طفولیت با یونیسف کمک میکند.

مدیر مسوول : راحله راسخ خرمی
معاون : محمد زمان نیکرای
آمر چاپ علی محمد عثمان زاده
آدرس : انصاری واپ جوار ریاست مطابع دولتی - کابل
تلفون مدیر مسوول : ۲۶۸۴۹۰
تلفون توزیع و شکایات ۲۶۸۵۰۹
سوجبورده مطابع دولتی ۲۶۸۵۰۱
تلفون ارتباطی ژوندون ۲۱

مطبعه دولتی



Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library